

انجمن کلیمیان و انتشار تهیلیم (مزامیر داوید)

«تهیلیم» کتاب مزامیر حضرت داوود یکی از معتبرترین منابع دینی، اخلاقی و فرهنگ یهودیت است. متن شعرگونه مزامیر حضرت داوود نه تنها بصورت کتاب موجود مورد استفاده یهودیان و علاقمندان می‌باشد، بلکه می‌توان گفت بخش عمده متون دعا‌های روزانه - هفتگی و اعیاد و سایر مراسم از مزامیر حضرت داوود تشکیل شده است.

مطلب درباره اهمیت «تهیلیم» در فرهنگ دینی و اعتقادی یهودیان در این مختصر نمی‌گنجد و مطالعه کتاب مزامیر حضرت داوود خود بیان کننده دلنشین‌ترین و گویاترین اصول توحید و ستایش غزل‌گونه خداوند و نعمات او است که همواره مورد تحسین مردم جهان بوده و البته گاهی نیز با تعابیر نادرست همراه بوده است.

از مزامیر حضرت داوود ترجمه‌های گوناگون وجود دارد، بخش‌هایی از ترجمه مرحوم حاخام حییم موره موجود است و اخیراً چند ترجمه از «تهیلیم» در خارج از کشور منتشر شده که هیچکدام ارزش و استحکام ترجمه حاخام حییم موره و ترجمه‌های قدیمی را ندارد.

در ترجمه‌ای که اینک در اختیار خوانندگان عزیز است ترجمه مجموعه کتب مقدس پایه کار قرار گرفته و از آن استفاده شده است، البته بعضی لغات و اصطلاحات در ترجمه کتاب مذکور بعد از گذشت هفتاد سال چنان مهجور و دور از ذهن شده است که بازنگری و انتخاب معادل‌های بهتر ناگزیر به نظر می‌رسید و بر همین مبنا ترجمه مذکور بازبینی شده و بدون اینکه اصل کتاب به لحاظ اصالت ترجمه و وفاداری به متن مورد تردید قرار گیرد. بازنویسی گردیده که امیدواریم مورد قبول قرار گیرد. در واقع می‌توان گفت انگیزه انتشار «تهیلیم» بوسیله گروهی از دوستان و مخصوصاً آقای هرصل گیدانیان مطرح شد و هیئت مدیره انجمن کلیمیان و کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان آن را پیگیری نمود و نتیجه آن کتابی است که در دست شما است. در تدوین و انتشار این کتاب خانم دوریس نوری‌الیان و ژانت عبدیان و آقایان: سلیمان حکاکیان - فرید طویان - مردخای امین شموئیلیان - یعقوب برخوردار و هارون یشایائی رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان زحمات فراوان کشیده‌اند که بدینوسیله از آنها قدردانی می‌نمائیم.

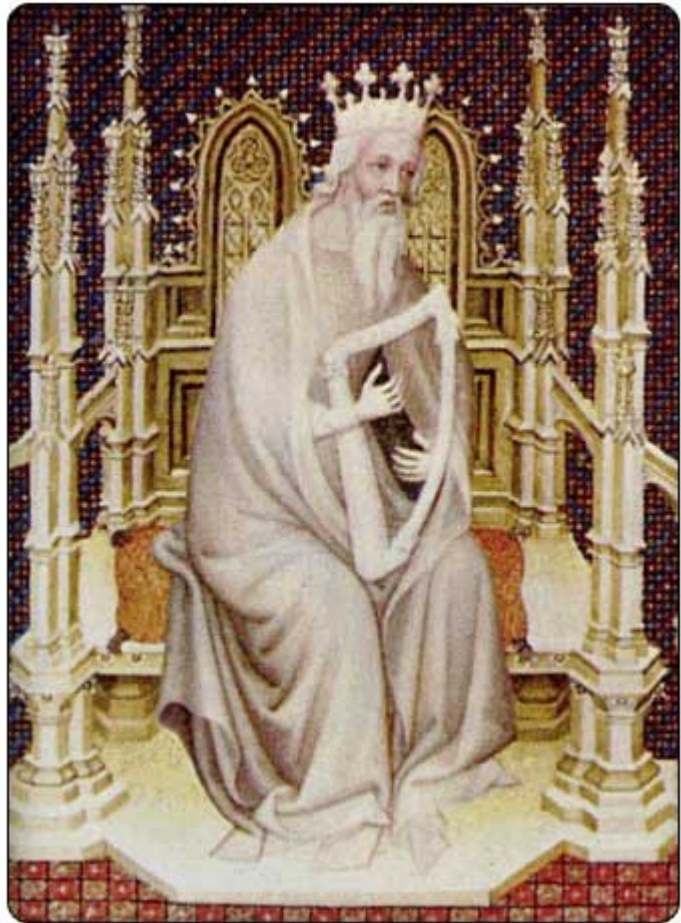
هیئت مدیره انجمن کلیمیان آذرماه ۱۳۷۸

تهیلیم (مزامیر حضرت داود)

تهیلیم اولین کتاب از سری کتب «کتوبیم» می‌باشد چنانچه از نام کتاب بر می‌آید تهیلیم شامل اشعار و سرودهایی در وصف و ستایش الهی و خلقت اوست. تهیلیم تفاوت بارزی با سایر کتب نبوی یهودیان دارد، در نوشتار انبیاء این خداوند است که بوسیله انبیایش با انسانها سخن می‌گوید، ولی در مزامیر این انسانها هستند که بصورت فردی و یا جمعی با خدا سخن می‌گویند. گاه با نماز و استغاثه و گاهی با شکرانه و ستایش. یکی از متفکرین می‌گوید «مزامیر آینه‌هایی هستند که حتی کوچکترین تأثیرات وارد آمده بر نفس را همچون، نگرانی‌ها، شادمانی‌ها، ترس، شک، امید، و یاس، رنج و سرگردانی منعکس می‌سازند».

مزامیر حضرت داوید از آنچنان تنوع بیانی و موضوعی برخوردار است که هر نیاز و خواسته‌ای را برآورده می‌سازد.

شاید بخاطر همین ویژگی است که در ایام قدیم لوی‌ها که از نواده‌های «لوی» یکی از



فرزندان حضرت یعقوب بودند و خداوند مسئولیت تشریفات معبد مقدس را به آنان محول نموده بود، بسیاری از مزامیر را همراه با مراسم قربانی در خانه خدا با آهنگ و نواهای متنوع موسیقی می‌سراییده‌اند. نوع سرودها تعیین کننده نوع آلات موسیقی و آهنگ مناسب آن سرود خاص بوده، زیرا یک شعر نیایشی با سرود تسبیحی یا شعر مرثیه‌ای متفاوت است. البته با وجود تحقیقات بسیار ماهیت آلات موسیقی و یا آهنگهایی که در آغاز مزامیر ذکر گردیده‌اند، مثل «نخیلوت»، «شمینیت»، «شیگایون»، «شوشنیم» و ... بدرستی مشخص نگردیده‌است.

هارامام در شرح مراتب نبوت به درجه‌ای اشاره می‌کند که انسان در بیداری احساس می‌کند حالتی در وجود او حادث شده و نیرویی او را به سخن می‌آورد و او سخنان لطیف و حکمت آمیز و یا ستایش گرانه یا نصایح مفید و حتی مطالب اجتماعی و یا الهیات بر زبان می‌راند. او این فیض عقلانی را که از جانب خداوند نازل می‌گردد «روئح هقودش» می‌نامد، و می‌گوید کتاب تهیلیم حضرت داوید از جمله این کتب است که با درجه «روئح هقودش» تالیف شده‌اند و به همین خاطر این کتاب جزو «کتوبیم» یعنی «با الهام نوشته شده» از مجموعه سه‌گانه تَنخ (توراه - نوییم - کتوبیم) جای گرفته است. درباره همین نوع الهام است که حضرت داوید می‌فرماید: «کلام او بر زبانم جاری است».

در ادبیات و زبان نگارش انبیاء یهود بخصوص در رابطه با صفات و اثرات باریتعالی اصطلاحی در تلمود وجود دارد که می‌گوید «تورا با زبان انسانها سخن گفته است». یعنی در ظاهر امر آنطور نوشته شده که تمام قشرهای

مردم بتوانند با ساده اندیشی خود نیز درکی از خداوند بیابند، در غیر این صورت چطور می توان شکوه و عظمت الهی را به آنان تعلیم داد. بدین خاطر برخی از صفات و افعال مادی برای معرفی و اعلام وجود الهی به عاریه گرفته شده است، زیرا یک نوآموز در ابتدای نگرش، وجود را در محسوسات می بیند. همچنین برای بیان بی نیاز بودن و بی نقص و کامل بودن خداوند نیز از بعضی کمالات که برای انسانها مصداق دارد استفاده شده است. پس صفات و افعالی در کتب انبیاء، مثل حرکت، نزول، صعود، رفتن، ایستادن، گشتن، نشستن، ساکن شدن، خارج شدن، و آمدن و عبور کردن، که همه آنها صفاتی مادی هستند و درباره جسم مصداق دارند، هرگز به مفهوم مادیشان به خداوند واحد و ازلی و ابدی اطلاق نمی شوند، بلکه برای بیان حضور و نظارت و توانایی و لطف و داوری باریتعالی بصورت تمثیل مورد استفاده قرار گرفته اند.

مزامیر حضرت داوید همچون هر اثر نبوی که سرچشمه از دریای بیکران وحی دارد به یک زمان و مکان و موضوع خاصی محدود نمی شود. بلکه به همه زمانها و نسلها تعلق دارد. هر زمزموری، می تواند ضمن داشتن پیام آموزنده خود، ابعاد مختلف و رموز نهفته در خود داشته باشد و به موضوعهای مختلف در زمانهای متفاوت اشاره کند. چنانکه حضرت داوید مزامیر موسوم به هَلِیلِ هَکَاذُول (از زمزمور ۱۱۳ تا ۱۱۸) را در وصف و ستایش خداوند بخاطر معجزات زمان خروج بنی اسرائیل از مصر در زمان قدیم و مددهای الهی به موحدین در دوران خودش می سراید و بعدها، حزقیا از پادشاهان یهودا، بخاطر عظمت شکست خوردن سپاهیان سَنَجَرِیو (پادشاه آشور) و خلاصی قومش، همین مزامیر نبوی را با نگاهی و برداشتی در رابطه با شگفتیهای زمان خودش می سراید یا بازگو می نماید (۶۹۰ تا ۷۲۰ قبل از میلاد).

روایتی به نقل از تلمود (باوا بتر ۱۴ب) می گوید «داوید تهیلیم را بهمراهی ده تن از بزرگان یعنی حضرت آدم - ملکی صدیق (بقولی لقب حضرت سام فرزند حضرت نوح) - حضرت ابراهیم - حضرت موسی - همان - یدوتون - آصاف و فرزندان قورح سراید - مفسرین مذهبی در توضیح این روایت گفته اند: حضرت داوید بسیاری از مزامیر دوران قبل از خود را به همراه مزامیری که حتی در دوره او توسط شعرای لوی چون آصاف و همان - یدوتون - سروده شده بودند با "با روئح هَقُوْدِش" دریافت و گردآوری کرده است.

شکی نیست که بسیاری از مزامیر به دوران بعد از داوید و حتی تا به زمان حشمونائیم نیز مربوط می شوند. زمزمور (۴۵) را برخی به ازدواج داوید با دختر پادشاه صور و یا یکی از وصلت های فرزند او سلیمان و برخی آنرا به ازدواج آحا و از پادشاهان بنی اسرائیل با "ایزبل" دختر پادشاه صیدون مربوط می دانند. زمزمورهای چون (۷۴) و (۷۹) از دوران خرابی شیلو (۸۵۳-۸۷۵ قبل از میلاد). حشمونائیم و ویرانی خانه خدا سخن به میان آورده اند. محققین (۷۳) زمزمور را به خود داوید به عنوان سراینده اصلی و نه دریافت کننده منتسب می دانند. دو زمزمور (۷۲) و (۱۲۷) به حضرت شَلْمُو (سلیمان) (۸۳۶-۷۹۶ قبل از میلاد) نسبت داده می شد، هر چند در زمزمور (۷۲) سلیمان موضوع شعر است و روشن نیست که آیا خود آنرا سروده یا زمزمور درباره او سروده شده است. ۱۲ زمزمور به آصاف که از اولین شعرای لوی در زمان داوید بوده نسبت داده می شود. ۱۱ زمزمور نیز به نواده های «قورح» که در زمان پادشاهی «یهوشافاط» (۸۳۶-۷۱۳ قبل از میلاد) از پادشاهان یهودا، بعنوان شعرایی از جامعه لویها معرفی شده اند منسوب اند. یک زمزمور به اتان ازراحی «و یکی به همان ازراحی» تعلق دارد که این شخصیتها که در کتاب پادشاهان به عنوان دانشمندان و شعرای معروف در ایام قدیم معرفی شده اند. افسانه های تلمودی اتان ازراحی را لقب حضرت ابراهیم می دانند. مفسرین زمزمور (۹۰) و بقولی (۹۱) را نیز به حضرت موسی نسبت داده اند. برخی نیز زمزمور (۶۶) را به «مِشَه» (۵۳۲-۴۷۷ قبل از میلاد) از پادشاهان یهودا پس از توبه و بازگشت او بسوی دستورت الهی منسوب می دانند.

البته می‌توان تصور نمود که اکثر این مزامیر و تفیلاها به وقایع و ماجراهایی که بر سراینندگان و یا جامعه آنها گذشته‌اند مربوط بوده، که در زبان و ادبیات خاص و نظم شعری در کلمات مختصر نقش گرفته‌اند که درک کامل و واضح آنها را برای خواننده نااندازه‌ای مشکل می‌سازد. همین روش عبارت پردازی و انشاء بلیغ و استعاره‌ای است که بعد عارفانه و تقدسی خاص به آن بخشیده تا آنجا که یهودیان در موقعیت‌های سخت و بیماری و افسردگی با تلاوت آن احساس آرامش می‌کنند و روحیه می‌یابند و معتقدند که کلمات ستایشگرانه تهلیلیم نردبانی برای صعود و ارتباط قلبی و روحی نزدیکتر انسان با خداوند ایجاد می‌نماید، و روح و جسم آنها را جلا می‌دهند و شفا می‌بخشند.

پی نوشت:

مجموعه کتب «تَخ» بنام (میقرا) بمعنی قرائت هم نامیده شده زیرا معمول بوده که در ایام شنبه و اعیاد قسمت‌هایی از این کتب مقدس را در حضور مردم قرائت می‌کرده‌اند، مدرسین میشنا هم به این مجموعه «میقرا» می‌گفتند تا آنرا با خود «میشنا» و «میدراش» که تورای شفاهی خوانده شده‌اند، متمایز نمایند. در زمان عزرای کاتب و به همت او و سایر اعضای انجمن کبیر قانون گذاری (کِنِسِت هگدولا) کتب مقدس در یک مجموعه بیست و چهار جلدی جمع‌آوری شدند تا از هرگونه گزند و تحریف در امان بمانند و این چنین نظم گرفتند. (قرن پنجم قبل از میلاد)

۱- پنج جلد تورا

پرشیت	آفرینش
شموت	خروج
ویقرا	لاویان
بمیدبار	اعداد
دواریم	تثنیه

۲- چهار جلد

انبیاء اولیه شامل یهوشوع، داوران، شموئل اول و دوم و پادشاهان اول و دوم

۳- سه جلد انبیا متاخر شامل یسعیا، یرمیا و یحزقل

۴- یک جلد از کتب انبیا بنام تره عاسار (کتب دوازده گانه) که شامل ۱۲ کتاب کوچک از دوازده نبی متاخر

است به نامهای هوشیع، یوئل، عاموس، عوودیا، یونا، میخا، ناخوم، حبقوق، صیفیا، حگی، زخریا و ملاخی

۵- یازده جلد کتوبیم که شامل تهلیلیم، امثال سلیمان، ایوب، سرود سرودهای سلیمان، روت، اِخا یا مراثی یرمیا،

جامعه، اِستیر، دانیل، عزرا و نحمیا و تواریخ ایام یک و دو

به اعتقاد یهودیان ۵ جلد تورا دیکته شده مسقیم از جانب خداوند به حضرت موسی است، هشت جلد کتب

انبیاء را انبیا در رویای نبوت به صورت وحی دریافت کرده و بعد آنرا نوشته‌اند، و یازده جلد کتوبیم نیز با "روئح

هقودش" نگرش شده‌اند بعضی از علما این سه ترکیب را به نام‌های تورا، نبوت و حکمت نیز نامیده‌اند.

توضیح: تاریخ‌های قید شده دوران سلطنت پادشاهان را مشخص کرده است.

سلیمان حکاکیان

مزمور اول

۱. خوشا به حال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاء کنندگان ننشیند
۲. بلکه رغبت او در شریعت خداوند است، و روز و شب در شریعت او تفکر می کند
۳. پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می دهد، و برگش پژمرده نمی گردد، و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود
۴. شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می کند
۵. پس شریران در داوری نخواهند ایستاد، و نه گناهکاران در جماعت عادلان
۶. زیرا خداوند طریق عادلان را می داند، ولی طریق گناهکاران فنا خواهد شد

مزمور دوم

۱. چرا امتها خروش نموده اند، و طوائف در باطل تفکر می کنند
۲. پادشاهان زمین برمی خیزند و سروران با هم مشورت نموده اند، به ضد خداوند و به ضد ماشیح او
۳. که بندهای ایشان را بگسلیم، و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم
۴. او که بر آسمانها نشسته است می خندد، خداوند بر ایشان استهزاء می کند
۵. آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد، و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت
۶. و من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه مقدس خود صیون
۷. فرمان را اعلام می کنم خداوند به من گفته است، تو فرزند من هستی امروز تو را متولد کردم
۸. از من درخواست کن و امتها را به میراث تو خواهم داد، و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید
۹. ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست، مثل کوزه کوزه گر آنها را خرد خواهی نمود
۱۰. و اینک ای پادشاهان تعقل نمایید، ای داوران جهان متنبه گردید
۱۱. خداوند را با ترس عبادت کنید، و بالرز شادی نمایید
۱۲. منزله را بیوسید مبدا (خداوند) غضبناک شود، و از طریق خود هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می شود، خوشا به حال همه آنانی که بر او توکل دارند

مزمور سوم

۱. مزمور داوید وقتی که از پسر خود ابشالوم فرار کرد
۲. ای خداوند دشمنانم چه بسیار شده اند، بسیاری به ضد من برمی خیزند
۳. بسیاری برای جان من می گویند، از جانب خدا برای او خلاصی نیست سلاه
۴. لیکن تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرازنده سر من
۵. به آواز خود نزد خداوند می خوانم، و من را از کوه مقدس خود اجابت می نماید سلاه
۶. و اما من خسبیده بخواب رفتم و بیدار شدم، زیرا خداوند من را تقویت می دهد

۷. از کرورهای مخلوق نخواهم ترسید، که گرداگرد من صف بسته‌اند
۸. ای خدا. اوند برخیز ای خدا. ای من مرا برهان، زیرا سیلی بر رخسار همه دشمنانم زد، دندان‌های شیران را شکستی
۹. نجات از آن خدا. اوند است، و برکت تو بر قوم تو می‌باشد سلاه

مزمور چهارم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینوت، مزمور داوید
۲. ای خدا. ای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما، در تنگی مرا وسعت دادی، بر من کرم فرموده دعای مرا بشنو
۳. ای فرزندان انسان تا به کی جلال مرا خوار (می‌کنید)، و بطالت را دوست داشته دروغ را خواهید طلبید سلاه
۴. اما بدانید که خدا. اوند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خدا. اوند خواهد شنید
۵. هراسان شوید و گناه مورزید، در دل‌ها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید سلاه
۶. قربانی‌های عدالت را بگذرانید، و بر خدا. اوند توکل نمایید
۷. بسیاری می‌گویند کیست که به ما احسان نماید، ای خدا. اوند نور چهره خویش را بر ما برافراز
۸. شادمانی در دل من پدید آورده‌ای، بیشتر از وقتی که غله و شیره ایشان افزون گردید
۹. به سلامتی می‌خسبم. بخواب هم می‌روم، زیرا که تو فقط ای خدا. اوند مرا در اطمینان ساکن می‌سازی

مزمور پنجم

۱. برای سالار مغنیان بر نخیلوت، مزمور داوید
۲. ای خدا. اوند به سخنان من گوش بده، در تفکر من تأمل فرما
۳. ای پادشاه و خدا. ای من به آواز فریادم توجه کن، زیرا که نزد تو دعا می‌کنم
۴. ای خدا. اوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید، بامدادان (دعای خود را) نزد تو آراسته می‌کنم و انتظار می‌کشم
۵. زیرا تو خدا. ایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و گناهکار نزد تو ساکن نخواهد شد
۶. رسوایان در نظر تو نخواهند ایستاد، از همه بطالت‌کنندگان نفرت می‌کنی
۷. دروغ‌گویان را هلاک خواهی ساخت، خدا. اوند شخص خون ریز و حيله‌گر را مکروه می‌دارد
۸. و اما من از کثرت رحمت تو به خانه‌ات داخل خواهم شد، و بخاطر هیبتت به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم نمود
۹. ای خدا. اوند به سبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما، و راه خود را پیش روی من هموار گردان
۱۰. زیرا در دهان ایشان راستی نیست، باطن ایشان شرارت محض است، حلقوم ایشان گشاده قبری است، و زبان‌های خود را تیزی می‌دهند
۱۱. ای خدا. ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای ایشان، ایشان را طرد کن زیرا که بر تو فتنه کرده‌اند

۱۲. و همه متوکلانت شادی خواهند کرد و تا به ابد ترنم خواهند نمود، زیرا که ملجاء ایشان تو هستی، و آنانی که اسم تو را دوست می‌دارند در تو به وجد خواهند آمد

۱۳. زیرا تو ای خدا. اوند مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود

مزمور ششم

۱. برای سالار مغنیان بر شمینیت، مزمور داوید

۲. ای خدا. اوند مرا در غضب خود تویخ منما، و مرا در خشم خویش تادیب مکن

۳. ای خدا. اوند بر من کرم فرما زیرا که پڑمرده‌ام، ای خدا. اوند مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم لرزانند

۴. و جان من به شدت پریشان است، پس تو ای خدا. اوند تا به کی

۵. ای خدا. اوند مرا دریاب و جانم را خلاصی ده، به رحمت خویش مرا نجات بخش

۶. زیرا که در نیستی ذکر تو نمی‌باشد، در گور کیست که تو را حمد گوید

۷. از ناله خود وامانده‌ام، تمامی شب تخت خواب خود را (با گریه) غرق می‌کنم، و بستر خویش را با اشک‌ها تر می‌سازم

۸. چشم من از غصه کاهیده شد، و به سبب همه دشمنانم تار گردید

۹. ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا خدا. اوند آواز گریه مرا شنیده است

۱۰. خدا. اوند استغاثه مرا شنیده است، خدا. اوند دعای مرا اجابت خواهد نمود

۱۱. همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد، رو بر گردانیده ناگهان خجل خواهند گردید

مزمور هفتم

۱. شیگایون داوید که آن را برای خدا. اوند سرانید به سبب سخنان کوش بن یمینی

۲. ای خدا. اوند خدا. ای من به تو پناه می‌برم، از همه تعاقب کنندگانم مرا نجات ده و برهان

۳. مبادا او مثل شیر، جان مرا بدرد، و خورد سازد و نجات دهنده‌ای نباشد

۴. ای خدا. اوند، خدا. ای من اگر چنین کردم، و اگر در دست من ظلمی پیدا شد

۵. اگر به خیر اندیش خود بدی کردم، و بی سبب دشمن خود را تاراج نمودم

۶. پس دشمنانم را تعقیب کند، و آنرا گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند، و جلالم را در خاک ساکن سازد سلاه

۷. ای خدا. اوند در غضب خود برخیز به سبب قهر دشمنانم بلند شو، برای من بیدار شو ای که داوری را امر فرموده‌ای

۸. و جمیع امت‌ها گرداگرد تو بیایند، و بر بالای ایشان به مقام اعلی رجوع فرما

۹. خدا. اوند امت‌ها را داوری خواهد نمود، ای خدا. اوند موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد بده

۱۰. بدی شریکان نابود شود و عادل را پایدار کن، زیرا امتحان کننده دل‌ها و قلوب خدای عادل است

۱۱. حفاظت شدنم از جانب خدا. می‌باشد، که راست‌دلان را نجات‌دهنده است

۱۲. خدا. داور عادل است، و هر روزه خدا. (بر ظالمان) خشمناک می‌شود

۱۳. اگر (شورور) بازگشت نکند (خدایا) شمشیر خود را تیز خواهد کرد، کمان خود را کشیده و آماده کرده است
۱۴. و برای او آلات مرگ را مهیا ساخته، و تیرهای خویش را شعله‌ور گردانیده است
۱۵. اینک به بطالت آبتن شده، و به ظلم حامله گردیده دروغ را زاییده است
۱۶. و نیز حفره‌ای کند و آن را گود نموده است، در چاهی که ساخت خود بیفتاد
۱۷. ظلم او بر سرش خواهد برگشت، و ستم او بر فرقیش فرود خواهد آمد
۱۸. خدایاوند را بر حسب عدالتش حمد خواهم گفت، و اسم خدایاوند تعالی را تسبیح خواهم خواند

مزمور هشتم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت، مزمور داوید
۲. ای خدایاوند خدای ما چه بلند مرتبه است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده‌ای
۳. از دهان کودکان و شیرخوارگان، بسبب (تنبیه) خصمانت قوت را بنا نهادی، تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی
۴. چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشت‌های توست، و به ماه و ستارگانی که تو آراستی
۵. پس انسان چیست که او را به یاد آوردی، و بنی آدم که از او تفقد نمایی
۶. او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی، و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی
۷. او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی
۸. گوسفندان و گاوان جمیعا، و بهایم صحرا را نیز
۹. مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راه‌های آب‌ها سیر می‌کند
۱۰. ای خدایاوند، خدای ما، چه بلند مرتبه است نام تو در تمامی زمین

مزمور نهم

۱. برای سالار مغنیان بر موت لبن مزمور داوید
۲. خدایاوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد
۳. در تو شادی و وجد خواهم نمود، نام تو را ای متعال خواهم سراپید
۴. چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده از حضور تو هلاک خواهند شد
۵. زیرا انصاف و داوری بر من کردی، (چون) داور عادل بر مسند نشسته‌ای
۶. امت‌ها را توبیخ نموده‌ای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا به ابد
۷. و اما دشمنان نیست شده خرابه‌های ابدی گردیده‌اند، و شهرها را ویران ساخته‌ای حتی ذکر آنها نابود گردید
۸. لیکن خدایاوند پابرجا است تا به ابد، و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است
۹. و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و امت‌ها را به راستی داد خواهد داد

۱۰. و خداوند قلعه بلند برای کوفته شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمان‌های تنگی
۱۱. و آنانی که نام تو را می‌شناسند بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خداوند، تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای
۱۲. خداوند را که بر صیون متجلی است بسزائید، کارهای او را در میان قوم‌ها اعلان نمایید
۱۳. زیرا او که انتقام گیرنده خون (بیگناهان) است ایشان را بیاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است
۱۴. ای خداوند بر من کرم فرموده به ظلمی که از خصمان خود می‌کشم نظر افکن، ای که برافرازنده من از درهای نیستی هستی
۱۵. تا همه تسبیحات تو را بیان کنم در دروازه‌های دختر صیون، در نجات تو شادی خواهم نمود
۱۶. امت‌ها به چاهی که کنده بودند خود افتادند، در دامی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد
۱۷. خداوند خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شریر از کار دست خود به دام گرفتار گردیده است، هیگایون سلاه
۱۸. شریران به گور خواهند برگشت، و جمیع امت‌های که خدا را فراموش می‌کنند
۱۹. زیرا مسکین همیشه فراموش نخواهد شد، امید حلیمان تا به ابد ضایع نخواهد بود
۲۰. قیام کن خداوند تا انسان غالب نیاید، امت‌ها به حضور تو داوری خواهند شد
۲۱. ای خداوند ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا امت‌ها بدانند که انسانند سلاه

مزمور دهم

۱. ای خداوند چرا دور ایستاده‌ای، و خود را در وقت‌های تنگی پنهان می‌کنی
۲. از تکبر شریران فقیر تعقیب می‌شود، در مشورت‌هایی که اندیشیده‌اند گرفتار می‌شود
۳. زیرا که شریر به شهوات نفس خود فخر می‌کند، و آنکه می‌رباید (عمل خود را) می‌ستاید و خداوند را اهانت می‌کند
۴. شریر در غرور خود می‌گوید بازخواست نخواهد کرد، همه فکرهای او اینست که خدا بی نیست
۵. راههای او همیشه موفق‌اند، احکام تو برای او بلند و بعید است، همه دشمنان خود را به هیچ می‌شمارد
۶. در دل خود گفته است هرگز لغزش نخواهم خورد، و هرگز بدی را نخواهم دید
۷. دهان او از لعنت و مکر و ظلم پر است، زیر زبانش مشقت و گناه است
۸. در کمین‌های دِهات می‌نشیند، در جای‌های مخفی بی‌گناه را می‌کشد، چشمانش برای مسکینان مراقب است
۹. در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین می‌کند، به جهت گرفتن مسکین کمین می‌کند، فقیر را به دام خود کشیده گرفتار می‌سازد
۱۰. پس کوفته و خمیده می‌شود، و مساکین در زیر (دست و پای) زور آور او می‌افتند
۱۱. در دل خود گفت خدا را فراموش کرده است، روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید
۱۲. ای خداوند قیام کن ای خدا دست خود را برافراز، و مسکینان را فراموش مکن
۱۳. چرا شریر خدا را اهانت کرده در دل خود می‌گوید، تو بازخواست نخواهی کرد

۱۴. البته دیده‌ای، زیرا که تو بر جفا و قهر (شریر) می‌نگری، تا به دست خود مکافات برسانی، مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است، مددکار یتیمان تو هستی
۱۵. بازوی گناهکار را بشکن، و اما شریر را از شرارت او بازخواست کن تا (دیگر ظلم را) نیایی
۱۶. خد. اوند پادشاه است تا به ابد، امت‌های (کافر) از زمین او هلاک خواهند شد
۱۷. او خد. اوند مسئلت مسکینان را اجابت کرده‌ای، دل ایشان را استوار نموده‌ای و به ایشان گوش فرا می‌دهی
۱۸. تا یتیمان و کوفته‌شدگان را دادرسی کنی، انسانی که از زمین است هرگز نترسانند

مزمور یازدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید بر خد. اوند توکل می‌دارم چرا به جانم می‌گویند، مثل مرغ به کوه خود بگریزد
۲. زیرا اینک شریان کمان را می‌کشند و تیر را بزه نهاده‌اند، تا بر راست دلان در تاریکی بیندازند
۳. زیرا که ارکان منهدم می‌شوند، و مرد عادل چه کند
۴. خد. اوند در محراب قدس خود است و کرسی خد. اوند در آسمان، چشمان او می‌نگرد پلک‌های وی بنی‌آدم را می‌آزماید
۵. خد. اوند مرد عادل را امتحان می‌کند، و اما از شریر و دوستدار ظلم ذات او نفرت می‌دارد
۶. بر شریر دامها و آتش و کبریت خواهد بارانید، و باد مسموم حصهٔ پیاله ایشان خواهد بود
۷. زیرا خد. اوند عادل است و عدالت را دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند دید

مزمور دوازدهم

۱. برای سالار مغنیان بر شمینیت، مزمور داوید
۲. ای خد. اوند نجات بده زیرا که مردم متقی نابود شده‌اند، و امناء از میان بنی‌آدم نایاب گردیده‌اند
۳. همه به یکدیگر دروغ می‌گویند، به لب‌های چاپلوس و دل منافق سخن می‌رانند
۴. خد. اوند همهٔ لب‌های چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبرآمیز بگوید
۵. که می‌گویند بزبان خویش غالب می‌آییم، لب‌های ما با ما است، کیست که بر ما مسلط باشد
۶. خد. اوند می‌گوید به سبب غارت مسکینان و نالهٔ فقیران اینک برمی‌خیزم، و او را در نجاتی که برای آن آه می‌کشد برپا خواهم داشت
۷. کلام خد. اوند کلام پاکی است، نقرهٔ مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است
۸. تو ای خد. اوند ایشان را محافظت خواهی نمود، از این دوره و تا به ابد محافظت خواهی فرمود
۹. شریران بهر جانب می‌خرامند، وقتی که پلیدی در بنی‌آدم اوج می‌گیرد

مزمور سیزدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خدا. اووند تا به کی، آیا تا ابد مرا فراموش می کنی، تا به کی روی خود را از من خواهی پوشانید
۳. تا به کی برای جان خویش تدبیر کنم و در دلم هر روزه غم باشد، تا به کی دشمنم بر من سرافراشته شود
۴. ای خدا. اووند خدای من نظر کرده مرا مستجاب فرما، چشمان مرا روشن کن مبادا به خواب مرگ بروم
۵. مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم، و مخالفانم از پریشانی شادی نمایند
۶. و اما من به رحمت تو توکل می دارم، دل من در نجات تو شادی خواهد کرد برای خدا. اووند سرود خواهم خواند، زیرا که به من احسان نموده است

مزمور چهاردهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید، احمق در دل خود می گوید که خدا. ایی نیست، کارهای خود را فاسد و مکروه ساخته اند و نیکوکاری نیست
۲. خدا. اووند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند، که آیا فهمیم و طالب خدایی هست
۳. همه رو گردانیده با هم فاسد شده اند، نیکوکاری نیست یکی هم نی
۴. آیا همه گناهکاران بی معرفت هستند، که قوم من را می خورند چنانکه نان می خورند، و خدا. اووند را نمی خوانند
۵. آنگاه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خدا. (حامی) حلقه عادلان است
۶. مسکین را از تدبیرش که خدا. اووند ملجاء اوست، مأیوس می کنید
۷. کاش که نجات (بنی) اسرائیل از صیون ظاهر می شد، چون خدا. اووند اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و (بنی) اسرائیل شادمان خواهد گردید

مزمور پانزدهم

۱. مزمور داوید، ای خدا. اووند کیست که در خیمه تو منزل کند، و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد
۲. آنکه بی عیب سالک باشد و عدالت را به جا آورد، و در دل خویش راست گو باشد
۳. کسی که به زبان خود غیبت ننماید، و به دوست خود بدی نکند و درباره نزدیکان خویش بدگویی را قبول ننماید
۴. که در نظر خود حقیر و خوار است، و آنانی را که از خدا. اووند می ترسند دوست می دارد، و قسم به ضرر خود می خورد و تغییر نمی دهد
۵. نقره خود را به سود نمی دهد و رشوه بر بی گناه نمی گیرد، آن که این را به جا آورد، تا به ابد لغزش نخواهد خورد

مزمور شانزدهم

۱. میختم داوید، ای خدا. مرا حفاظت فرما، زیرا بر تو توکل می دارم

۲. خداوند را گفتمی تو خداوند من هستی، نیکوئی من نیست غیر از تو
۳. و اما مقدسانی که در زمین اند و دلیران (مؤمن)، تمامی اشتیاق من به ایشان است
۴. دردهای آنانی که در پی (خدا) دیگر می‌شتابند بسیار خواهد شد، هدایای ایشان را که خونی است نخواهم ریخت، و نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد
۵. خداوند نصیب قسمت و پیمانۀ من است، تو قرعۀ مرا نگاه می‌داری
۶. خطه‌های من بجای‌های خوش افتاد، میراث زیبایی بمن رسیده است
۷. خداوند را که مرا نصیحت نمود متبارک می‌خوانم، شبانگاه نیز (افکار) قلبم مرا تنبیه می‌کنند
۸. خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم، چون که به دست راست من است تردید نخواهم کرد
۹. از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید، جسمم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد
۱۰. زیرا جانم را در عالم اموات رها نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند
۱۱. طریق حیات را به من خواهی آموخت، به حضور تو کمال خوشی است و به یمین تو لذت‌ها تا ابد

مزمور هفدهم

۱. تفیلائی داوید، ای خداوند عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما، و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید گوش کن
۲. داد من از حضور تو صادر شود، بصیرت تو راستی را ببیند
۳. دل من را آزموده‌ای شبانگاه و از آن بازخواست کرده‌ای، من را قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته و اندیشه‌هایی غیر از آنکه دهانم جاری شده باشد (نیافته‌ای)
۴. و اما در (رابطه) با کارهای آدمیان بر حسب کلامت، خود را از راه‌های ظالم نگاه داشتم
۵. قدمهایم به آثار تو برپا است، پس پای‌هایم نخواهد لغزید
۶. ای خدا. تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود، شنوایی خود را به من فراگیر و سخن مرا بشنو
۷. رحمت‌های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به یمین خود از مخالفان ایشان می‌رهانی
۸. من را مثل مردمک چشم نگاه دار، مرا زیر سایهٔ بال خود پنهان کن
۹. از روی شیرانی که من را هلاک می‌سازند، از دشمنانم که (برای) گرفتن جانم من را احاطه می‌کنند
۱۰. دل فربهٔ خود را بسته‌اند، به زبان خویش سخنان تکبرآمیز می‌گویند
۱۱. اینک قدم‌های ما را احاطه کرده‌اند، و چشمان خود را دوخته‌اند تا ما را به زمین بیندازند
۱۲. مثل او مثل شیری است که در دریدن حریص باشد، و مثل شیر ژیان که در بیشهٔ خود در کمین است
۱۳. ای خداوند برخیز و پیش روی وی درآمده او را بینداز، و جانم را از شریر به شمشیر خود برهان
۱۴. از (دست) آدمیان ای خداوند (من را) به دست خویش (برهان)، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانیت، که شکم ایشان را به ذخایر خود پر ساخته، و از اولاد سیر شده زیادی مال خود را برای اطفال خویش ترک می‌کنند
۱۵. و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید، و چون بیدار شوم از صورت تو سیر خواهم شد

مزمور هجدهم

۱. برای سالار مغنیان مزمور داوید بنده خد. اوند که کلام این سرود را درباره خد. اوند گفت در روزی که خد. اوند ا را از دست همه دشمنانش و از دست شائول رهایی داد
۲. پس گفت ای خد. اوند ای قوت من، تو را دوست می دارم
۳. خد. اوند صخره من است و ملجا و نجات دهنده من خد. ایم صخره من است که به او پناه می برم، سپر من و مایه نجاتم و قلعه بلند من
۴. خد. اوند را که سزاوار همه ستایش ها است خواهم خواند، پس از دشمنانم رهایی خواهم یافت
۵. مرگ تار و پود من را احاطه کرده، و سیلاب های شرارت مرا ترسانیده اند
۶. حلقه های کور دور من را گرفته اند، و دام های مرگ پیش روی من در آمده اند
۷. در تنگی خود خد. اوند را می خوانم و نزد خد. ای خویش استغاثه می نمایم، او آواز من را از هیکل خود شنود و استغاثه من به حضورش به سمع وی می رسد
۸. زمین متزلزل و مرتعش شده اساس کوه ها بلرزید، و متزلزل گردید چون که خشم او فروخته شد
۹. دود از بینی کوه برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت، و آتش ها از آن فروخته گردید
۱۰. آسمان را کمان کرده نزول فرمود، و زیر پای وی تاریکی غلیظ می بود
۱۱. بر کروی سوار شده پرواز نمود، و بر بال های باد طیران کرد
۱۲. تاریکی را پرده خود و خیمه گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آبها و ابرهای متراکم را
۱۳. از تابش پیش روی او ابرها می شتافتند، تگرگ و آتش های فروخته
۱۴. و خد. اوند از آسمان رعد کرده (خد. اوند) متعال آواز خود را بداد، تگرگ و آتش های فروخته را
۱۵. پس تیرهای خود را رها کرده ایشان را پراکنده ساخت، و برقها بینداخت و ایشان را پریشان نمود
۱۶. آنگاه عمق های آب ظاهر شد، و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه تو ای خد. اوند از نفعه باد بینی تو
۱۷. پس از آسمان فرستاده ای من را خواهد گرفت، و از آب های بسیار، بیرون خواهد کشید
۱۸. و من را از دشمنان زور آورم، و از خصمانم که از من توانا تر شدند، رهایی خواهد داد
۱۹. در روز بلا پیش رویم در آمدند، لیکن خد. اوند تکیه گاه من بود
۲۰. و من را به جایگاه وسیع بیرون آورد، من را نجات داد زیرا که در من رغبت می داشت
۲۱. خد. اوند موافق عدالتم من را جزا می دهد، و به حسب پاکی عمل دست من را به مکافات می رساند
۲۲. زیرا که سلوک خد. اوند را نگاه داشته، به خد. ای خویش عصیان نورزیده ام
۲۳. و جمیع احکام او پیش روی من بوده است، و فرائض او را از خود دور نکرده ام
۲۴. و نزد او بی عیب بوده ام، و خویشتن را از گناه خود نگاه داشته ام
۲۵. پس خد. اوند من را موافق عدالتم، و به حسب پاکی عمل دستم در نظر وی پاداش داده است
۲۶. با شخص با تقوا، احسان خواهی کرد و با مرد کامل به کمال رفتار خواهی کرد

۲۷. با پاکدل به روشنی رفتار خواهی کرد و با کج‌رو، سرسخت خواهی بود
۲۸. زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید، و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت
۲۹. زیرا که تو چراغ من را خواهی افروخت، خداوند خدا.ایم تاریکی من را روشن خواهد گردانید
۳۰. زیرا (به مدد) تو بر فوج‌ها حمله می‌برم، و به کمک خدا.ایم بر حصارها می‌جهم
۳۱. و اما خدا. طریق او کامل است و کلام خدا.اوند مصفا، او برای همه متوکلان خود سپر است
۳۲. زیرا کیست خدا. غیر از خدا.اوند، و کیست صخره غیر از خدا.ای ما
۳۳. خدا.ایی که کمر من را به قوت بسته، و راه‌های من را کامل گردانیده است
۳۴. پای‌های من را مثل گوزن ساخته، و من را به مقام‌های اعلائی من برپا داشته است
۳۵. دست‌های من را برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازوی من خم شد
۳۶. سپر نجات خود را به من داده‌ای، یمینت عمود من شده و مهربانی تو من را بزرگ ساخته است
۳۷. قدم‌هایم را زیر بدنم استوار نمودی، که مچ پای‌های من نلغزید
۳۸. دشمنان خود را تعقیب نموده به ایشان خواهم رسید، و تا نابود نشوند بر نخواهم گشت
۳۹. ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست، و زیر پاهای من خواهند افتاد
۴۰. زیرا کمر من را برای جنگ به قوت بسته‌ای، و مخالفانم را زیر پایم انداخته‌ای
۴۱. گردن‌های دشمنانم را به من تسلیم کرده‌ای، تا خصمان خود را نابود بسازم
۴۲. نزد خدا.اوند فریاد برآوردند اما رهاننده‌ای نبود، (خدا.اوند) ایشان را اجابت نکرد
۴۳. ایشان را چون غبار پیش باد ساییده‌ام، مثل گِلِ کوچه‌ها ایشان را دور ریخته‌ام.
۴۴. من را از منازعه‌ای قوم برهان سر امت‌ها ساز، قومی را که شناخته بودم من را خدمت نماید
۴۵. به مجرد شنیدن من را اطاعت خواهند کرد، فرزندان غریبان (دشمنیشان را) نزد من حاشا خواهند نمود
۴۶. فرزندان غریبان پژمرده می‌شوند، و در قلعه‌های خود خواهند لرزید
۴۷. خدا.اوند زنده است و صخره من متبارک باد، و خدا.ای نجات من متعال
۴۸. خدا.ایی که برای من انتقام می‌گیرد، و کافران را در برابر من مغلوب می‌سازد
۴۹. من را از دشمنانم رهانیده بر خصمانم بلندتر کرده‌ای، و از مرد ظالم من را خلاصی داده‌ای
۵۰. لهذا ای خدا.اوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت، و به نام تو سرود خواهم خواند
۵۱. که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به ماشیح خویش رحمت نموده است، یعنی به داوید و ذریت او تا ابد

مزمور نوزدهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند، و فلک از عمل دستهایش خبر می‌دهد
۳. روز سخن می‌راند تا روز، و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب

۴. سخنی نیست و کلامی نی، و آواز آنها شنیده نمی شود
۵. گستره آن ها در تمام جهان بیرون رفت، و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون خیمه ای برای آفتاب در آنها قرار داد
۶. و او مثل داماد از حجله ای خود بیرون می آید، و مثل پهلوان از دویدن در مسیر شادی می کند
۷. خروجش از کرانه آسمان است و مدارش تا به کرانه دیگر، و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست
۸. شریعت خداوند کامل است و جان را احیاء می کند، گواهی خداوند معتبر است و جاهل را حکیم می گرداند
۹. فرائض خداوند راست است و دل را شاد می سازد، امر خداوند پاک است و چشم را روشن می کند
۱۰. ترس خداوند پاک است و ثابت است تا به ابد، احکام خداوند حق و به تمامی عدل است
۱۱. از طلا مرغوب تر از زر خالص بسیار، از شهد شیرین تر و از قطرات شانه عسل
۱۲. بنده تو نیز از آنها متنبه می شود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است
۱۳. کیست که خطاهای خود را بداند، من را از خطایای مخفی پاک ساز
۱۴. بندهات را نیز از اعمال متکبرانه بازدار تا بر من مسلط نشود، آنگاه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود

مزمور بیستم

۱. سخنان دهانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره منت و نجات دهنده من هستی
۲. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۳. خداوند تو را در روز تنگی مستجاب فرماید، نام خدا ای یعقوب تو را سرفراز نماید
۴. نصرت برای تو از قدس خود بفرستد، و تو را از صیون تایید نماید
۵. جمیع هدایای تو را به یاد آورد، و قربانی های سوختنی تو را قبول فرماید سلاه
۶. موافق دل تو به تو عطا فرماید، و همه مشورت های تو را به انجام رساند
۷. به نجات تو خواهیم سرایید، و به نام خدا ای خود عَلم خود را خواهیم افراشت، خداوند تمامی مسئلت تو را به انجام خواهد رسانید
۸. و حال دانسته ام که خداوند ماشیح خود را می رهاند، از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات بخش یمین خویش
۹. اینان عرابه ها را و آنان اسب ها را، اما ما نام خداوند خدا ای خود را ذکر خواهیم نمود
۱۰. ایشان خم شده افتاده اند، و اما ما برخاسته ایستاده ایم
۱۱. ای خداوند نجات بده، پادشاه در روزی که بخوانیم ما را مستجاب فرماید

مزمور بیست و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خداوند در قوت تو پادشاه شادی می کند، و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهند آمد

۳. مراد دل او را به وی بخشیدی، و مسئلت زبانش را از او دریغ نداشتی سلاه
۴. زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی، تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی
۵. حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا به ابد
۶. جلال او به سبب نجات تو عظیم شده، شکوه و حشمت را بر او نهاده‌ای
۷. زیرا او را مبارک ساخته‌ای تا به ابد، به حضور خود، او را بی‌نهایت شادمان گردانیده‌ای
۸. زیرا که پادشاه بر خداوند توکل می‌دارد، و به فضل الهی لغزش نخواهد خورد
۹. دست تو همه دشمنان را خواهد گرفت، یمین تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت
۱۰. در وقت غضب خود ایشان را چون تنور آتش خواهی ساخت، خداوند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید، و آتش ایشان را خواهد سوزانید
۱۱. ثمره ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت، و ذریت ایشان را از میان بنی آدم
۱۲. زیرا قصد بدی برای تو کردند، و فریب‌هایی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورند
۱۳. زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت، بر زه‌های خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت
۱۴. ای خداوند در قوت خود متعال شو، جبروت تو را ترنم و تسبیح خواهیم خواند

مزمور بیست و دوم

۱. برای سالار مغنیان بر آیلِت هَشَحَر مزمور داوید
۲. ای خدا ای من ای خدا ای من چرا مرا ترک کرده‌ای، و از نجات من و فریاد سخنانم دور هستی
۳. ای خدا ای من در روز می‌خوانم و مرا اجابت نمی‌کنی، در شب نیز و من را خاموشی نیست
۴. و اما تو قدوس هستی، ای که دائم مورد ستایش (بنی) اسرائیل می‌باشی
۵. پدران ما بر تو توکل داشتند، بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی
۶. نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند، بر تو توکل داشتند پس خجل نشدند
۷. و اما من کرم هستم و انسان نی، عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم
۸. هر که من را ببیند به من استهزاء می‌کند، لب‌های خود را باز می‌کنند و سرهای خود را می‌جنبانند (و می‌گویند)
۹. بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد، او را برهاند چون که به وی رغبت می‌دارد
۱۰. زیرا که تو من را از شکم بیرون آوردی، وقتی که بر آغوش مادر خود بودم من را مطمئن ساختی
۱۱. با عنایت تو از رَجِم خارج شدم، از شکم مادرم، خدا ای من تو هستی
۱۲. از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است، و کسی نیست که مدد کند
۱۳. گاوان نر بسیار دور من را گرفته‌اند، زورمندان باشان من را احاطه کرده‌اند
۱۴. دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده غرآن
۱۵. مثل آب ریخته شده‌ام، و همه استخوان‌هایم از هم گسیخته، دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است

۱۶. قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کامم چسبیده، و من را به خاک نیستی نهاده‌ای
۱۷. زیرا سگان دور من را گرفته‌اند، جماعت اشرار من را احاطه کرده، دست‌ها و پای‌هایم من را مثل شیر می‌شکنند
۱۸. همه استخوان‌های خود را می‌شمارم، ایشان به من چشم دوخته می‌نگرند
۱۹. رخت من را در میان خود تقسیم کردند، و بر لباس من قرعه انداختند
۲۰. اما تو ای خداوند دور مباش، ای قوت من برای نصرت من شتاب کن
۲۱. جان من را از شمشیر خلاص کن، و یگانه من را از دست سگان
۲۲. من را از دهان شیر خلاصی ده، ای که از میان شاخ‌های گاو وحشی من را اجابت کرده‌ای
۲۳. نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد، در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند
۲۴. ای ترسندگان خداوند او را حمد گویند، تمام ذریت یعقوب او را تمجید نمایید، و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید
۲۵. زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است، و چون نزد وی فریاد برآورد او را اجابت می‌فرماید
۲۶. تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است، نذرهای خود را به حضور ترسندگان او ادا خواهم نمود
۲۷. بردباران غذا خورده سیر خواهند شد، و طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند، و دل‌های شما تا به ابد زنده خواهد بود
۲۸. تمامی کران‌های زمین متذکر شده، به سوی خداوند بازگشت خواهند نمود، و همه قبایل امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد
۲۹. زیرا سلطنت از آن خداوند است، و او بر امت‌ها مسلط است
۳۰. همه متمولان زمین غذا خورده خمیده خواهند شد، و به حضور وی هر که به خاک فرو می‌رود سجده خواهد نمود، و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت
۳۱. (ولی) ذریتی که او را عبادت کنند، و درباره خداوند نسل بعد را اعلام خواهند نمود
۳۲. ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد، قومی متولد خواهند شد که او این را کار کرده است

مزمور بیست و سوم

۱. مزمور داوید، خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود
۲. در مرتع‌های سبز من را می‌خواباند، نزد آب‌های آرام من را رهبری می‌کند
۳. جان من را بر می‌گرداند، و به خاطر نام خود به راه‌های عدالت هدایت می‌نماید
۴. چون در وادی سایه موت نیز راه روم، از هجوم بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی، عصا و چوب‌دستی تو من را تسلی خواهد داد
۵. سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی، سر من را به روغن تدهین کرده‌ای، و کاسه‌ام لبریز شده است

۶. هر آینه نیکوئی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود، و در خانه خد. اوند تا درازای عمر ساکن خواهم بود

مزمور بیست و چهارم

۱. مزمور داوید زمین و پری آن از آن خد. اوند است، ربع مسکون و ساکنان آن
۲. زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد، و آن را بر نهرها ثابت گردانید
۳. کیست که به کوه خد. اوند بر آید، و کیست که به مکان قدس او ساکن شود
۴. او که پاک دست و صاف دل باشد، که نام من را بیهوده بر زبان جاری نسازد و قسم دروغ نخورد
۵. او برکت را از خد. اوند خواهد یافت، و عدالت را از خد. ای نجات دهنده خود
۶. این است طبقه طالبان او، طالبان روی تو ای (خد. ای) یعقوب سلاه
۷. ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید، ای درهای ابدی برافراشته شوید، تا پادشاه صاحب جلال داخل شود
۸. ای پادشاه صاحب جلال کیست، خد. اوند قدیر و قدرتمند، خد. اوند که در جنگ قدرتمند است
۹. ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید، ای درهای ابدی برافرازید، تا پادشاه صاحب جلال داخل شود
۱۰. این پادشاه صاحب جلال کیست، خد. اوند صیوأت پادشاه صاحب جلال اوست سلاه

مزمور بیست و پنجم

۱. مزمور داوید ای خد. اوند به سوی تو جان خود را برمی افرازم
۲. ای خد. ای من بر او توکل می دارم پس مگذار که خجل بشوم، و دشمنانم بر من فخر نمایند
۳. آری هر که انتظار تو می کشد خجل نخواهد شد، آنانی که خیانت می کنند خجل خواهند گردید
۴. ای خد. اوند طریق‌های خود را به من بیاموز، و راه‌های خویش را به من تعلیم ده
۵. من را به حقیقت خود سالک گردان و من را تعلیم ده، زیرا تو خد. ای نجات دهنده من هستی، تمامی روز منتظر تو بوده‌ام
۶. ای خد. اوند احسان‌ها و رحمت‌های خود را بیاد آور، چونکه آن‌ها از ازل بوده است
۷. خطایای جوانی و عصیانم را به یاد نیاور، ای خد. اوند به رحمت خود و به خاطر نیکوئی خویش من را یاد کن
۸. خد. اوند نیکو و عادل است، پس به گناه کاران طریق خود را خواهد آموخت
۹. مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد، و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد
۱۰. همه راه‌های خد. اوند رحمت و حق است، برای آنانی که عهد و گواهی‌ها او را نگاه می دارند
۱۱. ای خد. اوند به خاطر اسم خود، گناه من را بیامرز زیرا که بزرگ است
۱۲. کیست آن آدمی که از خد. اوند می ترسد، او را به طریقی که انتخاب کند خواهد آموخت
۱۳. جان او در نیکوئی شب را به سر خواهد برد، و ذریت او وارث زمین خواهند شد
۱۴. سرّ خد. اوند با ترسندگان اوست، و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد

۱۵. چشمان من دائماً به سوی خداوند است، زیرا که او پای‌های من را از دام بیرون می‌آورد
۱۶. بر من آگاه شده رحمت بفرما، زیرا که تنها و مسکین هستم
۱۷. تنگی‌های دل منت زیاد شده است، من را از مشقت‌های من بیرون آور
۱۸. بر مسکنت و رنج من نظر افکن، و جمیع خطایم را بیامرز
۱۹. بر دشمنانم نظر کن زیرا که بسیارند، و به کینه ظالمانه به من کینه می‌ورزند
۲۰. جانم را حفظ کن و من را رهائی ده، تا خجل نشوم زیرا بر تو توکل دارم
۲۱. کمال و راستی حافظ من باشند، زیرا که منتظر تو هستم
۲۲. ای خدا (بنی) اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع مشقت‌های وی

مزمور بیست و ششم

۱. مزمور داوید، ای خداوند من را داد بده، زیرا که من در کمال خود رفتار نموده‌ام، و بر خداوند توکل داشته‌ام، پس نخواهم لغزید
۲. ای خداوند من را امتحان کن و من را بیازما، باطن و قلب من را مصفا گردان
۳. زیرا که رحمت تو در مدنظر من است، و در راستی تو رفتار نموده‌ام
۴. با مردان باطل نشست‌ام، و با منافقین داخل نخواهم شد
۵. از جماعت بدکاران نفرت دارم، و با ظالمین نخواهم نشست
۶. دست‌های خود را در صفا می‌شویم، مذبح تو را ای خداوند طواف خواهم نمود
۷. تا آواز حمد تو را بشنوانم، و عجایب تو را اعلام نمایم
۸. ای خداوند محل خانه تو را دوست می‌دارم، و مقام سکونت جلال تو را
۹. جانم را با گناهکاران مگیر، و حیات من را با مردمان خون‌ریز قبض مکن
۱۰. که در دست‌های ایشان آزار است، و دست راست ایشان پر از رشوه است
۱۱. و اما من در کمال خود سالک می‌باشم، من را خلاصی ده و بر من رحم فرما
۱۲. پایم در جای هموار ایستاده است، خداوند را در جماعت‌ها مبارک خواهم خواند

مزمور بیست و هفتم

۱. مزمور داوید، خداوند نور من و نجات من است از که بترسم، خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم
۲. چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت من را بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم ایشان لغزیدند و افتادند
۳. اگر لشکری بر من فرود آید دلم نخواهد ترسید، اگر جنگ بر من برپا شود در این نیز اطمینان خواهم داشت
۴. یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید، که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم، تا جمال خداوند را مشاهده کنم، و در محراب او تفکر نمایم

۵. زیرا که در روز بلا من را در سایبان خود نهفته، در پردهٔ خیمهٔ خود من را مخفی خواهد داشت، و من را بر صخره بلند خواهد ساخت
۶. و اینک بر ضد دشمنانم که گرداگردم می‌باشند، سربلند خواهم شد و قربانی‌هایی با گلبانگ شادی را در خیمهٔ او خواهم گذرانید، و برای خد.اوند سرود و تسبیح خواهم خواند
۷. ای خد.اوند چون به آواز خود می‌خوانم من را بشنو و رحمت فرموده من را مستجاب فرما
۸. دل من از جانب تو می‌گوید جمال من را بطلبید، بلی جمال تو را ای خد.اوند خواهم طلبید
۹. جمال خود را از من می‌پوشان، و بندهٔ خود را در خشم برمگردان، تو مددکار من بوده‌ای، ای خد.ای نجاتم من را رد مکن و ترک منما
۱۰. چون پدر و مادرم من را ترک کنند، آنگاه خد.اوند من را برمی‌دارد
۱۱. ای خد.اوند طریق خود را به من بیاموز، و به سبب (ضدیت با) دشمنانم من را به راه راست هدایت فرما
۱۲. من را به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود باطل و دمنندگان ظلم بر من برخاسته‌اند
۱۳. اگر ایمان نداشتم که احسان خد.اوند را، در زمین زندگان بینم
۱۴. برای خد.اوند منتظر باش و قوی شو، او دلت را تقویت خواهد داد، بلی منتظر خد.اوند باش

مزمور بیست و هشتم

۱. مزمور داوید، ای خد.اوند نزد تو فریاد برمی‌آورم، ای صخرهٔ من نسبت به من خاموش مباش، مبادا اگر از من خاموش باشی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو می‌روند
۲. آواز تضرع من را بشنو چون نزد تو استغاثه می‌کنم، و دست خود را به محراب قدس تو برمی‌افرازم
۳. من را با شیرین و بدکاران مکش، که با همسایگان خود سخن صلح آمیز می‌گویند و آزار در دل ایشان است
۴. آن‌ها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده، آن‌ها را مطابق عمل دست ایشان عقوبت بده، رفتار ایشان را به خود آنها برگردان
۵. چون که در اعمال خد.اوند و صنعت دست وی تفکر نمی‌کنند، ایشان را منهدم خواهد ساخت و بنا نخواهد نمود
۶. خد.اوند متبارک باد، زیرا که آواز تضرع من را شنیده است
۷. خد.اوند قوت من و محافظ من است، دلم بر او توکل داشت و مدد یافته‌ام، پس دل من به وجد آمده است، و به سرود خود او را حمد خواهم گفت
۸. خد.اوند قوت ایشان است، و برای ماشیح خود قلعهٔ نجات‌دهنده است
۹. قوم خود را نجات بده و میراث خود را مبارک فرما، ایشان را هدایت کن و برافراز تا به ابد

مزمور بیست و نهم

۱. مزمور داوید، ای فرزندان قدرتمندان خد.اوند را توصیف کنید، جلال و قدرت را برای خد.اوند توصیف نمایید
۲. خد.اوند را به جلال اسم او تمجید نمایید، خد.اوند را در شکوه قدوسیت سجده کنید

۳. آواز (رعد) خد. اوند فوق آب هاست، خد. ای صاحب جلال رعد می سازد، (خروش) خد. اوند بالای آب های بسیار است
۴. آواز خد. اوند با قوت است، آواز خد. اوند با جلال است
۵. آواز خد. اوند سروهای آزاد را می شکند، خد. اوند سروهای بلند لبنان را می شکند
۶. آن ها را مثل گوساله جهانید، لوانن و سیریون را مثل بچه گاو وحشی
۷. آواز خد. اوند زبانه های آتش را (در آسمان) می شکافد
۸. آواز خد. اوند صحرا را متزلزل می سازد، خد. اوند صحرای قاذش را متزلزل می سازد
۹. آواز خد. اوند غزال ها را به درد زه می اندازد، و جنگل را بی برگ می گرداند، و در محراب او جمیعاً جلال (او) را ذکر می کنند
۱۰. خد. اوند (در زمان) طوفان (بر کرسی قضاوت) جلوس نمود، خد. اوند که پادشاه است تا به ابد جلوس می نماید
۱۱. خد. اوند قوم خود را قوت خواهد بخشید، خد. اوند قوم خود را به سلامتی مبارک خواهد نمود

مزمور سی ام

۱. سرود برای افتتاح خانه (خد. ا.)، مزمور داوید
۲. ای خد. اوند بزرگواریت را تسبیح می خوانم زیرا که من را رهانیدی، و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی
۳. ای خد. اوند خد. ای من، نزد تو استغاثه نمودم و من را شفا دادی
۴. ای خد. اوند جانم را از حفره بر آوردی، من را زنده ساختی تا به گور فرو نروم
۵. ای مقدسان خد. اوند او را بسرایید، و با ذکر قدوسیتش او را حمد گوید
۶. زیرا که غضب او لحظه ایست و در رضامندی او زندگانی، شامگاه گریه جاری می شود، صبحگاهان شادی رخ می نماید
۷. و اما من در کامیابی خود گفتم، تا به ابد لغزش نخواهم خورد
۸. ای خد. اوند به رضامندی خود من را بر کوهها استوار قرار دادی، و چون جمال خود را پوشانیدی پریشان شدم
۹. ای خد. اوند نزد تو فریاد برمی آورم، و نزد خد. اوند تضرع می نمایم
۱۰. در خون من چه فایده است چون به حفره فرو می روم، آیا خاک تو را حمد می گوید و راستی تو را با خبر خواهد کرد
۱۱. ای خد. اوند بشنو و به من گرم فرما، ای خد. اوند مددکار من باش
۱۲. ماتم من را برای من به رقص مبدل ساخته ای، پلاس را از من بیرون کرده و کمر من را به شادی بسته ای
۱۳. تا جلالم تو را سرود خواند و خاموش نشود، ای خد. اوند خد. ای من تو را تا به ابد حمد خواهم گفت

مزمور سی و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزبور داوید
۲. ای خدا. اوند بر تو توکل دارم، پس خجل نشوم تا به ابد، در عدالت خویش من را نجات بده
۳. توجه خود را به من فراگیر و من را به زودی برهان، برایم صخره قوی و خانه استوار باش تا من را خلاصی دهی
۴. زیرا صخره و قلعه من تو هستی، به خاطر نام خود من را هدایت و رهبری فرما
۵. من را از دامی که برایم پنهان کرده اند، بیرون آور زیرا قلعه من تو هستی
۶. روح خود را به دست تو می سپارم، ای خدا. اوند خدا. ای حق تو من را فدیة دادی
۷. از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می کنند نفرت می کنم، و اما من بر خدا. اوند توکل می دارم
۸. به رحمت تو وجد و شادی می کنم، زیرا مشقت من را دیده و جانم را در تنگی ها شناخته ای
۹. من را به دست دشمن اسیر نساخته ای، پای های من را در سعادت استوار گردانیده ای
۱۰. ای خدا. اوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم، چشم من از غصه کاهیده شد جانم و جسمم نیز (همچنین)
۱۱. زیرا که حیاتم از غم و سال هایم از ناله فانی گردیده است، قوتم بخاطر گناهم ضعیف و استخوان هایم پوسیده شد
۱۲. نزد همه دشمنانم خوار گردیده ام، خصوصاً نزد همسایگان خویش، و باعث خوف آشنایان شده ام، هر که من را بیرون ببیند از من می گریزد
۱۳. مثل مرده از خاطر فراموش شده ام، و مانند ظرف بی فایده شده گردیده ام
۱۴. زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم، و خوف گرداگرد من می باشد زیرا بر من با هم مشورت می کنند، و در قصد جانم تفکر می نمایند
۱۵. و اما من بر تو ای خدا. اوند توکل می دارم، و گفته ام خدا. ای من تو هستی
۱۶. وقت های من در دست تو می باشد، من را از دست دشمنانم و جفا کنندگانم خلاصی ده
۱۷. روی خود را بر بندهات تابان ساز، و من را به رحمت خود نجات بخش
۱۸. ای خدا. اوند خجل نشوم چون که تو را خوانده ام، شریان خجل شوند و در گور خاموش باشند
۱۹. لب های دروغگو بسته شود، که به درستی و تکبر و خواری بر عادلان سخن می گوید
۲۰. چه بسیار است احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده ای، و برای متوکلان پیش بنی آدم ظاهر ساخته ای
۲۱. ایشان را در پرده روی خود از زشتی های مردم خواهی پوشانید، ایشان را در خیمه ای از عداوت زبانها مخفی خواهی داشت
۲۲. متبارک باد خدا. اوند که رحمت عجیب خود را، در شهری استوار به من ظاهر کرده است
۲۳. و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده ام، لیکن چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع من را شنیدی
۲۴. ای جمیع مقدسان خدا. اوند او را دوست دارید، خدا. اوند درستکاران را محفوظ می دارد، و متکبران را مجازات کثیر می دهد
۲۵. قوی باشید و دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خدا. اوند انتظار می کشید

مزبور سی و دوم

۱. قصیده داوید، خوشا به حال کسی که عصیان او آمرزیده شد، و گناه وی مستور گردید
۲. خوشا به حال کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد، و در نیت او حيله ای نمی باشد
۳. هنگامی که خاموش بودم استخوان هایم پوسیده می شد، از نعره ای که تمامی روز می زدم
۴. چون که دست تو روز و شب بر من سنگین می بود، طراوت به خشکی تابستان مبدل گردید سلاه
۵. به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم، گفتم عصیان خود را نزد خداوند اقرار می کنم، پس تو گناهم راعفو کردی سلاه
۶. از این رو هر متقی در وقت اجابت نزد تو دعا کند که، وقتی که آب های بسیار به سیلان آیند هرگز بدو نرسند
۷. تو ملجای من هستی من را از تنگی حفظ خواهی کرد، من را به سرودهای نجات ترنم خواهی نمود سلاه
۸. تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود، و تو را با نظر خود که با تو است نصیحت خواهم فرمود
۹. مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید، که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می دهند، تا به تو نزدیک نشود
۱۰. غم های شیرین بسیار می باشند، اما هر که بر خداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد
۱۱. ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید، و ای همه راست دلان ترنم نمایید

مزمور سی و سوم

۱. ای صالحان بخاطر خداوند شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می شاید
۲. خداوند را با بربط حمد بگویید، با عود ده تار او را سرود بخوانید
۳. سرودی تازه برای او بسرایید، نیکو بنوازید با آهنگ (بلند) تر و عا
۴. زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است
۵. عدالت و انصاف رادوست می دارد، جهان از رحمت خداوند پر است
۶. به کلام خداوند آسمانها ساخته شدند، و کل امکانات آنها به اراده و امر او (ایجاد شدند)
۷. آب های دریا را مثل توده جمع می کند، و لجه ها را در خزانه ها ذخیره می نماید
۸. تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند
۹. زیرا که او گفت و شد، او امر فرمود و برپا گردید
۱۰. خداوند مشورت امتها را باطل می کند، تدبیرهای قبائل را باطل می گرداند
۱۱. مشورت خداوند استوار است تا به ابد، تدابیر (مورد) نظر او نسل بعد نسل
۱۲. خوشا به حال امتی که خداوند خداوند ای ایشان است، و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است
۱۳. از آسمان خداوند نظر افکند، و جمیع بنی آدم را نگرست
۱۴. از مقام جلوس خویش نظر می افکند، بر جمیع ساکنان جهان
۱۵. او که دل های ایشان را جمیعاً سرشته است، و اعمال ایشان را درک می نماید

۱۶. پادشاه به زیادتی لشگر خلاص نخواهد شد، و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد یافت
۱۷. نیروی اسب به جهت استخلاص بیهوده است، و به شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد
۱۸. اینک نظر خد. اوند بر آنانی است که از او می ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می کشند
۱۹. تا جان ایشان را از موت رهایی بخشد، و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد
۲۰. جان ما منتظر (نجات) خد. اوند می باشد، او یاری گر و حافظ ماست
۲۱. زیرا که دل ما در او شادی می کند، و در نام قدوس او توکل می داریم
۲۲. ای خد. اوند رحمت تو بر ما باد، چنان که به تو امیدوار بوده ایم

مزمور سی و چهارم

۱. مزمور داوید وقتی که منش خود را به حضور آیملیک تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده برفت
۲. خد. اوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت، تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود
۳. جان من بخاطر خد. اوند فخر خواهد کرد، مسکینان شنیده شادی خواهند نمود
۴. خد. اوند را با من تکبیر نمایم، نام او را با یکدیگر برافرازیم
۵. چون خد. اوند را طلبیدم من را مستجاب فرمود، و من را از جمیع ترس هایم خلاصی بخشید
۶. به سوی او نظر کردند و منور گردیدند، و رویهای ایشان خجل نشد
۷. این مسکین فریاد کرد و خد. اوند او را شنید، و او را از تمامی تنگی هایش رهایی بخشید
۸. فرشته خد. اوند گرداگرد ترسندگان او است، اُردو زده ایشان را می رهاند
۹. تشخیص دهید و ببینید که خد. اوند نیکو است، خوشا به حال شخصی که بدو توکل می دارد
۱۰. ای مقدسان خد. اوند از او بترسید، زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی نیست
۱۱. شیربچگان بینوا شده، گرسنگی می کشند، و اما طالبان خد. اوند را از هیچ چیز نیکو کمی نخواهد بود
۱۲. ای فرزندان بیاید من را بشنوید، تا ترس خد. اوند را به شما تعلیم دهم
۱۳. کیست آن شخصی که آرزومند حیات است، و طول ایام را دوست می دارد تا نیکویی را ببیند
۱۴. زبانت را از بدی نگاه دار، و لب هایت را از سخنان حيله آمیز
۱۵. از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن، صلح را طلب نما و در پی آن بکوش
۱۶. نظر خد. اوند بسوی صالحان است، و توجه وی به سوی فریاد ایشان
۱۷. روی خد. اوند به سوی بدکاران است، تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد
۱۸. چون (صالحان) فریاد بر آوردند خد. اوند ایشان را شنید، و ایشان را از همه تنگی های ایشان رهایی بخشید
۱۹. خد. اوند نزدیک شکسته دلان است، روح کوفتگان را نجات خواهد داد
۲۰. بدیهایی (که بر) مرد صالح (حادث می شود) بسیار است، اما خد. اوند او را از همه آنها خواهد رهانید
۲۱. همه استخوان های ایشان را نگاه می دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد

۲۲. شریر را شرارت هلاک خواهد کرد، و از دشمنان مرد صالح مواخذه خواهد شد
۲۳. خد.اوند جان بندگان خود را فدیة خواهد داد، و از آنانی که بر وی توکل دارند مواخذه نخواهد شد

مزمور سی و پنجم

۱. مزمور داوید، ای خد.اوند با خصمان من مخاصمه نما، و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می کنند
۲. سپر و محافظ را بگیر، و به یاری من برخیز
۳. و نیزه را بیرون آور و راه را پیش روی جفاکنندگانم ببند، و به جان من بگو من نجات تو هستم
۴. خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند، و آنانی که بد اندیش من هستند به قهقرا رفته و خجل شوند
۵. مثل گاه در مقابل باد باشند، و فرشته خد.اوند ایشان را از خود براند
۶. راه ایشان تاریک و لغزنده باد، و فرشته خد.اوند ایشان را از خود براند
۷. زیرا دام خود را برای من بی سبب در حفره ای پنهان کردند، که آن را برای جان من بی جهت کنده بودند
۸. هلاکت ناگهانی بدو برسد، و دامی که پنهان کرد خودش را بگیرد، و در آن به هلاکت گرفتار گردد
۹. و اما جان من در خد.اوند شادی خواهد کرد، و در نجات او ترنم خواهد نمود
۱۰. همه استخوان هایم می گویند ای خد.اوند کیست مانند تو، که مسکین را از شخص قوی تر از او می رهاند، و مسکین و فقیر را از تاراج کننده وی
۱۱. کینه توزان برخاسته اند، چیزهایی را که نمی دانستم از من می پرسند
۱۲. به عوض نیکویی بدی به من می کنند جان من را بی کس گردانیده اند
۱۳. و اما من چون ایشان بیمار بودند پلاس می پوشیدم، جان خود را به روزه می رنجانیدم، و دعایم به سینه ام بر می گشت
۱۴. مثل آنکه او دوست و برادرم بود، سرگردان می رفتم، چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد از حزن خم می شدم
۱۵. ولی چون افتادم شادی کنان جمع شدند، آن فرومایگان بر من جمع شدند، و کسانی که نشناخته بودم من را دریدند و ساکت نشدند
۱۶. مثل بدکارانی که برای لقمه نان مسخرگی می کنند، دندانهای خود را بر من می فشارند
۱۷. ای خد.اوند تا به کی نظر خواهی کرد، جان من را از خرابی های ایشان برهان و یگانه من را از شیربچه گان
۱۸. و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت، تو را در میان قوم عظیم تسبیح خواهم خواند
۱۹. تا آنانی که بی سبب دشمن من هستند بر من فخر نکنند، و آنانی که بر من بی سبب بغض می نمایند چشمک نزنند
۲۰. زیرا از صلح سخن نمی گویند، و بر آنانی که در زمین آرامند سخنان حيله آمیز را تفکر می کنند
۲۱. و دهان خود را بر من باز کرده، می گویند هه هه چشم ما دیده است
۲۲. ای خد.اوند تو آن را دیده ای پس سکوت نفرما، ای خد.اوند از من دور مباش
۲۳. خویشان را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خد.ای من و خد.اوند من برای دعوی من
۲۴. ای خد.اوند خد.ایم من را موافق عدل خود داد بده، مبادا بر من شادی نمایند

۲۵. تا در دل خود نگویند اینک مراد ما، تا نگویند او را بلعیده‌ایم
۲۶. و آنانی که در بدی من شادند با هم خجل و شرم‌منده شوند، و آنانی که بر من تکبر می‌کنند به خجلت و رسوایی مشهور شوند
۲۷. آنانی که خواهان حق من هستند ترنم و شادی نمایند، و دائما گویند خداوند بزرگ است که به سلامتی بنده خود رغبت دارد
۲۸. و زبانه عدالت تو را بیان خواهد کرد، و تسبیح تو را تمامی روز

مزمور سی و ششم

۱. برای سالار مغنیان مزمور داوید بنده خداوند
۲. در قلبم می‌اندیشم که گناه به ظلم می‌گوید که ترس خداوند مد نظر او نباشد
۳. زیرا خویشتن را در نظر خود تملق می‌گوید، تا گناهِش ظاهر نشود و مکروه نگردد
۴. سخنان زبانش شرارت و حيله است، از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است
۵. شرارت را بر بستر خود تفکر می‌کند، خود را به راه ناپسند رهرو کرده از بدی نفرت ندارد
۶. ای خداوند رحمت تو در آسمان‌هاست، و امانت تو تا افلاک
۷. عدالت تو مثل کوه‌های خداست و احکام تو لجه عظیم، ای خداوند انسان و بهائم را نجات می‌دهی
۸. ای خدا رحمت تو چه ارجمند است، بنی آدم زیر سایه بال‌های تو پناه می‌برند
۹. از فراوانی خانه تو سیراب می‌شوند، از نهر خوشی‌های خود ایشان را می‌نوشانی
۱۰. زیرا که نزد تو چشمه حیات است، و در نور تو روشنایی را خواهیم دید
۱۱. رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما، و عدالت خود را برای راست‌دلان
۱۲. پای تکبر بر من نیاید، و دست شریران من را گریزان نسازد
۱۳. در آنجا بدکرداران افتاده‌اند، ایشان انداخته شده‌اند و نمی‌توانند برخاست

مزمور سی و هفتم

۱. مزمور داوید، به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز، و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر
۲. زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند، و مثل سبزه پژمرده خواهند شد
۳. بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن، در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو
۴. و از خداوند تمتع ببر، پس مسئلت دل تو را به تو خواهد داد
۵. طریق خود را به خداوند بسپار، و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد
۶. و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد، و انصاف تو را مانند ظُهر
۷. نزد خداوند خاموش شو و منتظر او بمان، و از (مشاهده) شخص به‌ظاهر موفق و مرد حيله‌گر (که موفق است) خود را

مشوش مساز

۸. از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن، خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد
۹. زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود
۱۰. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، او را جستجو خواهی کرد و نخواهد بود
۱۱. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد، و از فراوانی سلامتی خوشنود خواهند گردید
۱۲. شریر بر مرد عادل تعرض می کند، و دندانهای خود را بر او می افشرد
۱۳. خداوند بر او خواهد خندید، زیرا می بیند که روز او می آید
۱۴. شیران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند، تا مسکین و فقیر را بیندازند، و راست روان را مقتول سازند
۱۵. شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت، کمانهای ایشان شکسته خواهد شد
۱۶. نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته های شیران کثیر
۱۷. زیرا که بازوهای شیران شکسته خواهد شد، و اما صالحان را خداوند تأیید می کند
۱۸. خداوند روزهای کاملان را می داند، و میراث ایشان خواهد بود تا به ابد
۱۹. در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام قحط سیر خواهند بود
۲۰. زیرا شیران هلاک می شوند، و دشمنان خداوند مثل خرمی مرتع ها فانی خواهند شد، آری مثل دود فانی خواهند گردید
۲۱. شریر قرض می گیرد و وفا نمی کند، و اما صالح رحیم و بخشنده است
۲۲. زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند، و اما آنانی که لعنت شده اند منقطع خواهند شد
۲۳. خداوند قدم های انسان را مستحکم می سازد، و به طریق او رغبت دارد
۲۴. اگر چه بیفتند افکنده نخواهد شد، زیرا خداوند دستش را می گیرد
۲۵. من جوان بودم و حالا پیر هستم، و مرد صالح را هرگز متروک ندیده ام، و نه نسلش را که گدای نان بشوند
۲۶. تمامی ایام مهربان است و قرض دهنده، و ذریت او مبارک خواهند بود
۲۷. از بدی برکنار شو و نیکویی بکن، پس (در آرامش) ساکن خواهی بود تا ابد
۲۸. زیرا خداوند انصاف را دوست می دارد و متقیان خود را ترک نخواهد فرمود، ایشان محفوظ خواهند بود تا ابد، و اما نسل شریر منقطع خواهد شد
۲۹. صالحان وارث زمین خواهند بود، و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود
۳۰. دهان صالح حکمت را بیان می کند، و زبان او انصاف را ذکر می نماید
۳۱. شریعت خداوندی در دل اوست، پس قدم هایش نخواهد لغزید
۳۲. شریر برای صالح کمین می کند، و قصد قتل وی می کند
۳۳. خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد، و چون به داوری آید او را (در مقابل شریر) محکوم نخواهد کرد
۳۴. منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار، تا تو را به وراثت زمین برافزاید، چون شیران منقطع شوند آن را خواهی

دید

۳۵. شریر را دیدم که ظلم پیشه بود، و مثل درخت بومی سبز (ریشه) خود را به هر سو می کشید
 ۳۶. اما گذشت و اینک نیست گردید، و او را جستجو کردم و یافت نشد
 ۳۷. مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین، زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است
 ۳۸. اما خطاکاران همه هلاک خواهند گردید، و عاقبت شریران منقطع خواهد شد
 ۳۹. و نجات صالحان از خداوند است، و در وقت تنگی او قلعه ایشان خواهد بود
 ۴۰. و خداوند ایشان را یاری کرده، نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده خواهد رهانید، زیرا بر او توکل دارند

مزمور سی و هشتم

۱. مزمور داوید برای تذکر
۲. ای خداوند من را در غضب خود توبیخ منما، و در خشم خویش تادیبم مفرما
۳. زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته، و دست تو بر من فرود آمده است
۴. در جسم من به سبب غضب تو صحتی نیست، و در استخوانهایم به سبب خطای خودم سلامتی نی
۵. زیرا گناهانم از سرم گذشته است، مثل بارگران از طاقتم سنگین تر شده
۶. جراحات من متعفن و له شده است، به سبب حماقت من
۷. بخود می پیچیم و بی نهایت خمیده شده ام، تمامی روز مکدر هستم
۸. زیرا کمر من از سوزش پر شده است، و در جسم من صحتی نیست
۹. من بی حس و بی نهایت کوفته شده ام، و از فغان دل خود نعره می زنم
۱۰. ای خداوند تمامی آرزوی من مد نظر تو است، و ناله های من از تو مخفی نمی باشد
۱۱. دل من می تپد و قوتم از من رفته است، و نور چشمانم نیز با من نیست
۱۲. دوستان و رفیقانم از بلای من به کناری می ایستند، و خویشان من دور ایستاده اند
۱۳. آنانی که قصد جانم دارند دام می گسترند، و بد اندیشانم سخنان فتنه انگیز می گویند، و تمام روز حيله را تفکر می کنند
۱۴. و اما من مثل کری نمی شنوم، و مانند گنگم که دهان خود را باز نکند
۱۵. و مثل کسی گردیده ام که نمی شنود، و کسی که بر زبانش حرفی نباشد
۱۶. زیرا که ای خداوند انتظار تو را می کشم، تو ای خداوند خدا. ایم جواب خواهی داد
۱۷. چونکه گفته ام مبادا بر من شادی نمایند، و چون پایم بلغزد بر من تکبر کنند
۱۸. زیرا که من مستعد لغزش می باشم، و درد من همیشه پیش روی من است
۱۹. زیرا گناه خود را اعلام می نمایم، و بخاطر خطای خود نگران هستم
۲۰. اما دشمنانم زنده و زور آوراند، و آنانی که بی سبب بر من بغض می نمایند بسیارند

۲۱. و آنانی که به عوض نیکی به من بدی می‌رسانند، بر من دشمنی می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی می‌کنم
۲۲. ای خدا. اوند من را ترک منما، ای خدا. ای من از من دور مباش
۲۳. و برای یاری من تعجیل فرما ای خدا. اوندی که نجات من هستی

مزمور سی و نهم

۱. برای یدوتون سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. گفتم راه‌های خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم، دهان خود را به لجام نگاه خواهم داشت مادامی که شریر پیش من است
۳. من گنگ بودم و خاموش و از (بیان) نیکویی نیز سکوت کردم، و درد من به حرکت آمد
۴. دلم در اندرونم گرم شد، چون تفکر می‌کردم آتش (در دلم) افروخته گردید، پس به زبان خود سخن گفتم
۵. ای خدا. اوند اجل من را بر من معلوم ساز، و مقدار ایام من را که چیست، تا بفهمم چقدر فانی هستم
۶. اینک روزهایم را مثل یک وجب ساخته‌ای، و زندگانی‌ام در نظر تو هیچ است، یقیناً آدمی بطالت محض قرار داده شد
سلاه
۷. اینک انسان در خیال رفتار می‌کند، و برای باطل مضطرب می‌گردد، ذخیره می‌کند و نمی‌داند کیست که از آن تمتع خواهد برد
۸. و حالا ای خدا. اوند برای چه منتظر باشم، امید من بر تو می‌باشد
۹. من را از همه گناهانم برهان، من را نزد جاهلان ناچیز مگردان
۱۰. من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم، زیرا که تو این را خواستی
۱۱. بلای خود را از من بردار، زیرا که از قدرت دست تو من تلف می‌شوم
۱۲. چون انسان را به سبب گنااهش مکافات می‌کنی، نفایس او را مثل بید می‌گذاری، یقیناً هر انسان بطالت محض است
سلاه
۱۳. ای خدا. اوند دعای من را بشنو و به فریادم گوش بده و از (مشاهده) اشک‌هایم ساکت مباش زیرا که من غریب هستم
در نزد تو، و ساکن هستم مثل جمیع پدران خود
۱۴. روی (خشم) خود را از من بگردان تا تقویت شوم، قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم

مزمور چهلم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. انتظار بسیار برای خدا. اوند کشیده‌ام، و به من مایل شده فریاد من را شنید
۳. و من را از چاه هلاکت برآورد و از باتلاق، و پای‌هایم را بر صخره گذاشته قدم‌هایم را مستحکم گردانید
۴. و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خدا. ای ما را، بسیاری چون این را بینند ترسان شده بر خدا. اوند توکل خواهند کرد

۵. خوشا به حال کسی که بر خد.اوند توکل دارد، و به متکبران ظالم و منحرفین به کذب مایل نشود
۶. ای خد.اوند خد.ای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای، و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای، در نزد تو آنها را نتوان ارزش نهاد اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار بیرون است
۷. در قربانی و هدیه رغبت نداشتی، اما گوش‌های من را (برای شنیدن و پذیرفتن اوامرت) باز کردی، قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی
۸. آنگاه گفتم اینک می‌آیم (که آنچه را که) در طومار کتاب درباره‌ی من نوشته شده است (بجا آورم)
۹. در به جا آوردن اراده‌ی تو ای خد.ای من رغبت می‌دارم، و شریعت تو در اندرون دل من است
۱۰. در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده‌ام، اینک لب‌های خود را باز نخواهم داشت، و تو ای خد.اوند می‌دانی
۱۱. عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته‌ام، امانت و نجات تو را بیان کرده‌ام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام
۱۲. پس تو ای خد.اوند لطف خود را از من باز مدار، رحمت و راستی تو دائماً من را محافظت کند
۱۳. زیرا که بلاهای بیشمار من را احاطه می‌کنند، گناهانم دور من را گرفته‌اند به حدی که نمی‌توانم دید، از موهای سر من زیادتراند، و دل من من را ترک کرده است
۱۴. ای خد.اوند مرحمت فرموده من را نجات بده، ای خد.اوند به یاری من تعجیل فرما
۱۵. آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیعاً خجل و شرمنده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند
۱۶. آنانیکه بر من هه هه می‌گویند، به سبب خجالت خویش حیران شوند
۱۷. و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند، و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائماً گویند که خد.اوند بزرگ است
۱۸. و اما من مسکین و فقیر هستم، و خد.اوند (این را) درباره‌ی من در نظر می‌آورد، تو مدد دهنده و نجات دهنده من هستی، ای خد.ای من تاخیر مفرما

مزمور چهل و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. خوشا به حال کسی که برای فقیر تفکر می‌کند. خد.اوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد
۳. خد.اوند او را محافظت خواهد کرد و زنده (نگه) خواهد داشت، او در زمین مبارک خواهد بود، و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهد کرد
۴. خد.اوند او را بر بستر بیماری یاری خواهد نمود، تمامی خوابگاه او را در بیماریش زیر و رو خواهد کرد
۵. من گفتم ای خد.اوند بر من رحم نما، جان من را شفا بده زیرا به تو گناه ورزیده‌ام
۶. دشمنانم درباره‌ی من به بدی سخن می‌گویند، که کی بمیرد و نام او گم شود

۷. و اگر برای دیدن من بیاید سخن باطل می گوید، و دلش در خود شرارت را جمع می کند، چون بیرون رود آن را شایع می کند
۸. و تمامی دشمنانم با یکدیگر بر من نمّامی می کنند، و درباره من بدی می اندیشند
۹. که حادثه‌ای مهلک بر او واقع شده است، و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست
۱۰. و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می داشتم که نان من را نیز می خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد
۱۱. و اما تو ای خدا. اوند بر من رحم فرموده من را بر پا بدار، تا مجازات به ایشان رسانم
۱۲. از این می دانم که در من رغبت داری، زیرا که دشمنم بر من فخر نمی نماید
۱۳. و من را به سبب کمالم مستحکم نموده‌ای، و من را به حضور خویش دائماً برپا خواهی نمود
۱۴. خدا. اوند خدا. ای (بنی) اسرائیل متبارک باد، از ازل تا به ابد آمین و آمین

مزمور چهل و دوم

۱. برای سالار مغنیان، قصیده بنی قورح
۲. چنان که آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا. جان من اشتیاق شدید برای تو دارد
۳. جان من تشنه خدا. است تشنه خدا. ای حی، که کی بیایم و به حضور خدا. حاضر شوم
۴. اشک‌هایم روز و شب نان من بود، چون تمامی روز من را می گفتند خدا. ای تو کجاست
۵. چون این را بیاد می آورم جان خود را بر خود آگاه می سازم، چگونه با جماعت می رفتم و ایشان را بخانه خدا. پیش می بردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عیدگزاران
۶. ای جانم چرا خمیده شده‌ای، و چرا در من پریشان گشته‌ای، بر خدا. امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت
۷. ای خدا. ای من جانم در من منحنی شد، بنابراین تو را (بخاطر معجزات) از زمین اُردُن یاد خواهم کرد، از کوه‌های حرمون و از جبلِ مِصْغَر
۸. لجه به لجه ندا می دهد از آواز آبشارهای تو، جمیع خیزاب‌ها و موج‌های تو بر من گذشته است
۹. در روز خدا. اوند رحمت خود را خواهد فرمود، و در شب سرود او با من خواهد بود و دعا نزد خدا. اوند حیات من
۱۰. به خدا. گفته‌ام ای صخره من چرا من را فراموش کرده‌ای، چرا به سبب ظلم دشمن ماتم کنان عبور نمایم
۱۱. دشمنانم به کوبیدگی در استخوان‌هایم من را ملامت می کنند، چون که همه روزه من را می گویند خدا. ای تو کجاست
۱۲. ای جان من چرا خمیده شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای، بر خدا. امید دار زیرا که او را او باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدا. ای من است

مزمور چهل و سوم

۱. ای خدا. من را داوری کن، و دعوی من را با قوم بی رحم داوری فرما، و از شخص حيله گر و ظالم من را خلاصی ده

۲. زیرا تو خدا ای قوت من هستی چرا من را دور انداختی، چرا به سبب ستم دشمن ماتم کنان عبور نمایم
۳. نور و راستی خود را بفرست تا من را هدایت نمایند، و من را به کوه مقدس تو و مسکن‌های تو رسانند
۴. آنگاه به مذبح خدا خواهم رفت، به سوی خدا ای که سرور و خرمی من است، و تو را ای خدا خدا ای من با بربط تسبیح خواهم گفت
۵. ای جان من چرا خمیده شده‌ای، و چرا در من پریشان گشته‌ای، امید بر خدا دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدا ای من است

مزمور چهل و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، قصیده بنی قورح
۲. ای خدا به گوش‌های خود شنیده‌ایم، و پدران ما، ما را خبر داده‌اند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام گذشته کرده‌ای
۳. تو به دست خود امت‌ها را بیرون کردی اما ایشان (بنی اسرائیل) را غرس نمودی، قوم‌ها را تباه کردی اما ایشان را منتشر ساختی
۴. زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند، و بازوی ایشان، ایشان را نجات نداد بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو، زیرا از ایشان خرسند بودی
۵. ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات یعقوب امر فرما
۶. به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند، و به نام تو مخالفان (دشمنان) خویش را پایمال خواهیم ساخت
۷. زیرا بر کمان خود توکل نخواهم داشت، و شمشیرم من را خلاصی نخواهد داد
۸. بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی، و کینه‌توزان ما را خجل ساختی
۹. تمامی روز بر خدا فخر خواهیم کرد، و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند سلاه
۱۰. لیکن اینک تو ما را دور انداخته و رسوا ساخته‌ای، و با لشگرهای ما بیرون نمی‌آیی
۱۱. و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته‌ای، و خصمان ما برای خویشتن تاراج می‌کنند
۱۲. ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای، و ما را در میان امت‌ها پراکنده ساخته‌ای
۱۳. قوم خود را بی‌بها فروختی، و از فروش ایشان سود نبردی
۱۴. ما را نزد همسایگان ما ناچیز گردانیدی، اهانت و سخریه نزد آنانی که گرداگرد ما می‌گردند
۱۵. ما را در میان امت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای، (موجب) جنبانیدن سر (به عنوان تحقیر) در میان قوم‌ها (قرار داده‌ای)
۱۶. و رسوایی من همه روزه در نظر من است، و خجالت رویم من را پوشانیده است
۱۷. از آواز ملامت گو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده
۱۸. این همه بر ما واقع شد، اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدیم
۱۹. دل ما به گذشته برنگردید، و پای‌های ما از طریق تو انحراف نورزید

۲۰. هر چند ما را در مکان اژدرها کوییدی، و ما را به سایه مرگ پوشانیدی
۲۱. نام خدا ای خود را هرگز فراموش نکردیم، و دست خود را به خدا ای غیر برافراشته نکردیم
۲۲. آیا خدا این را بررسی نخواهد کرد، زیرا او نهانخانه‌های قلب را می‌داند
۲۳. هر آینه بخاطر تو تمامی روز کشته می‌شویم، و مثل گوسفندان ذبح شده شمرده می‌شویم
۲۴. ای خدا اووند بیدار شو چرا خوابیده‌ای، برخیزای و ما را تا به ابد دور مینداز
۲۵. چرا جمال خود را پوشانیدی، و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی
۲۶. زیرا که جان ما تا به خاک خم (و پست) شده است، و شکم ما به زمین چسبیده
۲۷. به جهت یاری ما برخیز، و به خاطر رحمانیت خود ما را فدیة ده

مزمور چهل و پنجم

۱. برای سالار مغنیان بر شوشنیم، قصیده بنی قورح، سرود حبیبات
۲. دل من به کلام نیکو می‌جوشد، انشاء خود را درباره پادشاه می‌گویم زبان من چون نویسنده ماهر است
۳. تو جمیل تر هستی از بنی آدم و وقار بر لب‌های تو ریخته شده است، بنابراین خدا تو را مبارک ساخته است تا به ابد
۴. ای توانگر شمشیر خود را بر بالای خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را
۵. و به کبریایی خود سوار شده غالب شو به خاطر حقیقت و تواضع و صداقت (ات) هدایت خواهی شد که با یمینت (اعمال) مهیب (انجام دهی)
۶. به تیرهای تیز تو امت‌ها زیر (پای) تو می‌افتند، و (این تیرها) به دل دشمنان پادشاه فرو می‌رود
۷. ای خدا تخت تو تا به ابد است، راستی سلطنت تو است
۸. عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی، بنابراین خدا ای تو، تو را به روغن شادمانی بیش‌تر از رفقایت مسح کرده است
۹. همه رخت‌های تو مَر و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که (خارج می‌شدی) به تارها تو را خوش ساختند
۱۰. (در بین) دختران پادشاهان (که) از زنان نجیب تو هستند، ملکه به دست راست (مزین) به طلای او فیر ایستاده است
۱۱. ای باکره بشنو و بین و گوش خود را فرادار، و قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن
۱۲. تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خدا اووند تو است پس او را عبادت نما
۱۳. و دختر صور با ارمغانی، و دولتمندان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید
۱۴. دختر پادشاه همیشه در اندرون (قصر) بلند مرتبه است، و رخت‌های او با طلا مرصع است
۱۵. به لباس آراسته نزد پادشاه حاضر می‌شود، دوشیزگان همراهان او در عقب وی نزد تو آورده خواهند شد
۱۶. به شادمانی و خوشی آورده می‌شوند، و به قصر پادشاه داخل خواهند شد
۱۷. به عوض پدرانت پسرانت خواهند بود، و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت
۱۸. نام تو را در همه جهان ذکر خواهیم کرد، پس قوماها تو را حمد خواهند گفت تا به ابد

مزمور چهل و ششم

۱. برای سالار مغنیان، سرود بنی قورح بر علاموت
۲. خدا! ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یاری می‌رساند
۳. پس نخواهیم ترسید اگر چه جهان دگرگون گردد، و کوهها در قعر دریا به لرزش آید
۴. اگر چه آب‌هایش بخروشد و به جوش آیند، و کوهها از سرکشی آن متزلزل گردند سلاه
۵. نه‌ری است که شعبه‌هایش شهر خدا را فرح‌ناک می‌سازد، و مسکن قدوس (خدا.اوند) متعال را
۶. خدا! همراه اوست پس لغزش نخواهد خورد، خدا! او را یاری خواهد کرد در طلوع صبح
۷. امت‌ها خروشدند و مملکت‌ها لغزیدند، (چون) او آواز خود را داد پس جهان گداخته گردید
۸. خدا! "صوأت" با ماست، و خدا! ای یعقوب قلعه بلند ما سلاه
۹. بیاید کارهای خدا.اوند را نظاره کنید، که چه خرابی‌ها در جهان گذارد
۱۰. او جنگ‌ها را تا اقصای جهان فیصله می‌دهد، کمان را می‌شکند و نیزه را قطع می‌کند و عرابه‌ها را به آتش می‌سوزاند
۱۱. باز ایستید و بدانید که من خدا هستم، در میان امت‌ها متعال و در جهان متعال خواهم شد
۱۲. خدا! "صوأت" با ماست، و خدا! ای یعقوب قلعه بلند ما سلاه

مزمور چهل و هفتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور بنی قورح
۲. ای جمیع امت‌ها دستک زنید، نزد خدا! به آواز شادی بانگ بر آورید
۳. زیرا خدا.اوند متعال و مهیب است، و بر تمامی جهان پادشاه بزرگ
۴. قوم‌ها را در زیر (دست) ما آرام خواهد ساخت، و طایفه‌ها را در زیر پای‌های ما
۵. میراث ما را برای ما خواهد برگزید، یعنی جلالت یعقوب را که دوست می‌دارد سلاه
۶. خدا! به آواز بلند (در نظر بندگان خود) اعتلا یافته است، خدا.اوند به آواز کرنا
۷. تسبیح بخوانید خدا! را تسبیح بخوانید، تسبیح بخوانید پادشاه ما را تسبیح بخوانید
۸. زیرا خدا! پادشاه تمامی جهان است، به خردمندی تسبیح بخوانید
۹. خدا! بر امت‌ها سلطنت می‌کند، خدا! بر تخت قدس خود نشسته است
۱۰. سروران قوم‌ها با قوم خدا! ابراهیم جمع شده‌اند، زیرا که سپرهای جهان از آن خدا.است، او بسیار متعال می‌باشد

مزمور چهل و هشتم

۱. سرود و مزمور بنی قورح
۲. خدا.اوند بزرگ است و بی‌نهایت ستوده، در شهر خدا! ما و در کوه مقدس خویش

۳. جمال خداوند در بزرگواریش، و شادی تمامی جهان در کوه صیون است، در جوانب شمال قلمرو و پادشاه بزرگ
۴. خدا در قصرهای آن (چون متجلی می گردد) به پناهگاهی بلند معروف است
۵. زیرا اینک پادشاهان جمع شدند، و با هم (از کوه مقدس) عبور کردند
۶. ایشان چون (شکوه را) دیدند متعجب گردیدند، و در حیرت افتاده فرار کردند
۷. لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید، و درد شدید مثل زنی که می زاید
۸. تو کشتی های ترشیش را، به باد شرقی شکستی
۹. چنان که شنیده بودیم همچنان دیده ایم، در شهر خدا ای صوأت در شهر خدا ای ما، خدا آن را تا به ابد مستحکم خواهد ساخت سلاه
۱۰. ای خدا احسانت را در میان محرابت تفکر نمودیم، در اندرون هیکل تو
۱۱. ای خدا چنان که نام تو است همچنان تسبیح تو نیز تا اقصای زمین، یمین تو از عدالت پُر است
۱۲. کوه صیون شادی می کند و دختران یهودا به وجد می آیند، به سبب داوری های تو
۱۳. صیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید، و برج های وی را بشمارید
۱۴. دل خود را به حصارهایش بنهید، و در (بلندی) قصرهایش تأمل کنید، تا نسل را اطلاع دهید
۱۵. زیرا این خدا ای ماست تا به ابد، و ما را تا مرحله مرگ هدایت خواهد نمود

مزمور چهل و نهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور بنی قورح
۲. ای تمامی قوم ها این را بشنوید، ای جمیع سکنه ربع مسکون این را به گوش گیرید
۳. ای عوام و خواص، ای دولت مندان و فقیران جمیعاً
۴. زبانم به حکمت سخن می راند، و تفکر دل من هوشیاری است
۵. گوش خود را به مثلی فرا میدهم، معمای خویش را (با نواختن) بربط می گشایم
۶. چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون گناه پاشنه هایم من را احاطه می کنند
۷. آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند، و بر کثرت توانگری خویش فخر می نمایند
۸. هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیة نخواهد داد، و کفاره او را به خدا نخواهد بخشید
۹. زیرا فدیة جان ایشان گرانهاست، و ابداً بدان نمی توان رسید
۱۰. تا زنده بماند تا به ابد، و گور را نبیند
۱۱. زیرا می بیند که حکیمان می میرند، و جاهلان و ابلهان باهم هلاک می گردند، و دولت خود را برای دیگران ترک می کنند
۱۲. فکر دل ایشان این است که خانه های ایشان دائمی باشد، و مسکن های ایشان ابدی، و نام های خود را بر زمین های خود می نهند

۱۳. لیکن انسان در حریم باقی نمی ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک می شود
۱۴. طریقه ایشان جهالت ایشان است، و اعقاب ایشان سخن ایشان را می پسندند سلاه
۱۵. مثل گوسفندان در گور رانده می شوند، و مرگ ایشان را شبانی می کند، و صبحگاهان راستان بر ایشان حکومت خواهند کرد، و صورت ایشان در گور پوسیده خواهد شد، تا مسکنی برای آن نباشد
۱۶. لیکن خدا جان من را از گور نجات خواهد داد، زیرا که (دست) من را خواهد گرفت سلاه
۱۷. پس ترسان مباش چون کسی دولتمند گردد، و جلال خانه او افزوده شود
۱۸. زیرا چون بمیرد چیزی از آن نخواهد برد، و مکتت او در عقب او فرو نخواهد رفت
۱۹. زیرا (ظالم) در حیات خود خویشتن را موفق می خواند، (ولی تو) چون بر خود احسان می کنی مردم تو را می ستایند
۲۰. لیکن به طبقه پدران خود خواهد پیوست، که نور را تا به ابد نخواهند دید
۲۱. انسانی که در حریم است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می شود

مزمو ر پنجاهم

۱. مزمو ر آساف، خدا، خدا، خدا. اوند تکلم می کند، و زمین را از مطلع آفتاب تا به مغربش می خواند
۲. از صیون که کمال زیباییست، خدا تجلی نموده است
۳. خدا ای ما می آید و سکوت نخواهد نمود، آتش پیش روی او می سوزاند، و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود
۴. آسمان را از بالا می خواند، و زمین را تا قوم خود را داوری کند
۵. مقدسان من را نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته اند
۶. و آسمانها از انصاف او خبر خواهند داد، زیرا خدا خود داور است سلاه
۷. ای قوم من بشنو تا سخن گویم، و ای (بنی) اسرائیل تا برایت شهادت دهم، که خدا خدا ای تو من هستم
۸. درباره قربانی هایت تو را توبیخ نمی کنم، و قربانی های سوختنی تو دائماً در نظر من است
۹. گوساله ای از خانه تو نمی گیرم، و نه بز از آغل تو
۱۰. زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن من اند، و بهایمی که بر هزاران کوه می باشند
۱۱. همه پرندگان کوهها را می شناسم، و وحوش صحرا نزد من حاضرند
۱۲. اگر گرسنه می بودم تو را خبر نمی دادم، زیرا ربع مسکون و هر آنچه در اوست از آن من است
۱۳. آیا گوشت گاوان را بخورم، و خون بزها را بنوشم
۱۴. برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به (خدا ای) متعال وفا نما
۱۵. پس در روز تنگی من را بخوان تا تو را خلاصی دهم، و من را تمجید بنمایی
۱۶. و اما به شیر، خدا می گوید، تو را چه کار است که فرائض من را بیان کنی و عهد من را به زبان خود بیاوری
۱۷. چون که تو از تأدیب نفرت داشته ای، و کلام من را پشت سر خود انداخته ای
۱۸. چون دزد را دیدی راضی شدی که با او (باشی)، و نصیب تو با زناکاران است

۱۹. دهان خود را به شرارت گشوده‌ای، و زبانت حیل را اختراع می‌کند
۲۰. نشسته‌ای تا به ضد برادر خود سخن رانی، و دربارهٔ پسر مادر خویش غیبت گوئی
۲۱. این عمل را کردی و من سکوت نمودم، پس گمان بردی که من مثل تو هستم، لیکن تو را توبیخ خواهم کرد، و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد
۲۲. ای فراموش‌کنندگان خدا. در این تفکر کنید، مبدا شما را نبود سازم و رهاننده‌ای نباشد
۲۳. هر که قربانی تشکر را گذراند من را تمجید می‌کند، و آن که طریق خود را راست سازد، نجات خدا را به وی نشان خواهم داد

مزمور پنجاه و یکم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. وقتی که ناتان نبی بعد از در آمدنش به بتشیع نزد او آمد
۳. ای خدا. به حسب رحمت خود بر من رحم فرما، به حسب کثرت رأفت خویش گناهانم را محو ساز
۴. من را از عصیانم به کلی شست و شو ده، و از گناهانم من را طاهر کن
۵. زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم، و گناهانم همیشه در نظر من است
۶. به تو و به تو تنها گناه ورزیده، و در نظر تو بدی کرده‌ام، تا در کلام خود مصدق گردی، و در داوری خویش مزکی شوی
۷. اینک در معصیت سرشته شدم، و مادرم در گناه به من آبستن گردید
۸. اینک به راستی در قلب من ساکن هستی، پس حکمت را در باطن من به من بیاموز
۹. من را با زوفا پاک کن تا طاهر شوم، من را شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم
۱۰. شادی و خرمی را به گوش من برسان، تا استخوان‌هایی که کوبیده‌ای به وجد آیند
۱۱. روی خود را از گناهانم بپوشان و همهٔ خطایای من را محو کن
۱۲. ای خدا. دل طاهر در من بیافرین، و روح مستقیم در باطنم تازه بساز
۱۳. من را از حضور خود مینداز، و روح قدوس خود را از من مگیر
۱۴. شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد من را تأیید فرما
۱۵. آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهم داد، و گناه کاران به سوی تو بازگشت خواهند نمود
۱۶. من را از خونریزی‌ها نجات ده ای خدا. ای که خدا. ای نجات من هستی، تا زبانم به عدالت تو ترنم نماید
۱۷. خدا. اوند لب‌هایم را بگشا، تا دهانم تسبیح تو را اخبار نماید
۱۸. زیرا قربانی را دوست نداشتی و آلمی دادم، قربانی سوختنی را پسند نکردی
۱۹. قربانی‌های خدا. روح شکسته است، خدا. ای دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد
۲۰. به رضامندی خود بر صیون احسان فرما، و حصارهای اورشلیم را بنا نما

۲۱. آنگاه از قربانی‌های عدالت و قربانی‌های سوختنی تمام راضی خواهی شد، و گوساله‌ها بر مذبح تو قربانی خواهند نمود

مزمور پنجاه و دوم

۱. برای سالار مغنیان قصیده‌ی داوید
۲. وقتی که دواگ‌ادومی آمد و شائول را خبر داده گفت که داوید به خانه‌ی آخیملیخ رفت
۳. ای جبار چرا از بدی فخر می‌کنی، رحمت خدا همیشه باقی است
۴. زبان تو در اندیشه شرارت است مثل تیغ تیزی (است) و حيله‌گری می‌کند
۵. بدی را از نیکویی بیشتر دوست می‌داری، و دروغ را زیادتر از راست گویی سلاه
۶. همه‌ی سخنان مهلک را دوست می‌داری، ای زبان حيله‌باز
۷. خدا نیز تو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و تو را ربوده از مسکن تو خواهد کند، و تو را از زمین زندگان ریشه کن خواهد کرد سلاه
۸. عادلان این را دیده، خواهند ترسید، و بر او خواهند خندید
۹. هان این کسی است که خدا را قلعه‌ی خویش نمود بلکه به کثرت دولت خود توکل کرد، و از بدی خویش خود را زور آور ساخت
۱۰. و اما من مثل زیتون سرسبز در خانه‌ی خدا هستم، به رحمت خدا توکل می‌دارم تا به ابد
۱۱. او را همیشه حمد خواهم گفت زیرا تو این را کرده‌ای، و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا نزد مقدسان تو نیکوست

مزمور پنجاه و سوم

۱. برای سالار مغنیان بر محلت، قصیده‌ی داوید
۲. احمق در دل خود می‌گوید که خدا ایی نیست، فاسد شده شرارت مکره کرده‌اند، و نیکوکاری نیست
۳. خدا از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت، تا ببیند که انسان فهیم و طالب خدا ایی هست
۴. همه‌ی ایشان مرتد شده با هم فاسد گردیده‌اند، نیکوکاری حتی یکی هم نیست
۵. آیا گناهکاران بی‌معرفت هستند، که قوم من را می‌خورند چنان که نان می‌خورند، و خدا را نمی‌خوانند
۶. آنگاه سخت ترسان شدند جایی که هیچ ترس نبود، زیرا خدا استخوان‌های محاصره‌کننده‌ی تو را از هم پاشید، آنها را خجل ساخته‌ای زیرا خدا ایشان را رد نموده است
۷. کاش که نجات (بنی) اسرائیل از صیون ظاهر می‌شد، وقتی که خدا اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و (بنی) اسرائیل شادی خواهد کرد

مزمور پنجاه و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، قصیده‌ی داوید بر نگینوت
۲. وقتی که زیفیان نزد شائول آمده گفتند آیا داوید نزد ما خود را پنهان نمی‌کند

۳. ای خدا. به نام خود من را نجات بده، و به قوت خویش بر من داوری نما
۴. ای خدا. دعای من را بشنو، و سخنان دهان من را گوش بگیر
۵. زیرا بیگانگان به ضد من برخاسته‌اند، و ظالمان قصد جان من دارند، و خدا. را در مدّ نظر خود نگذاشته‌اند سلاه
۶. اینک خدا. مدد کار من است، خدا. اوند از تأیید کنندگان جان من است
۷. بدی را بر دشمنان من بر خواهد گردانید، به راستی خود ریشه‌ ایشان را بکن
۸. قربانی‌های تبرّعی نزد تو خواهم گذرانید، و نام تو را ای خدا. اوند حمد خواهم گفت زیرا نیکوست
۹. چون که من را از جمیع تنگی‌ها خلاصی داده‌ای، و چشم من بر دشمنانم نگریسته است

مزمور پنجاه و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، قصیده‌ داوید بر نگینوت
۲. ای خدا. به دعای من گوش بگیر، و خود را از تضرع من پنهان مکن
۳. به من گوش فراگیر و من را مستجاب فرما، زیرا که در تفکر خود متحیرم و ناله می‌کنم
۴. از آواز دشمن و به سبب ظلم شریر، زیرا که ظلم بر من می‌اندازند و یا خشم بر من جفا می‌کنند
۵. دل من در اندرونم پیچ و تاب می‌کند، و ترس‌های مرگ بر من افتاده است
۶. ترس و لرز به من در آمده است، وحشتی هولناک من را در گرفته است
۷. و گفتم کاش که من را بال‌ها مثل کبوتر می‌بود، تا پرواز کرده استراحت می‌یافتم
۸. هر آینه به جای دور می‌پریدم، و در صحرا مأوا می‌گزیدم سلاه
۹. می‌شتافتم به سوی پناهگاهی، از باد تند و از طوفان شدید
۱۰. ای خدا. اوند آنها را هلاک کن و زبان‌هایشان را متفرق نما، زیرا که در شهر ظلم و جنگ دیده‌ام
۱۱. روز و شب بر حصارهایش گردش می‌کنند، و شرارت و مشقت در میانش می‌باشد
۱۲. فسادها در میان وی است، و جور و حيله از کوچه‌هایش دور نمی‌شود
۱۳. زیرا دشمن نبود که من را ملامت می‌کرد و آلا تحمل می‌کردم، و خصم من نبود که بر من سربلندی می‌نمود، و آلا خود را از وی پنهان می‌ساختم
۱۴. بلکه تو ربودی ای مرد نظیر من، ای یار خالص و دوست صدیق من
۱۵. که با یکدیگر مشورت شیرین می‌کردیم، و به خانه‌ خدا. در جمع می‌خرامیدیم
۱۶. مرگ بر ایشان ناگهان فرو آید و زنده بگور فروروند، زیرا شرارت در مسکن‌های ایشان و در میان ایشان است
۱۷. و اما من نزد خدا. فریاد می‌کنم، و خدا. اوند من را نجات خواهد داد
۱۸. شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می‌کنم، و او آواز من را خواهد شنید
۱۹. جان من را از جنگی که بر من شده بود به سلامتی فدیة داده است، زیرا بسیاری با من مقاومت می‌کردند
۲۰. خدا. خواهد شنید و ایشان را جواب خواهد داد، او که از ازل نشسته است سلاه، زیرا که در ایشان تغییر نیست، و از

خدا نمی ترسند

۲۱. دست خود را بر صلح اندیشان خویش دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است
۲۲. سخنانش نرم زبانش چرب، لیکن در دلش جنگ است، سخنانش چرب تر از روغن لیکن شمشیرهای برهنه است
۲۳. نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد، او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل لغزش کند
۲۴. و تو ای خدا! ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد، مردمان خونریز و حيله ساز، روزهای خود را نیمه نخواهند کرد، لیکن من بر تو توکل خواهم داشت

مزمور پنجاه و ششم

۱. برای سالار مغنیان بر یونتِ اِلم در بلاد دور، میختم داوید وقتی که پلیشتی‌ها او را در گت گرفتند
۲. ای خدا! بر من رحم فرما، زیرا که انسان من را به شدت تعقیب می کند تمامی روز جنگ کرده من را اذیت می نماید
۳. دشمنانم تمامی روز من را به شدت تعقیب می کنند، زیرا که بسیاری با تکبر با من می جنگند
۴. هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت
۵. در خدا کلام او را خواهم ستود، بر خدا توکل کرده، نخواهم ترسید، انسان به من چه می تواند کرد
۶. هر روزه سخنان من را منحرف می سازند، همه فکرای ایشان درباره من بر شرارت است
۷. ایشان جمع شده کمین می سازند، بر قدم‌های من چشم دارند زیرا قصد جان من دارند
۸. آیا ایشان به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت، ای خدا! امت‌ها را در غضب خویش بینداز
۹. تو آوارگی‌های من را تقریر کرده‌ای، اشکهای من را در ذخیره‌دان خود بگذار، آیا این در دفتر تو نیست
۱۰. آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم رو خواهند گردانید، این را می دانم زیرا خدا با من است
۱۱. در خدا کلام او را خواهم ستود، در خداوند کلام او را خواهم ستود
۱۲. بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید، آدمیان به من چه می توانند کرد
۱۳. ای خدا! نذرهای تو بر من است، قربانی‌های حمد را نزد تو خواهم گذرانید
۱۴. زیرا که جان من را از مرگ رهانیده‌ای، آیا پایهای من را نیز از لغزیدن نگاه نخواهی داشت، تا در نور زندگان به حضور خدا سالک باشم

مزمور پنجاه و هفتم

۱. برای سالار مغنیان بر آلِ تَشَخْتِ میختم داوید وقتی که از حضور شائول به پناهگاه فرار کرد
۲. ای خدا! بر من رحم فرما بر من رحم فرما، زیرا جانم در تو پناه می برد، و در سایه بالهای تو پناه می برم تا این بلایا بگذرد
۳. نزد خدا ای تعالی آواز خواهم داد، نزد خدایی که همه چیز را برایم تمام می کند
۴. از آسمان فرستاده من را خواهد رهانید زیرا تعقیب کننده سخت من ملامت می کند سلاه، خدا رحمت و راستی خود

را خواهد فرستاد

۵. جان من در میان شیران است، در میان آتش افروزان می خوابم یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزه‌ها و تیرهاست، و زبان ایشان شمشیر بُرنده است
۶. ای خدا. بر آسمان متعال شو، و جلال تو بر تمامی جهان (است)
۷. دامی برای گام‌هایم مهیا ساختند، و جانم خم گردید، چاهی پیش رویم کندند، و خود در میانشان افتادند سلاه
۸. دل من مستحکم است خدا. ایا دل من مستحکم است، سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود
۹. ای جلال من بیدار شو ای بربط و عود بیدار شو، صبحگاهان را من بیدار خواهم کرد
۱۰. ای خدا. اوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت، تو را در میان قوم‌ها تسبیح خواهم خواند
۱۱. زیرا رحمت تو تا آسمان‌ها عظیم است، و راستی تو تا افلاک (مستدام است)
۱۲. خدا. ایا بر آسمانها متعال شو، و جلال تو بر تمامی جهان (مستولی است)

مزمور پنجاه و هشتم

۱. برای سالار مغنیان بر آل تشخت، میختم داوید
۲. آیا در حقیقت به عدالتی که گنگ است سخن می گوئید، و ای بنی آدم آیا به راستی داوری می‌نمایید
۳. بلکه در دل خود شرارتها به عمل می‌آورید، و ظلم دست‌های خود را در زمین از اندازه بیشتر می‌کنید
۴. شیران از رَجَم منحرف هستند، از شکم مادر دروغ گفته گمراه می‌شوند
۵. ایشان را زهریست مثل زهرمار، مثل افعی گر که گوش خود را می‌بندد
۶. که آواز افسون‌گران را نمی‌شنود، هر چند به مهارت افسون می‌کند
۷. ای خدا. دندانهایشان را در دهانشان بشکن، ای خدا. اوند دندان‌های شیران را خورد بشکن
۸. گداخته شده مثل آب بگذرند، چون او تیرهای خود را می‌اندازد، به موقع منقطع خواهند شد
۹. مثل حلزون که گداخته شده می‌گذرد، مثل سقط زن آفتاب را نخواهد دید
۱۰. قبل از آن که دیگ‌های شما آتشِ خارها را احساس کند، آنها را چه تر و چه خشک خواهد رُفت
۱۱. مرد عادل چون انتقام را دید شادی خواهد نمود، پای‌های خود را به خون شریر خواهد شست
۱۲. و مردم خواهند گفت هر آینه ثمره‌ای برای عادلان هست، هر آینه خدا. ایی هست که در جهان داوری می‌کند

مزمور پنجاه و نهم

۱. برای سالار مغنیان بر آل تشخت، میختم داوید وقتی که شائول فرستاد که خانه او را کشیک بکشند تا او را بکشند
۲. ای خدا. ایم من را از دشمنانم برهان، من را از مقاومت کنندگانم برافراز
۳. من را از گناهکاران خلاصی ده، و از مردمان خونریز رهایی بخش
۴. زیرا اینک برای جانم کمین می‌سازند، و زورآوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون تقصیر من ای خدا. اوند و بدون گناه من

۵. بی‌تردید بر من می‌شتابند و خود را آماده می‌کنند، پس برای ملاقات من برانگیخته شو و ببین
۶. اما تو ای خدا. اوند خدا. ای صوأت خدا. ای (بنی) اسرائیل، برانگیخته شده همه امت‌های (ظالم) را مکافات برسان، و بر خیانتکاران بدکار شفقت مفرما سلاه
۷. شامگاهان بر می‌گردند و مثل سگ بانگ می‌کنند، و در شهر دور می‌زنند
۸. از دهان خود بدی را فرو می‌ریزند، لب‌های ایشان چون شمشیرهاست، زیرا می‌گویند کیست که بشنود
۹. و اما تو ای خدا. اوند بر ایشان خواهی خندید، و تمامی امت‌های (ظالم) را استهزاء خواهی نمود
۱۰. (بخاطر) قدرت او به سوی تو انتظار خواهم کشید، زیرا خدا. قلعه بلند من است
۱۱. خدا. ای رحمت من پیش روی من خواهد رفت، خدا. من را بر دشمنانم نگران خواهد ساخت
۱۲. ایشان را به قتل مرسان، مبادا قوم من فراموش کنند، ایشان را به قوت خود پراکنده ساخته به زیر انداز، ای خدا. اوند که سپر ما هستی
۱۳. به سبب گناه زبان و سخنان لب‌های خود، در تکبر خویش گرفتار شوند، و به عوض لعنت و دروغی که می‌گویند
۱۴. ایشان را فانی کن، در غضب فانی کن تا نیست گردند و بدانند که خدا. در یعقوب تا اقصای زمین سلطنت می‌کند سلاه
۱۵. و شامگاهان برگردیده مثل سگ بانگ زنند، و در شهر گردش کنند
۱۶. و برای خوراک پراکنده شوند، و سیر نشده شب را به سر برند
۱۷. و اما من قوت تو را خواهم سرایید، و بامدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود، زیرا قلعه بلند من هستی، و در روز تنگی پناهگاه منی
۱۸. ای قوت من برای تو سرود می‌خوانم، زیرا خدا. قلعه بلند من است و خدا. ای رحمت من

مزمور شصتم

۱. برای سالار مغنیان بر شوشن عدوت میختم داوید برای تعلیم
۲. وقتی که با ارم نهرین و ارم صوبه از در جنگ بیرون آمد و یوآب برگشته دوازده هزار نفر از ادومیان را در وادی ملح گشت
۳. ای خدا. ما را دور انداخته پراکنده ساخته‌ای، خشمناک بودی به سوی ما رجوع فرما
۴. زمین را متزلزل ساخته آن را شکافته‌ای، شکستگی‌هایش را شفا ده زیرا به لغزش افتاده است
۵. چیزهای مشکل را به قوم خود نشان داده‌ای، باده سرگردانی به ما نوشانیده‌ای
۶. علمی به ترسندگان خود داده‌ای، تا آن را برای راستی برافرازند سلاه
۷. تا دوستداران تو نجات یابند، با یمین خود نجات ده و من را مستجاب فرما
۸. خدا. در قدویست خود سخن گفته است، پس شادی خواهم نمود، شخم را تقسیم می‌کنم و وادی سکوت را خواهم پیمود

۹. جلعاد از آن من است مَنَسی از آن من، افرایم خود سر من است یهودا عصای سلطنت من
۱۰. موآب ظرف شستشوی من است، و بر اِدُوم کفش خود را خواهم انداخت، ای پلِشِت برای من بانگ بر آور
۱۱. کیست که من را به شهر حصین درآورد، و کیست که من را به اِدوم رهبری کند
۱۲. مگر نه تو ای خدا. که ما را ترک کرده‌ای، و با لشگرهای ما ای خدا. بیرون نمی آیی
۱۳. ما را از دشمن بی نیاز فرما، زیرا یاری انسان باطل است
۱۴. با (کمک) خدا. با شجاعت کار خواهیم کرد، و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود

مزمور شصت و یکم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینت، مزمور داوید
۲. ای خدا. فریاد من را بشنو، و دعای من را اجابت فرما
۳. از اقصای جهان تو را خواهم خواند هنگامی که قلبم را ضعف می گیرد، من را بصخره‌ای که از من بلندتر است هدایت نما
۴. زیرا که تو پناه من بوده‌ای، و برج قوی از روی دشمن
۵. در خیمه تو ساکن خواهم بود تا به ابد، زیر سایه بال‌های تو پناه خواهم برد سلاه
۶. زیرا تو ای خدا. نذرهای من را شنیده‌ای، و میراث ترسندگان نام خود را به من عطا کرده‌ای
۷. بر عمر پادشاه روزها خواهی افزود، و سال‌های او تا نسل‌ها باقی خواهد ماند
۸. به حضور خدا. خواهد نشست تا به ابد، رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت کنند
۹. پس نام تو را تا به ابد خواهم سراپید، تا هر روز نذرهای خود را وفا کنم

مزمور شصت و دوم

۱. برای یدوتون سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. جان من فقط برای خدا. خاموش می شود، زیرا که نجات من از جانب اوست
۳. او تنها صخره و نجات من است، و قلعه بلند من پس لغزش بزرگی نخواهم خورد
۴. تا به کی بر مردی هجوم می آورید، تا همگی شما او را هلاک کنید، مثل دیوار خم شده و حصار لغزیده
۵. در این باره فقط مشورت می کنند که او را از مرتبه‌اش بیندازند، و دروغ را دوست می دارند، به زبان خود ترویج می دهند و در دل خود لعنت می کنند سلاه
۶. ای جان من فقط برای خدا. خاموش شو، زیرا که امید من از وی است
۷. او تنها صخره و نجات من است، و قلعه بلند من تا نلغزم
۸. بر خدا. است نجات و جلال من، صخره قوت من و پناه من در خدا. است
۹. ای قوم همه وقت بر او توکل کنید، و دل‌های خود را به حضور وی بریزید، زیرا خدا. پناهگاه ماست سلاه

۱۰. البته بنی آدم بطالت و بنی بشر دروغ‌اند، در ترازو بالا می‌روند زیرا جمیعاً از بطالت سبک‌ترند
۱۱. بر ظلم توکل مکنید و بر غارت مغرور مشوید، چون دولت افزوده شود دل در آن مبندید
۱۲. خدا یک‌بار گفته است و دوبار این را شنیده‌ام، که قوت از آن خداست
۱۳. ای خدا، اوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد

مزمور شصت و سوم

۱. مزمور داوید هنگامی که در صحرای یهودا بود
۲. ای خدا، تو خدای من هستی در سحر تو را خواهم طلبید، جان من تشنه‌ تو است و جسم من مشتاق تو، در زمین خشک تشنه‌ بی‌ آب
۳. چنان که در قدس بر تو نظر کردم، تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم
۴. چون که رحمت تو از حیات نیکوتر است، پس لب‌های من تو را تسبیح خواهد خواند
۵. از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم خواند، و دست‌های خود را به نام تو خواهم برافراشت
۶. جان من سیر خواهد شد چنان که از چربی و روغن، و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد خواهد گفت
۷. چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم، و در پاس‌های شب در تو تفکر می‌کنم
۸. زیرا تو مددکار من بوده‌ای، و زیر سایه‌ بال‌های تو شادی خواهم کرد
۹. جان من به تو پیوسته است، و یمین تو من را تأیید کرده است
۱۰. و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد، و در زمین فرو خواهند رفت
۱۱. ایشان به دم شمشیر سپرده می‌شوند، و نصیب شغال‌ها خواهند شد
۱۲. اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد، و هر که به او قسم خورد فخر خواهد نمود، زیرا دهان دروغ‌گویان بسته خواهد گردید

مزمور شصت و چهارم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خدا، وقتی که تضرع می‌نمایم آواز من را بشنو، و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار
۳. من را از مشاورت شریران پنهان کن، و از هنگامه‌ گناهکاران
۴. که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده‌اند، و تیرهای خود یعنی سخنان تلخ را بر زه آراسته‌اند
۵. تا در کمین‌های خود بر مرد کامل بیندازند، ناگهان بر او می‌اندازند و نمی‌ترسند
۶. خویشان را برای کار زشت تقویت می‌کنند، درباره‌ پنهان کردن دام‌ها گفتگو می‌کنند، می‌گویند کیست که ما را ببیند
۷. کارهای بد را تدبیر می‌کنند، و می‌گویند تدبیر نیکو کرده‌ایم، و (این تدبیر در) اندرون و قلب هر یک از ایشان عمیق است

۸. اما خدا تیرها بر ایشان خواهد انداخت، و ناگهان جراحتهای ایشان (حادث) خواهد شد
۹. زبانشان شکست بر ایشان فرود آورد، هر که آنها را ببیند سر بجنباند
۱۰. و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدا را اعلام خواهند کرد، و عمل او را درک خواهند نمود
۱۱. و مرد صالح در خداوند شادی می کند و برای او توکل می دارد و جمیع راست دلان فخر خواهند نمود

مزمور شصت و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود داوید
۲. ای خدا ستایش در صیون منتظر تو است، و نذرهای تو وفا خواهد شد
۳. ای که دعا می شنوی، نزد تو تمامی بشر خواهند آمد
۴. گناهان بر من غالب آمده است، تو تقصیرهای من را کفاره خواهی کرد
۵. خوشا به حال کسی که او را برگزیده و مقرب خود ساخته ای، تا به درگاههای تو ساکن شود، از نیکویی خانه تو سیر خواهیم شد، و از قدوسیت محراب تو
۶. به چیزهای مهیب در عدل ما را جواب خواهی داد، ای خدا ایی که نجات ما هستی، ای که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان دوردست دریا هستی
۷. و کوهها را به قوت خود مستحکم ساخته ای، و کمر خود را به قدرت بسته ای
۸. و تلاطم دریا را ساکن می گردانی، تلاطم امواج آن و خروش امتها را
۹. ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند، طلوع صبح و غروب شام را شادمان می سازی
۱۰. از زمین مراقبت نموده آن را سیراب می کنی، و آن را بسیار توانگر می گردانی، نهرهای خداوند از آب پر است، غله ایشان را آماده می کنی زیرا که تو چنین خواسته ای
۱۱. پشته هایش را سیراب می کنی و (بر) شیارهایش (باران را) فرود می آوری، به بارشها آن را شاداب می نمایی، نباتاتش را برکت می دهی
۱۲. به احسان خویش سال را مزین می سازی و راههای تو چربی را می چکاند
۱۳. مرتعهای صحرا نیز می چکاند، و کمر تپهها به شادمانی بسته شده است
۱۴. چمنها به گوسفندان آراسته شده است، و درهها که به غله پیراسته ای، از شادی بانگ می زنند و سرود می سرایند

مزمور شصت و ششم

۱. برای سالار مغنیان، سرود و مزمور ای تمامی زمین برای خدا بانگ شادمانی بزنید
۲. جلال نام او را بسرایید، و در تسبیح او جلال او را توصیف نمایید
۳. خدا را گوید چه مهیب است کارهای تو، از شدت قوت تو دشمنان نزد تو (بدیهای خود را) حاشا خواهند کرد
۴. تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و تو را خواهند سراپید، و به نام تو ترنم خواهند نمود سلاه

۵. بیایید کارهای خدا را مشاهده کنید، او در کارهای خود بر بنی آدم برتر است
۶. دریا را به خشکی مبدل ساخت، و مردم از نهر با پا عبور کردند، در آنجا به او شادی نمودیم
۷. در توانایی خود تا به ابد سلطنت می کند، و چشمانش مراقب امتها است، فتنه انگیزان خویشتن را بر نیفرزند سلاه
۸. ای قومها خدا ای ما را متبارک خوانید، و آواز تسبیح او را بشنوانید
۹. که جانهای ما را در زندگی قرار می دهد، و نمی گذارد که پایهای ما لغزش نماید
۱۰. زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده ای، و ما را قال گذاشته ای چنان که نقره را قال می گذارند
۱۱. ما را به دام در آوردی و باری گران بر پشت های ما نهادی
۱۲. مردمان را بر سر ما سوار گردانیدی، و به آتش و آب در آمیدیم، پس ما را به جای خرم بیرون آوردی
۱۳. قربانی های سوختنی به خانه تو خواهیم آورد، نذرهای خود را به تو وفا خواهم نمود
۱۴. که لب های خود را بر آنها گشودم، و در زمان تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم
۱۵. قربانی های سوختنی پرواری را نزد تو خواهم گذرانید، گوساله ها و بزها را با بخور قوچ ها ذبح خواهم کرد سلاه
۱۶. ای همه خدا ترسان بیایید و بشنوید، تا از آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم
۱۷. به دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم، و تسبیح بلند بر زبان من بود
۱۸. اگر بدی را در دل خود منظور می داشتم، خداوند صدای من را نمی شنید
۱۹. لیکن خدا صدای من را شنیده است، و به آواز دعای من توجه فرموده
۲۰. متبارک باد خدا، که دعای من را از خود و رحمت خویش را از من برگردانیده است

مزمور شصت و هفتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود بر نگیوت
۲. خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک سازد، و نور روی خود را بر ما متجلی فرماید سلاه
۳. باشد که راه تو در جهان معروف گردد، و نجات تو به جمیع امتها
۴. ای خدا قومها تو را حمد گویند، و جمیع قومها تو را حمد گویند
۵. امتها شادی و ترنم خواهند نمود، زیرا قومها را به انصاف حکم خواهی نمود، و امتهای جهان را هدایت خواهی کرد سلاه
۶. ای خدا قومها تو را حمد گویند، جمیع قومها تو را حمد گویند
۷. آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد، و خدا خدا ای ما، ما را مبارک خواهد فرمود
۸. خدا ما را مبارک خواهد فرمود، و تمامی اقصای جهان از او خواهند ترسید

مزمور شصت و هشتم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور و سرود داوید

۲. خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند، و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند
۳. چنان که دود پراکنده می‌شود ایشان را پراکنده سازد، و چنان که موم پیش آتش گداخته می‌شود همچنان شیران به حضور خدا هلاک گردند
۴. اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به وجد آیند، و به شادمانی خرسند شوند
۵. برای خدا سرود بخوانید و به نام او ترنم نمایید، و راهی درست کنید برای او که در صحراها سوار است، نام او «یاه» است به حضورش به وجد آید
۶. پدر یتیمان و داور بیوه‌زنان، خداست در تجلی‌گاه قدس خود
۷. خدا بی‌کسان را ساکن خانه می‌گرداند، و اسیران را به رستگاری بیرون می‌آورد، لیکن فتنه‌انگیزان در زمین سوزان ساکن خواهند شد
۸. ای خدا هنگامی که پیش روی قوم خود بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی سلاه
۹. زمین به لرزه درآمد و آسمان در حضور خدا بارید، و «کوه» سینا نیز از حضور خدا ای اسرائیل
۱۰. ای خدا باران نعمت‌ها بارانیدی، و میراث را چون فرسوده بود مستحکم گردانیدی
۱۱. جماعت تو در آن ساکن شدند، ای خدا به وجود خویش برای مساکین تدارک دیده‌ای
۱۲. خدا اوند سخن را می‌دهد، بشارت‌های او انبوه عظیمی می‌شوند
۱۳. ملوک لشگرها فرار کرده منهزم می‌شوند، و زنی که در خانه مانده است غارت را تقسیم می‌کند
۱۴. اگرچه در آغل‌ها خوابیده بودید، لیکن مثل بال‌های فاخته شده‌اید، که به نقره پوشیده است و پرهایش به طلای سرخ
۱۵. چون قادر مطلق پادشاهان را در آن پراکنده ساخت، مثل برف بر صُلْمُون درخشان گردید
۱۶. کوه خدا کوه باشان است، کوهی با قله‌های افراشته کوه باشان است
۱۷. ای کوه‌های با قله‌های افراشته چرا نگرانید، بر این کوهی که خدا برای مسکن خود برگزیده است، هر آینه خدا اوند در آن تا به ابد ساکن خواهد بود
۱۸. عرابه‌های خدا کرورها و هزارهای فرشتگان است، خدا اوند در میان آنها است و «کوه» سینا در قدس است
۱۹. بر اعلیٰ علیین صعود کرده و اسیران را به اسیری برده‌ای، از آدمیان بخشش‌ها گرفته‌ای، بلکه از فتنه‌انگیزان نیز تا «یاه» خدا در ایشان مسکن گیرد
۲۰. متبارک باد خدا اوندی که هر روزه متحمل ما می‌شود، و خدا بی که نجات ماست سلاه
۲۱. خدا برای ما خدا ای نجات است، و گریز‌گاه مرگ از آن خدا اوند خدا است
۲۲. هر آینه خدا سر دشمنان خود را خورد خواهد کرد، و کله موی‌دار کسی را که در گناه خود سالک باشد
۲۳. خدا اوند گفت از «باشان» باز خواهم آورد، از ژرفی‌های دریا بازخواهم آورد
۲۴. تا پای خود را در خون فرو بری، و زبان سگان تو از دشمنانت بهره خود را بیابد
۲۵. ای خدا طریق‌های تو را دیده‌اند، یعنی طریق‌های خدا و پادشاه من را در قدس
۲۶. در پیش رو مغنیان می‌خرامند و در عقب ساززندگان، و در وسط دوشیزگان دَف‌زن

۲۷. خدا را در جماعت‌ها متبارک خوانید، و خداوند را از چشمه اسرائیل
۲۸. آنجا است بنیامین صغیر حاکم ایشان، رؤسای یهودا محفل ایشان، رؤسای زبولون و رؤسای نفتالی
۲۹. خدایت برای تو قوت را امر فرموده است، ای خدا آنچه را که برای ما کرده‌ای، استوار گردان
۳۰. به سبب محراب تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو خواهند آورد
۳۱. و وحوش نیزارها را توییخ فرما، و رمه گاووان را با گوساله‌های قوم، که با شمش‌های نقره نزد تو گردن می‌نهند، و قومهایی که جنگ را دوست می‌دارند پراکنده ساخته است
۳۲. سروران از مصر خواهند آمد، و حبشه دست‌های خود را نزد خدا به‌زودی دراز خواهد کرد
۳۳. ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید، برای خداوند سرود بخوانید سلاه
۳۴. برای او که بر فلک‌الافلاک از قدیم سوار است اینک آواز خود را می‌دهد، آوازی که پُرقوت است
۳۵. خدا را به قوت توصیف نمایید، جلال وی بر (بنی) اسرائیل است و قوت او در افلاک
۳۶. ای خدا از قدس‌های خود مهیب هستی، خدا ای اسرائیل قوم خود را قوت و عظمت می‌دهد، متبارک باد خدا.

مزمور شصت و نهم

۱. برای سالار مغنیان بر شوشنیم، مزمور داوید
۲. خدا یا من را نجات ده، زیرا آب‌ها به جان من در آمده است
۳. در خلایب ژرف فرو رفته‌ام جایی که نتوان ایستاد، به آب‌های عمیق درآمده‌ام و سیل من را می‌پوشاند
۴. از فریاد خود خسته شده‌ام و گلوی من مخدوش شده، و چشمانم از انتظار خدا تار گردیده است
۵. آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند از شمار موی‌های سرم زیاده‌اند، و دشمنان ناحق من که قصد هلاکت من دارند زور آورند، پس آنچه را غصب نکرده‌ام، باز گردانم
۶. ای خدا تو حماقت من را می‌دانی، و گناهانم از تو مخفی نیست
۷. ای خداوند خدا ای صوأت منتظرین تو به سبب من خجل نشوند، ای خدا ای (بنی) اسرائیل طالبان تو به سبب من را رسوا نگردند
۸. زیرا به خاطر تو محتمل ملامت گردیده‌ام، و رسوایی روی من مرا پوشیده است
۹. نزد برادرانم بیگانه شده‌ام، و نزد پسران مادر خود غریب
۱۰. زیرا غیرت خانه تو من را دربر گرفته است، و ملامت‌های ملامت‌کنندگان تو بر من روا گردیده است
۱۱. روزه داشته جان خود را مثل اشک ریخته‌ام، و این برای من خوار گردیده است
۱۲. پلاس را لباس خود ساخته‌ام، و نزد ایشان ضرب‌المثل گردیده‌ام
۱۳. دروازه‌نشینان درباره من حرف می‌زنند، و سرود می‌گساران گشته‌ام
۱۴. و اما من ای خداوند دعای خود را در وقت اجابت نزد تو می‌کنم، ای خدا در کثرت رحمانیت خود و راستی نجات خود من را مستجاب فرما

۱۵. من را از خراب خلاصی ده تا غرق نشوم، و از نفرت کنندگانم و از ژرفی های آب رستگار شوم
۱۶. مگذار که سیلان آب من را بپوشاند و ژرفی من را ببلعد، و گور دهان خود را بر من ببندد
۱۷. ای خدا. اوند من را مستجاب فرما زیرا رحمت تو نیکوست، به کثرت رحمانیتت خود بر من توجه نما
۱۸. و روی خود را از بندهات مپوشان، زیرا در تنگی هستم من را به زودی مستجاب فرما
۱۹. به جانم نزدیک شده آن را رستگار ساز، به سبب دشمنانم من را فدیة ده
۲۰. تو خواری و خجالت و رسوایی من را می دانی، و تمامی دشمنانم پیش نظر تو هستند
۲۱. سرزنش دل من را شکسته است و به شدت بیمار شده ام، انتظار مشفق کشیدم ولی نبود، و برای تسلی دهندگان (منتظر شدم) اما نیافتم
۲۲. من را برای خوراک زرد آب دادند، و چون تشنه بودم من را سرکه نوشانیدند
۲۳. پس مائده ایشان پیش روی ایشان تله باد، و چون مطمئن هستند دامی باشد
۲۴. چشمان ایشان تار گردد تا نبیند، و کمرهای ایشان را دائماً لرزان گردان
۲۵. خشم خود را بر ایشان بریز، و شدت غضب تو ایشان را دریابد
۲۶. خانه های ایشان مخروبه گردد، و در خیمه های ایشان هیچ کس ساکن نشود
۲۷. زیرا بر کسی که تو نشان کرده ای جفا می کنند، و دردهای کوفتگان تو را اعلان می نمایند
۲۸. گناه بر گناه ایشان مزید کن، و در عدالت تو داخل نشوند
۲۹. از دفتر حیات محو شوند، و با صالحین مرقوم نگردند
۳۰. و اما من مسکین و دردمند هستم پس ای خدا. نجات تو من را سرافراز سازد
۳۱. و نام خدا را با سرود تسبیح خواهم خواند، و او را با حمد تعظیم خواهم نمود
۳۲. و این پسندیده خدا خواهد بود، بیش از گاو و گوساله ای که شاخ ها و سم ها دارد
۳۳. حلیمان این را دیده شادمان شوند، و ای طالبان خدا. دل شما زنده گردد
۳۴. زیرا خدا. اوند فقیران را مستجاب می کند، و اسیران خود را حقیر نمی شمارد
۳۵. آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند، آب ها نیز و آنچه در آنها می جنبد
۳۶. زیرا خدا. صیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهود را بنا خواهد نمود، تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند
۳۷. و ذریه بندگانش وارث آن خواهند شد، و آنانی که نام او را دوست دارند در آن ساکن خواهند گردید

مزمور هفتادم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید به جهت یادآوری
۲. خدا. ایا برای نجات من بشتاب، ای خدا. اوند به یاری من تعجیل فرما
۳. آنانی که قصد جان من را دارند خجل و شرمنده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند روبرگردانیده و رسوا

گردند

۴. و آنانی که هه هه می گویند، به سبب خجالت خویش رسوا خواهند شد
۵. و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی کنند، و دوست دارند گان نجات تو دائماً گویند خدا. متعال باد
۶. و اما من مسکین و فقیر هستم، خدا. ایا برای من تعجیل کن، تو مدد کار و رهاننده من هستی ای خدا. اوند تأخیر منما

مزمور هفتاد و یکم

۱. در تو ای خدا. اوند پناه برده ام، پس تا با ابد خجل نخواهم شد
۲. به عدالت خود من را خلاصی ده و برهان، گوش خود را به من فراگیر و من را نجات ده
۳. برای من صخره سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم، تو به نجات من امر فرموده ای، زیرا صخره و قلعه من تو هستی
۴. خدا. ایا من را از دست شریر برهان، و از کف بدکار و ظالم
۵. زیرا ای خدا. اوند تو امید من هستی، و از کودکی اعتماد من بوده ای
۶. از بطن (مادر) بر تو متکی بوده ام، از رحم مادرم تو من را خارج کرده ای، و تسبیح من دائماً درباره تو خواهد بود
۷. بسیاری را موجب تعجب شده ام، و تو پناه و نیروی من هستی
۸. دهانم تسبیح تو را می گوید، و از کبریایی تو تمامی روز
۹. در زمان پیری من را فراموش مکن، و چون قوتم تمام شود من را ترک منما
۱۰. زیرا دشمنانم بر (ضد) من حرف می زنند، و کمین کنندگان جانم با یکدیگر مشورت می کنند
۱۱. و می گویند خدا. او را ترک کرده است، پس او را تعاقب کرده بگیری زیرا که رهاننده ای نیست
۱۲. ای خدا. از من دور مشو، خدا. ایا به یاری من تعجیل نما
۱۳. دشمنان جانم خجل و فانی شوند، و آنانی که برای ضرر من می کوشند به عار و رسوایی مشهور می گردند
۱۴. و اما من دائماً امیدوار خواهم بود، و همواره بر تسبیح تو خواهم افزود
۱۵. زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و نجات را تمامی روز، زیرا که اندازه آن را نمی دانم
۱۶. در توانایی خدا. اوند خواهم آمد، و از عدالت تو همیشه خبر خواهم داد
۱۷. ای خدا. از کودکی من را تعلیم داده ای، و اینک عجایب تو را اعلان کرده ام
۱۸. پس ای خدا. من را تا زمان پیری و سفیدمویی نیز ترک مکن، تا این مردان را از (قدرت) بازوی تو خبر دهم، و جمیع آیندگان را از توانایی تو
۱۹. خدا. ایا عدالت تو تا عرش اعلی است، تو کارهای عظیم کرده ای خدا. ایا مانند تو کیست
۲۰. ای که تنگی های بسیار و سخت را به ما نشان داده ای، رجوع کرده باز ما را زنده خواهی ساخت، و برگشته ما را از عمق های زمین بلند خواهی کرد
۲۱. بزرگی من را مزید خواهی کرد، و برگشته من را تسلی خواهی بخشید

۲۲. پس من نیز تو را با بربط خواهم ستود، یعنی حقیقت تو را ای خدا. ای من، و تو را ای قدوس (بنی) اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود
۲۳. چون برای تو سرود می خوانم لب هایم بسیار شادی خواهند کرد، و جانم نیز که آن را فدیه داده ای
۲۴. زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر خواهد کرد، زیرا آنانی که برای ضرر من می کوشیدند خجل و رسوا گردیدند

مزمور هفتاد و دوم

۱. مزمور برای شلومو، ای خدا. انصاف خود را به پادشاه ده، و عدالت خویش را به پسر پادشاه
۲. و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را به انصاف
۳. آنگاه کوه ها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد، تپه ها نیز (همچنین) بخاطر عدالت (پادشاه)
۴. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد، و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد، و ظالمان را سرکوب خواهد ساخت
۵. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است، و مادامی که ماه هست تا همه دوران ها
۶. او مثل باران بر علف زار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارش هایی که زمین را سیراب می کند
۷. در زمان او صالحان خواهند شکفت، و وفور سلامتی خواهد بود مادامی که ماه نیست نگردد
۸. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان
۹. به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد، و دشمنان به خاک خواهند افتاد
۱۰. پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد، پادشاهان شبا و سبا ارمغان ها خواهند رسانید
۱۱. جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد، و جمیع امت ها او را بندگی خواهند نمود
۱۲. زیرا چون مسکین استغاثه کند او را رهایی خواهد داد، و فقری را که رهاننده ای ندارد (نجات می دهد)
۱۳. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود، و جان های مساکین را نجات خواهد بخشید
۱۴. جان های ایشان را از ظلم و ستم فدیه خواهد داد، و خون ایشان در نظر وی گران بها خواهد بود
۱۵. و او زنده خواهد ماند و از طلای شبا بدو خواهد داد، دائماً برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند
۱۶. و فراوانی غله در زمین بر قله کوه ها خواهد بود، که ثمره آن مثل لبنان خروش خواهد کرد، و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد
۱۷. نام او تا به ابد باقی خواهد ماند، اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد، آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست، و جمیع امت های زمین او را سعادت مند خواهند خواند
۱۸. متبارک باد خدا. او ند، خدا. که خدا. ای (بنی) اسرائیل است، که او فقط کارهای عجیب می کند
۱۹. و متبارک باد نام بلند مرتبه او تا به ابد، و تمامی زمین از جلال او پر بشود آمین و آمین
۲۰. دعا های داوید بن ییشی تمام شد

مزمور هفتاد و سوم

۱. مزمور آساف، هر آینه خدا برای (بنی) اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاک دل هستند
۲. و اما من نزدیک بود که پای هایم از راه منحرف شود، و نزدیک بود که قدم هایم بلغزد
۳. زیرا بر متکبران حسد بردم، چون سلامتی شریران را دیدم
۴. زیرا که (ظاهراً) در مرگ ایشان قیدها نیست، و قوت ایشان مستحکم به نظر می رسد
۵. مثل مردم در زحمت نیستند، و مثل آدمیان مبتلا نمی باشند
۶. بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است، و ظلم مثل لباس ایشان را می پوشاند
۷. چشمان ایشان از فربهی به در آمده است، و از خیالات دل خود تجاوز می کنند
۸. استهزاء می کنند و حرف های بد می زنند، و سخنان ظلم آمیز را با صدای بلند می گویند
۹. دهان خود را (برضد) آسمانها باز می کنند، و زبان ایشان همه گیر می شود
۱۰. پس قوم او بدین جا بر می گردند و آب های فراوان بدیشان نوشانیده می شود
۱۱. و ایشان می گویند خدا چگونه بداند، و آیا (خدا) متعال علم دارد
۱۲. اینک اینان شریر هستند، که همیشه مطمئن بوده در دولت مندی افزوده می شوند
۱۳. یقیناً من دل خود را بیهوده پاک پنداشته، و دست های خود را به پاکی شسته ام
۱۴. و من تمامی روز گرفتار می شوم، و مکافات من هر بامداد حاضر است
۱۵. اگر می گفتم که چنین سخن گویم، هر آینه بر نسل فرزندان تو خیانت می کردم
۱۶. چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد
۱۷. تا به قدسهای خدا داخل شدم، آنگاه در آخرت ایشان تأمل کردم
۱۸. هر آینه ایشان را در جای های لغزنده گذارده ای، ایشان را به خرابی ها خواهی انداخت
۱۹. چگونه در آنی به هلاکت رسیده اند، تباه شده از ترس های هولناک نیست گردیده اند
۲۰. مثل خواب کسی چون بیدار شد، ای خدا. اوند همچنین چون برخیزی صورت ایشان را ناچیز خواهی شمرد
۲۱. لیکن دل من تلخ شده بود، و در اندرون خود دل ریش شده بودم
۲۲. و من ابله بودم و معرفت نداشتم، و مثل بهایم نزد تو گردیدم
۲۳. ولی من دائماً با تو هستم، تو دست راست من را تأیید کرده ای
۲۴. موافق رای خود من را هدایت خواهی نمود، و بعد از این من را به جلال خواهی رساند
۲۵. کیست برای من در آسمان، و غیر از تو هیچ را در زمین نمی خواهم
۲۶. اگر چه جسم و دل من زائل گردد، لیکن بنیاد دلم و جوهر من خداست تا به ابد
۲۷. زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند شد، و آنانی را که از تو منحرف می شوند نابود خواهی ساخت
۲۸. و اما من را نیکوست که به خدا تقرب جویم، بر خدا، خدا. اوند توکل کرده ام، تا همه کارهای تو را بیان کنم

مزمور هفتاد و چهارم

۱. قصیده آساف، چرا ای خدا. ما را ترک کرده‌ای تا به ابد، و خشم تو بر گوسفندان مرتع خود افروخته شده است
۲. جماعت خود را که از قدیم خریده‌ای به یاد آور، و آن را که فدیه داده‌ای تا سبط میراث تو شود، و این کوه صیون را که در آن ساکن بوده‌ای
۳. قدم‌های خود را به سوی خرابه‌های ابدی بردار، زیرا دشمن هرچه را که در قدس تو بود خراب کرده است
۴. دشمنانت در میان وعده‌گاه تو غرش می‌کنند، و عَلم‌های خود را برای علامات برپا می‌نمایند
۵. و ظاهر می‌شوند چون کسانی که، تبرها را بر (شاخه‌های) درختان جنگل بلند می‌کنند
۶. و اینک همه نقش‌های تراشیده آن را، به تبرها و چکش‌ها خود می‌شکنند
۷. قدس‌های تو را آتش زده‌اند، و متجلی کننده نامت را بر زمین بی‌حرمت کرده‌اند
۸. و در دل خود می‌گویند آنها را تماما خراب می‌کنیم، پس جمیع کنیسه‌های خدا را در زمین سوزانیده‌اند
۹. آیات خود را نمی‌بینیم و دیگر هیچ نبی نیست، و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود
۱۰. ای خدا. دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد، و آیا خصم تا به ابد نام تو را اهانت خواهد نمود
۱۱. چرا دست (قدرت) خود یعنی یمین خویش را برگردانیده‌ای، آن را از گریبان خود بیرون کشیده، ایشان را فانی کن
۱۲. و خدا از قدیم پادشاه من است، او در میان زمین نجات‌ها پدید می‌آورد
۱۳. تو به قوت خود دریا را شکافتی، و سرهای نهنگان را در آب‌ها شکستی
۱۴. سرهای لویاتان را کوفته، و او را خوراک صحرائشینان گردانیده‌ای
۱۵. تو چشمه و رود را شکافتی، و نهرهای دایمی را خشک گردانیدی
۱۶. روز از آن تو است و شب نیز از آن تو، نور و آفتاب را تو برقرار نموده‌ای
۱۷. تمامی حدود جهان را تو پایدار ساخته‌ای، تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده‌ای
۱۸. ای خدا. اوند این را به یاد آور که دشمن ملامت می‌کند، و مردم جاهل نام تو را اهانت می‌نمایند
۱۹. جان فاخته خود را به جانور وحشی مسپار، جماعت مسکینان خود را تا به ابد فراموش مکن
۲۰. عهد خود را ملاحظه فرما، زیرا که ظلمات جهان از جهات ظلم پر است
۲۱. مظلومان به شرمندگی برنگردند، مساکین و فقیران نام تو را حمد گویند
۲۲. ای خدا. برخیز و قدرت خود را برپادار، و به یاد آور که احمق تمامی روز تو را ملامت می‌کند
۲۳. آواز دشمنان خود را فراموش مکن، و غوغای مخالفان خود را که پیوسته بلند می‌شود

مزمور هفتاد و پنجم

۱. برای سالار مغنیان برال تشخت، مزمور و سرود آساف
۲. تو را حمد می‌گوییم ای خدا. تو را حمد می‌گوییم زیرا نام تو نزدیک است، و مردم کارهای عجیب تو را ذکر می‌کنند

۳. هنگامی که به زمان معین برسم، به راستی داوری خواهم کرد
۴. زمین و جمیع ساکنانش گداخته شده‌اند، من ارکان آن را برقرار نموده‌ام سلاه
۵. متکبران را گفتم فخر مکنید، و به شیران که شاخ خود را می‌افزاید
۶. شاخ‌های خود را به بلندی می‌افزاید، و با گردن کشی سخنان تکبرآمیز مگویید
۷. زیرا نه از مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرافرازی می‌آید
۸. لیکن خداوند داور است، یکی را به زیر می‌اندازد و دیگری را سرافراز می‌نماید
۹. زیرا در دست خداوند کاسه‌ای است و باده آن پر جوش، از شراب ممزوج پر است که از آن می‌ریزد، و اما دُردهایش را جمیع شیران جهان افشردند نوشید
۱۰. و اما من تا به ابد ذکر خواهم کرد، و برای خداوند ای یعقوب ترنم خواهم نمود
۱۱. جمیع شاخ‌های شیران را خواهم برید، و اما شاخ‌های صالحین برافراشته خواهد شد

مزمور هفتاد و ششم

۱. برای سالار مغنیان بر نگینوت، مزمور و سرود آساف
۲. خدا در یهودا معروف است، و نام او در اسرائیل عظیم
۳. خیمه او است در شالم، و مسکن او در صیون
۴. در آنجا برق کمان‌ها را شکست، سپر و شمشیر جنگ را سلاه
۵. تو جلیل هستی و بلند مرتبه، زیاده از کوه‌های سرکش
۶. قوی دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان را در ربوده، و همه مردان زور آور دست خود را نیافتند
۷. از سرزنش تو ای خداوند ای یعقوب، بر عرابه‌ها و اسبان خوابی گران مستولی گردید
۸. تو مهیب هستی تو، و در حین غضبت کیست که به حضور تو بایستد
۹. از آسمان حکم داوری را اعلام کرده‌ای، پس جهان بترسید و ساکت گردید
۱۰. چون خدا برای داوری قیام فرماید، تا همه مساکین جهان را خلاصی بخشد سلاه
۱۱. آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت، و پس از آن خشم را بر کمر خود خواهی بست
۱۲. نذر کنید و وفا نمایید و برای خداوند خداوند خود، همه گرداگرد او هستند هدیه بگذارند نزد او که قدرتمند است
۱۳. روح قدرتمندان را منقطع خواهد ساخت، و برای پادشاهان جهان مهیب می‌باشد

مزمور هفتاد و هفتم

۱. برای سالار مغنیان بر یدوتون، مزمور آساف
۲. آواز من به سوی خداست و فریاد می‌کنم، آواز من به سوی خداست سمع خود را به من فرا خواهد گرفت
۳. در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم، در شب دست من (در دعا) دراز شده مستجاب نشد، و جان من تسلی

نپذیرفت

۴. خدا را یاد می‌کنم و پریشان می‌شوم، تفکر می‌نمایم و روح من از خود بی‌خود می‌گردد سلاه
۵. چشمانم را بیدار می‌داستی، بی‌تاب می‌شدم و سخن نمی‌توانستم گفت
۶. درباره‌ی ایام قدیم تفکر کرده‌ام، درباره‌ی سال‌های زمان‌های گذشته
۷. سرود شبانه‌ی خود را به خاطر می‌آورم، و در دل خود تفکر می‌کنم و روح من جستجو نموده است
۸. مگر خدا تا به ابد ترک خواهد کرد، و دیگر هرگز راضی نخواهد شد
۹. آیا رحمت او تا به ابد زایل شده است، و قول او باطل گردیده تا به ابد
۱۰. آیا خدا رأفت را فراموش کرده، و رحمت‌های خود را در غضب مسدود ساخته است سلاه
۱۱. پس گفتم این ضعف من است، (که حمایت) یمین (خداوند) متعال تغییر کرده است
۱۲. کارهای خداوند را ذکر خواهم نمود، زیرا کار شگفت‌انگیز تو را که از روز اول است به یاد خواهم آورد
۱۳. و در جمیع کارهای تو تأمل خواهم کرد، و در صنعت‌های تو تفکر خواهم نمود
۱۴. ای خدا طریق تو در قدوسیت است، کیست خدا ای بزرگ مثل خدا
۱۵. تو خدا ای هستی که کارهای عجیب می‌کنی، و قوت خویش را بر قوم‌ها معروف گردانیده‌ای
۱۶. قوم خود را به بازوی خویش رهانیده‌ای، یعنی بنی‌یعقوب و بنی‌یوسف را سلاه
۱۷. آب‌ها به نگاه تو ای خدا آب‌ها به نگاه تو متزلزل شدند، لجه‌ها نیز سخت مضطرب گردیدند
۱۸. ابرها آب باریدند و افلاک رعد نمودند، تیرهای تو نیز به هر طرف روان گردیدند
۱۹. صدای رعد تو در گردباد بود و برق‌ها ربع مسکون را روشن کردند، پس زمین مرتعش و متزلزل گردید
۲۰. طریق تو در دریاها است، و راه‌های تو در آب‌های فراوان و آثار تو را نتوان شناخت
۲۱. قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی نمودی، به دست موسی و هارون

مزمور هفتاد و هشتم

۱. قصیده آساف، ای قوم من شریعت من را بشنوید، گوش‌های خود را به سخنان دهانم فرا گیرید
۲. دهان خود را به مثل باز خواهم کرد، به چیزهایی که از بنای عالم معما بودند سخن خواهم گفت
۳. که آن‌ها را شنیده و دانسته‌ایم، و پدران ما برای ما بیان کرده‌اند
۴. از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم کرد، ستایش خداوند را برای نسل آینده بیان می‌کنیم، و قوت او و اعمال عجیبی را که او کرده است
۵. زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت و شریعتی در (بنی) اسرائیل قرار داد، و پدران ما را امر فرمود که آن‌ها را به فرزندان خود تعلیم دهند
۶. تا نسل آینده آن‌ها را بدانند و فرزندانی که می‌بایست متولد شوند، تا ایشان برخیزند و آن‌ها را به فرزندان خود بیان نمایند

۷. و ایشان به خدا توکل نمایند، و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند
۸. و مثل پدران خود نسلی گردن کش و فتنه انگیز نشوند، نسلی که دل خود را راست نساختند و روح ایشان به سوی خدا امین نبود
۹. بنی افرایم که مسلح و کمان کش بودند، در روز جنگ رو برتافتند
۱۰. عهد خدا را نگاه نداشتند، و از سلوک به شریعت او تمرد نمودند
۱۱. و اعمال و عجایب او را فراموش کردند، که آن‌ها را بدیشان ظاهر کرده بود
۱۲. و در نظر ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن
۱۳. دریا را شکافته ایشان را عبور داد، و آب‌ها را مثل توده برپا نمود
۱۴. و ایشان را در روز به ابر راهنمایی کرد، و تمامی شب به نور آتش
۱۵. در صحرا صخره‌ها را بشکافت، و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید
۱۶. پس سیل‌ها را از صخره بیرون آورد، و آب را مثل نهرها جاری ساخت
۱۷. و بار دیگر بر او گناه ورزیدند، و بر (خدا.اوند) متعال در صحرا فتنه انگیزتند
۱۸. و در دل‌های خود خدا را امتحان کردند، چون که برای شهوات خود غذا خواستند
۱۹. و بر ضد خدا تکلم کرده گفتند، آیا خدا می‌تواند در صحرا سفره‌ای ترتیب دهد
۲۰. اینک صخره را زد و آب‌ها روان شد، و وادی‌ها جاری گشت، آیا می‌تواند نان را نیز بدهد، و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد
۲۱. پس خدا این را شنیده غضبناک شد، و آتش در یعقوب افروخته گشت، و خشم بر (بنی) اسرائیل مشتعل گردید
۲۲. زیرا به خدا ایمان نیاوردند، و به نجات او اعتماد نمودند
۲۳. پس افلاک را از بالا امر فرمود، و درهای آسمان را گشود
۲۴. و مان را بر ایشان بارانید تا بخورند، و غله آسمان را به ایشان بخشید
۲۵. مردمان نان زورآوران را خوردند، و آذوقه‌ای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند
۲۶. باد شرقی را در آسمان وزانید، و به قوت خود باد جنوبی را آورد
۲۷. و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید، و مرغان بالدار را مثل ریگ دریا
۲۸. و آن را در میان اُردوی ایشان فرود آورد، گرداگرد مسکن‌های ایشان
۲۹. پس خوردند و نیکو سیر شدند، و موافق هوس‌های ایشان به ایشان داد
۳۰. ایشان از هوس خود دست نکشیدند، و غذا هنوز در دهان ایشان بود
۳۱. که غضب خدا بر ایشان افروخته شده، تنومندان ایشان را بگشت و جوانان (بنی) اسرائیل را هلاک ساخت
۳۲. با وجود این همه باز گناه ورزیدند، و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند
۳۳. بنابراین روزهای ایشان را در بطلت تمام کرد، و سال‌های ایشان را در ترس
۳۴. هنگامی که ایشان را گشت او را طلبدند، و باز گشت کرده درباره خدا تفحص نمودند

۳۵. و به یاد آوردند که خدا صخره ایشان، و خدای تعالی ولی ایشان است
۳۶. اما به دهان خود تملق نمودند، و به زمان خویش به او دروغ گفتند
۳۷. زیرا که دل ایشان با او راست نبود، و به عهد وی مؤمن نبودند
۳۸. اما او به حسب رحمانیتش گناه ایشان را عفو نموده ایشان را هلاک نساخت، بلکه بارها غضب خود را برگردانیده تمامی خشم خویش را برنینگیخت
۳۹. و به یاد آورد که ایشان بشر هستند، بادی که می رود و بر نمی گردد
۴۰. چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیزتند، و او را در بادیه رنجانیدند
۴۱. و برگشته خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند
۴۲. و قوت او را بخاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رها کرده بود
۴۳. که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت، و معجزات خود را در دیار صوعن
۴۴. و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود، و از رودهای ایشان تا نتوانستند نوشیدند
۴۵. انواع پشه ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند، و غوک هایی که ایشان را تباہ نمودند
۴۶. و محصول ایشان را به کرم صدپا سپرد، و دسترنج ایشان را به ملخ داد
۴۷. تاکستان ایشان را به تگرگ خراب کرد، و درختان جُمیز ایشان را به تگرگ های درشت
۴۸. بهایم ایشان را به تگرگ سپرد، و چهارپایان ایشان را به شعله های برق
۴۹. و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و کمبود را، به فرستادن فرشتگان شریر
۵۰. و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از مرگ نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به وبا تسلیم نمود
۵۱. و همه نخست زادگان مصر را گشت، موجبات قدرت ایشان را در خیمه های حام
۵۲. و قوم خود را مثل گوسفندان کوچانید، و ایشان را در صحرا مثل گله رهنمایی نمود
۵۳. و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا ترسند، و دریا دشمنان ایشان را پوشانید
۵۴. و ایشان را به حدود مقدس خود آورد، به این کوهی که به یمین خود تحصیل کرده بود
۵۵. و امت ها را از حضور ایشان راند، و میراث را برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد، و اسباط (بنی) اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید
۵۶. لیکن خدای تعالی را امتحان کرده بدو فتنه انگیزتند، و شهادت او را نگاه نداشتند
۵۷. و برگشته مثل پدران خود خیانت ورزیدند، و مثل کمان خطاکننده منحرف شدند
۵۸. و به مقام های بلند خود خشم او را به هیجان آوردند، و به بت های خویش غیرت او را برانگیختند
۵۹. چون خدا این را بشنید غضبناک گردید، و اسرائیل را به شدت مکروه داشت
۶۰. پس مسکن شیلو را ترک نمود، آن خیمه ای را که در میان آدمیان برپا ساخته بود
۶۱. و (تابوت) قوت خود را به اسیری داد، و جمال خویش را به دست دشمن سپرد
۶۲. و قوم خود را به شمشیر تسلیم نمود، و با میراث خود غضبناک گردید

۶۳. جوانان ایشان را در آتش سوزانید، و برای دوشیزگان ایشان سرود نکاح نخواند
۶۴. کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند، بیوه‌های ایشان نوحه‌گری نمودند
۶۵. آن‌گاه خداوند مثل کسی که خوابیده بود بیدار شد، مثل قدرتمندی که از (مستی) شراب درآید خروشید
۶۶. و دشمنان خود را به عقب راند، و ایشان را خجالت‌زده ابدی گردانید
۶۷. و خیمه یوسف را رد نموده، سبط افرایم را برنگزید
۶۸. لیکن سبط یهودا را برگزید، و این کوه صیون را که دوست می‌داشت
۶۹. و قدس خود را مثل کوه‌های بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا به ابد بنیاد نهاد
۷۰. و بنده خود داوید را برگزید، و او را از آغل‌های گوسفندان گرفت
۷۱. از عقب میش‌های شیرده او را آورد، تا قوم او یعقوب و میراث او (بنی) اسرائیل را رعایت کند
۷۲. پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود، و ایشان را به مهارت دست‌های خویش هدایت کرد

مزمور هفتاد و نهم

۱. مزمور آساف، ای خدا. امت‌ها به میراث تو داخل شده، محراب قدس تو را بی‌عصمت ساختند، اورشلیم را خرابه‌ها نمودند
۲. لاش‌های بندگانت را به مرغان هوا برای خوراک دادند، و گوشت مقدسانت را به وحوش صحرا
۳. خون ایشان را گرداگرد اورشلیم مثل آب ریختند، و کسی نبود که ایشان را دفن کند
۴. نزد همسایگان خود خوار گردیده‌ایم، و نزد مجاوران خویش استهزاء و مسخره شده‌ایم
۵. تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود، آیا غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد شد
۶. قهر خود را بر امت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز، و بر ممالکی که نام تو را نمی‌خوانند
۷. زیرا که یعقوب را از میان برده، و مسکن او را خراب کرده‌اند
۸. گناهان اجداد ما را بر ما به یاد میاور رحمت‌های تو بر ما پیشی جویند، زیرا بسیار ذلیل شده‌ایم
۹. ای خدا. ای نجات دهنده ما، بخاطر جلال نامت ما را یاری ده و خلاص کن و بخاطر نام خود گناهان ما را بیامرز
۱۰. چرا امت‌ها می‌گویند که خدا. ای ایشان کجاست، انتقام خون بندگانت که ریخته شده است، بر امت‌ها در نظرها معلوم شود
۱۱. ناله اسیران به حضور تو برسد، با عظمت بازوی خود آنانی را که به موت سپرده شده‌اند، برهان
۱۲. و جزای هفت چندان به همسایگان ما رسان، برای اهانتی که به تو کرده‌اند ای خداوند
۱۳. پس ما که قوم تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم گفت، و تسبیح تو را نسل بعد نسل ذکر خواهیم نمود

مزمور هشتادم

۱. برای سالار مغنیان، بر شوشنیم عدوت، مزمور آساف

۲. ای شبان (بنی) اسرائیل بشنو ای که یوسف را مثل گله رعایت می کنی، ای که بر کروبییم جلوس نموده ای تجلی فرما
۳. به حضور افرایم و بنیامین و منشه، توانایی خود را برانگیز و برای نجات ما بیا
۴. ای خدا ما را دریاب، عظمت خود نشان ده تا نجات یابیم
۵. ای خدا اوند خدا ای صوأت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک خواهی بود
۶. نان ماتم را به ایشان می خورانی، و اشک های بی اندازه به ایشان می نوشانی
۷. ما را محل منازعه همسایگان ما ساخته ای و دشمنان ما در میان خویش ما را استهزاء می نمایند
۸. ای خدا ای لشگرها ما را دریاب، و روی خوش نشان ده تا نجات یابیم
۹. موی را از مصر بیرون آوردی، امت ها را بیرون کرده آن را غرس نمودی
۱۰. پیش روی همه آن را وسعت دادی، پس ریشه خود را نیکو دوانیده زمین را پر ساخت
۱۱. کوه ها به سایه اش پوشانیده شد، و سرودهای آزاد خدا به شاخه هایش
۱۲. شاخه های خود را تا دریا پهن کرد، و اندام خویش را تا به نهر
۱۳. پس چرا دیوارهایش را شکسته ای، که هر راهگذری آن را می چیند
۱۴. گرازهای جنگل آن را ویران می کنند، و وحوش صحرا در آن می چرند
۱۵. ای خدا ای لشگرها مرحمت فرموده از آسمان نظر کن، و ببین و از این مُو تفقد نما
۱۶. و از این نهالی که یمین تو غرس شده است، و از آن فرزندی که برای خویشتن قوی ساخته ای
۱۷. مثل هیزم در آتش سوخته شده، و از عتاب روی تو تباه گردیده اند
۱۸. (کمک) دست تو بر مردی که در یمین تو است باشد، و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته ای
۱۹. و ما از تو رو نخواهیم تافت، ما را حیات بده تا نام تو را بخوانیم
۲۰. ای خدا اوند خدا ای لشگرها ما را دریاب، و روی خوش نشان ده تا نجات یابیم

مزمور هشتاد و یکم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت مزمور آساف
۲. ترنم نماید برای خدا ایی که قوت ماست، برای خدا ای یعقوب آواز شادمانی دهید
۳. سرود را بلند بخوانید و دف را بیاورید، و بربط دلنواز را با رباب بنوازید
۴. شوفار را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما
۵. زیرا که این فریضه ای است در (بنی) اسرائیل، و حکمی از خدا ای یعقوب
۶. این را همچو پیمانی در یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت، جایی که زبانی را که نفهمیده بودم شنیدم
۷. دوش او را از بار سنگین آزاد ساختم، و دست های او از سبدها شد
۸. در تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی دادم، در میان رعد تو را اجابت کردم و تو را نزد آب مریبا امتحان نمودم

سلاه

۹. ای قوم من بشنو و تو را تأکید می‌کنم، و ای (بنی) اسرائیل اگر به من گوش دهی
۱۰. در میان تو خدا ای غیر نباشد، و نزد خدا ای بیگانه سجده منما
۱۱. من خدا. اوند خدا. ای تو هستم که تو را از زمین مصر بر آوردم، دهان خود را به نیکویی باز کن و آن را پر از نیکویی
خواهم ساخت
۱۲. لیکن قوم من سخن من را نشنیدند، و (بنی) اسرائیل من را ابا نمودند
۱۳. پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم، که به مشورت‌های خود سلوک نمایند
۱۴. ای کاش که قوم من به من گوش می‌گرفتند، و (بنی) اسرائیل در طریق‌های من سالک می‌بودند
۱۵. آنگاه دشمنان ایشان را به زودی به زیر می‌انداختم، و دست خود را بر خصمان ایشان برمی‌گردانیم
۱۶. آنانی که از خدا. اوند نفرت دارند بدو گردن نمی‌نهادند، اما زمان بر ایشان باقی می‌بود تا به ابد
۱۷. ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد، و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم

مزمور هشتاد و دوم

۱. مزمور آساف، خدا. در جماعت خدا. ایستاده است، در میان داوران داوری می‌کند
۲. تا به کی به بی‌انصافی داوری خواهید کرد، و شیران را طرفداری خواهید نمود سلاه
۳. فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید، مظلومان و مسکینان را انصاف دهید
۴. مظلومان و فقیران را برهانید، و ایشان را از دست شیران خلاصی دهید
۵. نمی‌دانند و نمی‌فهمند و در تاریکی راه می‌روند، و جمیع اساس زمین متزلزل می‌باشد
۶. من گفتم که شما فرشتگانید، و جمیع شما اهل سماوات
۷. لیکن مثل آدمیان خواهید مرد، و چون یکی از سروران خواهید افتاد
۸. ای خدا. برخیز و جهان را داوری فرما، زیرا که تو تمامی امت‌ها را متصرف خواهی شد

مزمور هشتاد و سوم

۱. سرود و مزمور آساف
۲. ای خدا. تو را خاموشی نباشد، ای خدا. ساکت مباش و میارام
۳. زیرا اینک دشمنان می‌خروشدند، و آنانی که از تو نفرت دارند سر خود را برافراشته‌اند
۴. بر قوم تو حیل‌ها می‌اندیشند، و بر پناه آوردگان تو مشورت می‌کنند
۵. و می‌گویند بیاید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند، و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود
۶. زیرا به یک دل با هم مشورت می‌کنند، و بر ضد تو عهد بسته‌اند
۷. خیمه‌های اِدوم و اسامله و موآب و هجریان

۸. جبال و عَمُون و عَمَالِیق و پلشت با ساکنان صور
۹. آشور نیز با ایشان متفق شدند، و بازویی برای بنی لوط گردیدند سلاه
۱۰. بدیشان عمل نما چنان که به مدیان کردی، چنان که به سیسرا و یابین و در وادی قیشون
۱۱. که در عیندُور هلاک شدند، و سرگین برای زمین گردیدند
۱۲. سروران ایشان را مثل عُراب و ذُبب گردان، و جمیع امرای ایشان را مثل ذَبَح و صَلْمُنَاع
۱۳. که می گفتند مساکن خدا را، برای خویشان تصرف نمایم
۱۴. ای خدا ای من ایشان را چون غبار گردباد بساز، و مانند کاه پیش روی باد
۱۵. مثل آتشی که جنگل را می سوزاند، و مثل شعله ای که کوه ها را مشتعل می سازد
۱۶. همچنان ایشان را به تندباد خود بران، و به طوفان خویش ایشان را آشفته گردان
۱۷. روی های ایشان را به ذلت پُر کن، تا نام تو را ای خدا. اوند بطلبند
۱۸. خجل و پریشان بشوند تا به ابد، و شرمنده و هلاک گردند
۱۹. و بدانند تو که اسمت خدا. اوند می باشد، به تنهایی بر تمامی زمین متعال هستی

مزمور هشتاد و چهارم

۱. برای سالار مغنیان بر گیتیت، مزمور بنی قورح
۲. ای خدا ای صوآت چه دلپذیر است مسکن های تو
۳. جان من مشتاق بلکه کاهیده شده است برای صحن های خدا. اوند، دلم و جسمم برای خدا ای حی ناله می کند
۴. گنجشک نیز برای خود خانه ای پیدا کرده است، و پرستو برای خویشان آشیانه ای، تا بچه های خود را در آن بگذارد، در مذبح های تو ای خدا. اوند صوآت که پادشاه من و خدا ای من هستی
۵. خوشا به حال آنانی که در خانه تو ساکنند، که تو را دائماً تسبیح می خوانند سلاه
۶. خوشا به حال مردمانی که قوت ایشان در تو است، و طریق های تو در دل های ایشان
۷. چون از وادی بکا عبور می کنند آن را چشمه می سازند، و باران آن را به برکات می پوشاند
۸. از نیرویی به نیروی دیگر می خرامند، و هر یک از ایشان در صیون نزد خدا حاضر می شوند
۹. ای خدا. اوند خدا ای لشگرها دعای من را بشنو، ای خدا. ای یعقوب گوش خود را فراگیر سلاه
۱۰. ای خدا. ایی که سپر ما هستی ببین، و به روی ماشیح خود نظر انداز
۱۱. زیرا یک روز در صحن های تو بهتر است از هزار، (روز در جای دگر) و ایستادن بر آستانه خانه خدا ای خود را بیشتر می پسندم، از ساکن شدن در خیمه های اشرار
۱۲. زیرا که (لطف) خدا. اوند، خدا (چون) آفتاب و سپر است، خدا. اوند فیض و جلال خواهد داد، و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد، از آنانی که به راستی سالک باشند
۱۳. ای خدا. اوند صوآت، خوشا به حال کسی که بر تو توکل دارد

مزمور هشتاد و پنجم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور بنی قورح
۲. ای خدا. اوند به زمین خود راغب شده‌ای، اسیری یعقوب را باز آورده‌ای
۳. عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای، تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای سلاه
۴. تمامی غضب خود را برداشته، و از حدت خشم خویش باز گشته‌ای
۵. ای خدا. ای نجات ما، ما را برگردان و غیظ خود را از ما بردار
۶. آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود، و خشم خویش را نسل‌بعد نسل طول خواهی داد
۷. آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد، تا قوم تو در تو شادی نمایند
۸. ای خدا. اوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن، و نجات خویش را به ما عطا فرما
۹. آنچه خدا. اوند می گوید خواهیم شنید، زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی (سخن) خواهد گفت، تا به سوی جهالت برنگردند
۱۰. یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است، تا جلال او در زمین ما ساکن شود
۱۱. رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند، عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند
۱۲. راستی از زمین خواهد رویید، و عدالت از آسمان خواهد نگرست
۱۳. خدا. اوند نیز چیزهای نیکو را به ما خواهد بخشید، و زمین ما محصول خود را خواهد داد
۱۴. عدالت پیش روی او خواهد خرامید، و اقدام خود را در طریق (عدالت) قرار خواهد داد

مزمور هشتاد و ششم

۱. تفیلائی داوید، ای خدا. اوند سمع خود را فرا گرفته من را مستجاب فرما، زیرا مسکین و نیازمند هستم
۲. جان من را نگاه دار زیرا من متقی هستم، ای خدا. ای من بنده خود را که بر تو توکل دارد نجات بده
۳. ای خدا. اوند بر من گرم فرما، زیرا که تمامی روز تو را می خوانم
۴. جان بنده خود را شادمان گردان، زیرا ای خدا. اوند جان خود را متوجه تو می گردانم
۵. زیرا تو ای خدا. اوند نیکو و غفار هستی، و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می خوانند
۶. ای خدا. اوند دعای من را اجابت فرما، و به آواز تضرع من توجه نما
۷. در روز تنگی خود تو را خواهم خواند، زیرا که من را مستجاب خواهی فرمود
۸. ای خدا. اوند در میان فرشتگان مثل تو نیست، و کاری مثل کارهای تو، نی
۹. ای خدا. اوند همه امت‌هایی که آفریده‌ای، آمده به حضور تو سجده خواهند کرد، و نام تو را تمجید خواهند نمود
۱۰. زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می کنی، تو تنها خدا هستی
۱۱. ای خدا. اوند طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم، دل من را یکسان ساز تا از نام تو ترسان باشم

۱۲. ای خدا. اوند خدا. ای من تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت، و نام تو را تمجید خواهم کرد تا به ابد
۱۳. زیرا که رحمت تو به من عظیم است، و جان من را از گور اسفل رهانیده‌ای
۱۴. ای خدا. متکبران بر من برخاسته‌اند، و گروهی از ظالمان قصد جان من دارند، و تو را در مدنظر خود نمی‌آورند
۱۵. و تو ای خدا. اوند خدا. ای رحیم و کریم هستی، دیر غضب و پُر از رحمت و راستی
۱۶. به سوی من التفات کن و بر من کرم فرما، قوت خود را به بنده‌ات بده و پسر کنیز خود را نجات بخش
۱۷. علامت خوبی را به من بنما، تا آنانی که از من نفرت دارند آن را دیده خجل شوند، زیرا که تو ای خدا. اوند من را یاری کرده و تسلی داده‌ای

مزمور هشتاد و هفتم

۱. مزمور و سرود بنی قورح، اساس او در کوه‌های مقدس است
۲. خدا. اوند دروازه‌های صیون را دوست می‌دارد، بیشتر از جمیع مسکن‌های یعقوب
۳. سخن‌های بلند مرتبه درباره‌ تو گفته می‌شود، ای شهر خدا. سلاه
۴. (موحدین) رَهَب و بابل را به شناسندگان خود ذکر می‌کنم، اینک این (خدا. پرستان) پلشت و صور و حبش (نیز گویی)، در آنجا متولد شده‌اند
۵. و درباره‌ صیون گفته شد، که این و آن در آن متولد شده‌اند، و خود (خدا. اوند) متعال آن را استوار خواهد نمود
۶. خدا. اوند چون امت‌ها را می‌نویسد ثبت خواهد کرد، که این (موحد) در آنجا متولد شده است سلاه
۷. مغنیان و رقص‌کنندگان نیز (می‌گویند)، جمیع چشمه‌های (حیات) من در تو است

مزمور هشتاد و هشتم

۱. سرود و مزمور بنی قورح برای سالار مغنیان بر مَحَلَّتْ لَعْنُوت، قصیده هیمان اِزراحی
۲. ای خدا. اوند خدا. ای نجات من، شب و روز نزد تو فریاد کرده‌ام
۳. دعای من به حضور تو برسد، به ناله من گوش خود را فراگیر
۴. زیرا که جان من از بلایا پر شده است، و زندگانیم به قبر نزدیک گردیده
۵. از فرو روندگان به گور شمرده شده‌ام، و مثل مرد ناتوان گشته‌ام
۶. در میان مردگان آزاد شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد، و از دست تو منقطع شده‌اند
۷. من را در گور اسفل گذاشته‌ای، در ظلمت در ژرفی‌ها
۸. خشم تو بر من سنگین شده است، و به همه امواج خود من را مبتلا ساخته‌ای سلاه
۹. آشنایانم را از من دور کرده، و من را مکروه ایشان گردانیده‌ای، محبوس شده بیرون نمی‌توانم آمد
۱۰. چشمانم از مذلت کاهیده شد، ای خدا. اوند نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز، دست‌های خود را به سوی تو دراز کرده‌ام

۱۱. آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی کرد، مگر مردگان برخاسته تو را حمد خواهند گفت سلاه
۱۲. آیا رحمت تو در قبر برقرار خواهد شد، و امانت تو در هلاکت
۱۳. آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام می‌شود، و عدالت تو در زمین فراموشی
۱۴. و اما من نزد تو ای خدا. اوند فریاد بر آورده‌ام، و بامدادان دعای من در پیش تو می‌آید
۱۵. ای خدا. اوند چرا جان من را ترک کرده، و روی خود را از من پنهان نموده‌ای
۱۶. من مستمندم و از طفولیت مشرف بر موت شده‌ام، ترس‌های تو را متحمل شده متحیر گردیده‌ام
۱۷. حدت خشم تو بر من گذشته است، و خوف‌های تو من را هلاک ساخته
۱۸. مثل آب دور من را گرفته است تمامی روز، و من را از هر سو احاطه نموده
۱۹. یاران و دوستان را از من دور کرده‌ای، و آشنایانم را (گویی) در تاریکی (نهاده‌ای)

مزمور هشتاد و نهم

۱. قصیده ایتان ازراحی
۲. رحمت‌های خدا. اوند را تا به ابد خواهم سراپید، امانت تو را به دهان خود نسلاً بعد نسل اعلام خواهم کرد
۳. زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا به ابد، و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی ساخت
۴. با برگزیده خود عهد بسته‌ام، برای بنده خویش داوید قسم خورده‌ام
۵. که ذریت تو را پایدار خواهم ساخت تا به ابد، و تخت تو را نسلاً بعد نسل بنا خواهم نمود سلاه
۶. و آسمان‌ها کارهای عجیب تو را ای خدا. اوند تمجید خواهند کرد، و امانت تو را در جماعت مقدسان
۷. زیرا کیست در آسمان‌ها که با خدا. اوند برابری تواند کرد، و از فرشتگان که را با خدا. اوند تشبیه توان نمود
۸. خدا. بی‌نهایت ارجمند است در جماعت مقدسان، و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند
۹. ای خدا. اوند خدا. ای لشگرها، کیست ای خدا. ای قدیر مانند تو، و امانت تو تو را احاطه می‌کند
۱۰. بر طغیان دریا تو مسلط هستی، چون امواجش بلند می‌شود آن‌ها را ساکن می‌گردانی
۱۱. ره‌ب را مثل گشته شده خورد شکسته‌ای، به بازوی زور آور خویش دشمنانت را پراکنده نموده‌ای
۱۲. آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو، ربع مسکون و پُری آن را تو بنیاد نهاده‌ای
۱۳. شمال و جنوب را تو آفریده‌ای، تا بور و حرمون به نام تو شادی می‌کنند
۱۴. بازوی تو با قوت است، دست تو زور آور است و یمین تو متعال
۱۵. عدالت و انصاف اساس تخت تو است، رحمت و راستی پیش روی تو می‌خرامند
۱۶. خوشا به حال قومی که آواز شادمانی را می‌دانند، در نور روی تو ای خدا. اوند خواهند خرامید
۱۷. در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز، و در عدالت تو سرافراشته خواهند گردید
۱۸. زیرا که فخر قوت ایشان تو هستی، و به رضامندی تو شاخ ما مرتفع خواهد شد
۱۹. زیرا که سپر ما از آن خدا. اوند است، و پادشاه ما از آن قدوس (بنی) اسرائیل

۲۰. آنگاه در عالم رویا به پارسایان خود خطاب کرده گفتم، که نصرت را بر مردی زور آور نهادم، و برگزیده‌ای از قوم را ممتاز کردم
۲۱. بنده خود داوید را یافتم، و او را به روغن مقدس خود تقدس نمودم
۲۲. که دست من با او استوار خواهد شد، بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید
۲۳. دشمنی بر او ستم نخواهد کرد، و هیچ ظالمی به او اذیت نخواهد رسانید
۲۴. و خصمان او را پیش روی وی خواهم کوبید، و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا خواهم گردانید
۲۵. و امانت و رحمت من با وی خواهد بود، و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد
۲۶. دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت، و دست راست او را بر نهرها
۲۷. او من را خواهد خواند که تو پدر من هستی، خدا.ای من و صخره نجات من
۲۸. من نیز او را نخست‌زاده خود خواهم ساخت بلندتر از پادشاهان جهان
۲۹. رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت تا به ابد، و عهد من با او استوار خواهد بود
۳۰. و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا به ابد، و تخت او را مثل روزهای آسمان
۳۱. اگر فرزندانش شریعت من را ترک کنند، و در احکام من سلوک نمایند
۳۲. اگر فرایض من را بشکنند، و اوامر من را نگاه ندارند
۳۳. آنگاه معصیت ایشان را به عصا تأدیب خواهم نمود، و گناه ایشان را به ضربت‌ها
۳۴. لیکن رحمت خود را از او برنخواهم داشت، و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت
۳۵. عهد خود را نخواهم شکست، و آنچه را اعلام کرده‌ام تغییر نخواهم داد
۳۶. یک چیز را به قدوسیت خود قسم خوردم، و به داوید هرگز دروغ نخواهم گفت
۳۷. که ذریت او باقی خواهد بود تا به ابد، و تخت او به حضور من مثل آفتاب
۳۸. مثل ماه ثابت خواهد بود تا به ابد، و مثل شاهد امین در آسمان سلاه
۳۹. لیکن تو ترک کرده‌ای و دور انداخته‌ای، و با ماشیح خود غضبناک شده‌ای
۴۰. عهد بنده خود را باطل ساخته‌ای، و تاج او را بر زمین انداخته بی عصمت کرده‌ای
۴۱. جمیع حصارهایش را شکسته، قلعه‌های او را خراب نموده‌ای
۴۲. همه راه‌گذران او را تاراج می‌کنند، و او نزد همسایگان خود ناچیز گردیده است
۴۳. دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را مسرور ساخته
۴۴. دم شمشیر او نیز برگردانیده‌ای، و او را در جنگ پایدار نساخته‌ای
۴۵. جلال او را باطل ساخته، تخت او را به زمین انداخته‌ای
۴۶. ایام شبابش را کوتاه کرده، او را به خجالت پوشانیده‌ای سلاه
۴۷. تا به کی ای خدا.اوند خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد، و غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد
۴۸. به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است، چرا تمامی بنی‌آدم را برای بطلت آفریده‌ای

۴۹. کدام آدمی زنده است که مرگ را نخواهد دید، و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت سلاه
۵۰. ای خدا. اوند رحمت‌های قدیم تو کجا است، که برای داوید به امانت خود قسم خوردی
۵۱. ای خدا. اوند ملامت بندگان خود را به یاد آور، که آن را قوم‌های بسیار در سینه خود متحمل می‌باشم
۵۲. که دشمنان تو ای خدا. اوند ملامت کرده‌اند، یعنی آثار ماشیح تو را ملامت نموده‌اند
۵۳. خدا. اوند متبارک باد تا به ابد، آمین و آمین

مزمور نودم

۱. تفیلائی موسی مرد خدا، ای خدا. اوند پناه ما تو بوده‌ای، و در جمیع نسل‌ها
۲. قبل از آن که کوه‌ها به وجود آید، و زمین و ربع مسکون را بیافرینی، از ازل تا به ابد تو خدا هستی
۳. انسان را به خاک برمی‌گردانی، و می‌گویی ای بنی آدم باز گردید
۴. زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد، و مثل پاسی از شب
۵. مثل سیلاب ایشان را رفته‌ای و مثل خواب شده‌اند، بامدادان مثل گیاهی که می‌روید
۶. بامدادان شکفته می‌شود و می‌روید، شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود
۷. زیرا که در غضب تو کاهیده می‌شویم، و در خشم تو پریشان می‌گردیم
۸. چون که گناهان ما را در نظر خود گذارده‌ای، و پنهان کاری‌های ما را در نور روی خویش
۹. زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد، و سال‌های خود را مثل خیالی به سر برده‌ایم
۱۰. ایام عمر ما هفتاد سال است، و اگر بُنیه (قوی باشد) هشتاد سال است، لیکن فخر آن‌ها محنت و بطالت است، زیرا به زودی تمام شده پرواز می‌کنیم
۱۱. کیست که شدت خشم تو را می‌داند، و غضب تو را چنان که از تو می‌باید ترسید
۱۲. ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم، تا در دل خردمندی را حاصل نماییم
۱۳. عنایت کن ای خدا. اوند تا به کی، و بر بندگان خود شفقت فرما
۱۴. صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن، تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نماییم
۱۵. ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما را مبتلا ساختی، (موافق) سالهایی که به بدی را دیده‌ایم
۱۶. اعمال تو بر بندگان ظاهر بشود، و کبریایی تو بر فرزندان ایشان
۱۷. جمال خدا. اوند خدا. ای ما بر ما روشن باد، و عمل دست‌های ما را بر ما استوار ساز، عمل دست‌های ما را استوار گردان

مزمور نود و یکم

۱. آن که در پناه (خدا. اوند) متعال نشسته است، زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود
۲. درباره خدا. اوند می‌گوییم که او ملجا و قلعه من است، خدا. ای من که بر او توکل دارم
۳. زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید، و زیر بال‌هایش پناه خواهی گرفت، راستی او تو را پناه و سپر خواهد بود

۴. از خوفی در شب نخواهی ترسید، و نه از تیری که در روز می‌پرد
۵. و نه از وبایی که در تاریکی گذر می‌کند، و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند
۶. و نه از وبایی که در تاریکی گذر می‌کند، و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند
۷. هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد، و ده‌هزار به دست راست تو، لیکن نزد تو نخواهد رسید
۸. فقط به چشمان خود خواهی نگریست، و مکافات شیرین را خواهی دید
۹. زیرا گفתי تو ای خدا. اوند ملجای من هستی، و (خدا. اوند) متعال را مأوای خویش گردانیده‌ای
۱۰. هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد، و بلایی نزد خیمه تو نخواهد رسید
۱۱. زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود، تا در تمامی راه‌های تو را حفظ نمایند
۱۲. تو را بر دست‌های خود بر خواهند داشت، مبدا پای خود را به سنگ بزنی
۱۳. بر شیر و افعی پای خواهی نهاد، شیربچه و اژدها را پایمال خواهی کرد
۱۴. چون که به من توجه دارد او را خواهیم رها کنید، و چون که به اسم من عارف است او را سرافراز خواهیم ساخت
۱۵. چون من را خواند او را اجابت خواهیم کرد، من در تنگی با او خواهیم بود، و او را نجات داده عزیز خواهیم ساخت
۱۶. به طول ایام او را سیر می‌گردانم، و نجات خویش را بدو نشان خواهیم داد

مزمور نود و دوم

۱. مزمور و سرود برای روز شبات
۲. خدا. اوند را حمد گفتن نیکو است، و به نام تو تسبیح خواندن ای (خدا. اوند) متعال
۳. بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن، و در هر شب امانت تو را
۴. بر ذات ده تار و بر رباب، و به نغمه بربط
۵. زیرا که ای خدا. اوند من را به کارهای خودت شادمان ساخته‌ای، و به سبب اعمال دست‌های تو ترنم خواهم نمود
۶. ای خدا. اوند اعمال تو چه عظیم است، و فکرهای تو بی‌نهایت عمیق
۷. مرد نادان این را نمی‌داند، و جاهل در این تأمل نمی‌کند
۸. وقتی که شیرین مثل علف می‌رویند، و جمیع بدکاران می‌شکفند، برای این است که تا ابد هلاک گردند
۹. لیکن تو ای خدا. اوند بر اعلی‌علین هستی، تا به ابد
۱۰. زیرا اینک دشمنان تو ای خدا. اوند، هان دشمنان تو هلاک خواهند شد، و جمیع بدکاران پراکنده خواهند شد
۱۱. و اما شاخ من را مثل شاخ گاو وحشی بلند کرده‌ای و به روغن تازه مسح شده‌ام
۱۲. و چشم من بر دشمنانم خواهد نگریست، و گوش‌های من (شکست) شیرینی را که با من ستیز می‌کنند خواهد شنید
۱۳. عادل مثل درخت خرما خواهد شکفت، و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد
۱۴. آنانی که در خانه خدا. اوند کاشته شده‌اند، در صحن‌های (خانه) خدا. ای ما خواهند شکفت
۱۵. در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد، و تر و تازه و سرسبز خواهند بود

۱۶. تا اعلام کنند که خد.اوند حقیقت است، او صخره من است و در وی هیچ بی انصافی نیست

مزمور نود و سوم

۱. خد.اوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است، خد.اوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است، ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و لغزش نخواهد خورد
۲. تخت تو از ازل پایدار شده است، و تو از قدیم هستی
۳. ای خد.اوند سیلاب‌ها برافراشته‌اند، سیلاب‌ها آواز خود را سر داده‌اند، سیلاب‌ها خروش خود را می‌خوانند
۴. فوق آواز آب‌های بسیار، فوق امواج زور آور دریا، خد.اوند در اعلی‌اعلیین زور آورتر است
۵. شهادت تو بی‌نهایت امین است، ای خد.اوند قدوسیت خانه تو را می‌زیبد تا به ابد

مزمور نود و چهارم

۱. ای خد.اوند خد.ای انتقام گیرنده، ای خد.ای انتقام گیرنده تجلی فرما
۲. ای داور جهان متعال شو، و بر متکبران مکافات برسان
۳. ای خد.اوند تا به کی شریران فخر خواهند نمود
۴. حرف‌ها می‌زنند و سخنان تکبر آمیز می‌گویند، جمیع بدکاران لاف می‌زنند
۵. ای خد.اوند قوم تو را می‌کوبند، و میراث تو را ذلیل می‌سازند
۶. بیوه‌زنان و غریبان را می‌کشند، و یتیمان را به قتل می‌رسانند
۷. و می‌گویند خد.اوند نمی‌بیند، و خد.ای یعقوب ملاحظه نمی‌نماید
۸. ای احمقان قوم بفهمید، و ای ابلهان کی تعقل خواهید نمود
۹. او که گوش را به وجود آورد آیا نمی‌شنود، او که چشم را ساخت آیا نمی‌بیند
۱۰. او که امت‌ها را تأدیب می‌کند آیا توییح نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می‌آموزد
۱۱. خد.اوند فکرای انسان را می‌داند، که محض بطالت است
۱۲. ای خد.اوند خوشا به حال شخصی که او را تأدیب می‌نمایی، و از شریعت خود او را تعلیم می‌دهی
۱۳. تا او را از روزهای بلا رهایی بخشی، مادامی که کور برای شریران کنده شود
۱۴. زیرا خد.اوند قوم خود را رد نخواهد کرد، و میراث خویش را ترک نخواهد نمود
۱۵. زیرا که داوری به انصاف رجوع خواهد کرد، و همه پاک‌دلان پیروی آن را خواهند نمود
۱۶. کیست که برای من با شریران مقاومت خواهد کرد، و کیست که با بدکاران مقابله خواهد نمود
۱۷. اگر خد.اوند مددکار من نمی‌بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن می‌شد
۱۸. چون گفتم که پای من می‌لغزد، پس رحمت تو ای خد.اوند من را تأیید نمود
۱۹. در کثرت اندیشه‌های دل من، تسلی‌های تو جانم را آسایش بخشید

۲۰. آیا اصل شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع می کند
۲۱. بر جان مرد صدیق با هم متحد می شوند، و بر خون بی گناه فتوی می دهند
۲۲. لیکن خد.اوند برای من قلعه‌ای بلند است، و خد.ایم صخره‌ای ملجای من است
۲۳. و گناه ایشان را بر ایشان برمی گرداند، و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت، خد.اوند خد.ای ما ایشان را فانی خواهد نمود

مزمور نود و پنجم

۱. بیایید خد.اوند را بسرائیم، و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم
۲. حضور او را با حمد استقبال کنیم، و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم
۳. زیرا که خد.اوند خد.ای بزرگ است
۴. و پادشاه عظیم بر جمیع فرشتگان
۵. نشیب‌های زمین در دست وی است، و فرازهای کوه‌ها از آن او
۶. دریا از آن اوست او آن را بساخت، و دست‌های وی خشکی را مصور نمود
۷. بیایید عبادت و سجده نماییم، و به حضور آفریننده خود خد.اوند زانو زنیم
۸. زیرا که او خد.ای ما است، و ما قوم مرتع و گله دست او می‌باشیم، امروز کاش آواز او را می‌شنیدید
۹. دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا مانند یوم‌مسا در صحرا
۱۰. چون اجداد شما من را آزمودند، و تجربه کردند و اعمال من را دیدند
۱۱. چهل سال از قوم محزون بودم گفتم، قوم گمراه‌دل هستند که طرق من را نشناختند
۱۲. پس در غضب خود قسم خوردم، که به محل آرام من داخل نخواهند شد

مزمور نود و ششم

۱. خد.اوند را سرود تازه بسرایید، ای تمامی زمین خد.اوند را بسرایید
۲. خد.اوند را بسرایید و نام او را متبارک خوانید، روز به روز نجات او را اعلام نمایید
۳. در میان امت‌ها جلال او را ذکر کنید، و کارهای عجیب او را در جمیع قوم‌ها
۴. زیرا خد.اوند عظیم است و بی‌نهایت حمید، و او مسلط است بر جمیع فرشتگان
۵. زیرا جمیع خدایان امت‌ها بت‌هایند لیکن خد.اوند آسمان‌ها را آفرید
۶. مجد و جلال در وجود وی است، و قوت و جمال در قدس وی
۷. ای قبائل قوم‌ها خد.اوند را حمد نمایید، خد.اوند را به جلال و قوت حمد نمایید
۸. خد.اوند را به جلال اسم او حمد نمایید، هدیه بیاورید و پیشگاه او بیایید
۹. خد.اوند را در زینت قدوسیت پرستید، هدیه بیاورید و پیشگاه او بیایید

۱۰. در میان امت‌ها گویند خد. اوند سلطنت گرفته است، ربع مسکون نیز پایدار شد و لغزش نخواهد خورد، قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود
۱۱. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و نعمات آن غرش نماید
۱۲. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید، آن‌گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود
۱۳. به حضور خد. اوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، و قوم‌ها را به امانت خود

مزمور نود و هفتم

۱. خد. اوند سلطنت گرفته است پس زمین شادی کند، و جزایر بسیاری شادمانی کنند
۲. ابرها و تاریکی بی‌انتهای گرداگرد اوست. عدل و انصاف قاعده تخت اوست
۳. آتش پیشاپیش او می‌رود، و دشمنان او را به اطرافش می‌سوزاند
۴. برق‌هایش ربع مسکون را روشن می‌سازد، زمین این را بدید و بلرزید
۵. کوه‌ها از حضور خد. اوند مثل موم گداخته می‌شود، از حضور خد. اوند تمامی جهان
۶. آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند، و جمیع قوم‌ها جلال او را می‌بینند
۷. همه پرستندگان بت‌های تراشیده خجل می‌شوند، که به بت‌های فخر می‌نمایند، ای جمیع فرشتگان او را پرستید
۸. صیون شنید و شادمان شد و دختران یهودا مسرور گردیدند، ای خد. اوند به سبب داوری‌های تو
۹. زیرا که تو ای خد. اوند بر تمامی روی زمین متعال هستی، بر جمیع قدرت‌ها بسیار اعلی هستی
۱۰. ای شما که خد. اوند را دوست می‌دارید از بدی نفرت کنید، او حافظ جان‌های مقدسان خود است، ایشان را از دست شیران می‌رهاند
۱۱. نور برای عادلان موجود شده است، و شادمانی برای راست‌دلان
۱۲. ای عادلان در خد. اوند شادمان باشید، و ذکر قدوسیت او را حمد بگویید

مزمور نود و هشتم

۱. مزمور برای خد. اوند، سرود تازه بسرایید زیرا کارهای عجیب کرده است، یمین و بازوی قدوس او، او را پیروز ساخته است
۲. خد. اوند نجات خود را اعلام نموده، و عدالتش را به نظر امت‌ها مکشوف کرده است
۳. رحمت و امانت خود را با خاندان (بنی) اسرائیل به یاد آورد، همه اقصای زمین نجات خد. ای ما را دیده‌اند
۴. ای تمامی زمین خد. اوند را آواز شادمانی دهید، بانگ زیند و ترنم نمایید و بسرایید
۵. خد. اوند را با بربط بسرایید، با بربط و با آواز نغمات
۶. با کرناها و آواز شوفار، به حضور خد. اوند پادشاه، آواز شادمانی دهید

۷. دریا و نعمات آن بخروشد، ربع مسکون و ساکنان آن
۸. نهرها دستک بزنند، و کوهها با هم ترنم نمایند
۹. به حضور خداوند زیرا به داوری جهان می آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به راستی

مزمور نود و نهم

۱. خداوند سلطنت گرفته است پس قومها بلرزند، بر گروبیان جلوس می فرماید، زمین متزلزل گردد
۲. خداوند در صیون عظیم است، و او بر جمیع قومها متعادل است
۳. اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که او قدوس است
۴. و قوت (از آن) پادشاه انصاف (است که) دوست می دارد، تو راستی را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده ای
۵. خداوند خدا ای ما را تکریم نمایید، و نزد قدم گاه او عبادت کنید، که او قدوس است
۶. موسی و هارون از کاهنانش و شموئیل از خوانندگان نام او، خداوند را خواندند و او ایشان را اجابت فرمود
۷. در ستون ابر بدیشان سخن گفت، شهادت او و فرضیه ای را که بدیشان داد نگاه داشتند
۸. ای خداوند خدا ای ما تو ایشان را اجابت فرمودی، ایشان را خدا ای غفور بودی، اما از اعمال (بد) ایشان انتقام کشیدی
۹. خداوند خدا ای ما را متعادل بخوانید، و نزد کوه مقدس او عبادت کنید، زیرا خداوند خدا ای ما قدوس است

مزمور صدم

۱. ای تمام روی زمین، خداوند را آواز شادمانی (سر) دهید
۲. خداوند را با شادی عبادت نمایید، و به حضور او با ترنم بیایید
۳. بدانید که خداوند خدا است او ما را آفرید، ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او
۴. به دروازه های او با حمد بیایید، و به صحت های او با تسبیح، او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید
۵. زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی، و امانت وی تا به ابد

مزمور صد و یکم

۱. مزمور داوید، رحمت و انصاف را خواهیم سراپدید، نزد تو ای خداوند تسبیح خواهیم خواند
۲. در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهیم نمود، نزد من کی خواهد آمد، در خانه خود با دل سلیم سالک خواهیم شد
۳. بدی را پیش نظر خود نخواهم گذاشت، کار گمراهان را مکروه می دارم به من نخواهد رسید
۴. دل گمراه از من دور خواهد شد، شخص شریر را نخواهم شناخت
۵. کسی را که پنهانی به همسایه خود غیبت گوید هلاک خواهد کرد، کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد

۶. چشمانم بر امنای زمین است تا با من ساکن شوند، کسی که به طریق کامل سالک باشد خادم من خواهد بود
۷. حیلہ گر در خانۀ من ساکن نخواهد شد، دروغ گو پیش نظر من نخواهد ماند
۸. همه شریران زمین را صبحگاهان هلاک خواهم کرد، تا جمیع بدکاران را از شهر خد.اوند منقطع سازم

مزمور صد و دوم

۱. دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده ناله خود را به حضور خد.اوند می آورد
۲. ای خد.اوند دعای من را بشنو، و فریاد من نزد تو برسد
۳. در روز تنگیم روی خود را از من مپوشان، گوش خود را به من فراگیر، و روزی که تو را بخوانم من را به زودی اجابت فرما
۴. زیرا روزهایم مثل دود تلف شدند، و استخوانهایم مثل هیزم خشک گردیدند
۵. دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است، زیرا خوردن غذای خود را فراموش می کنم
۶. به سبب آواز ناله خود استخوانهایم به گوشت من چسبیده است
۷. مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابه ها گردیده ام
۸. پاسبانی می کنم و مثل گنجشک، بر پشت بام تنها گشته ام
۹. تمامی روز دشمنانم من را سرزنش می کنند، و آنانی که بر من دیوانه شده اند من را لعنت می نمایند
۱۰. زیرا خاکستر را مثل نان خورده ام، و مشروب خود را با اشک آمیخته ام
۱۱. به سبب غضب و خشم تو، زیرا که من را برافراشته و به زیر افکنده ای
۱۲. روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده، و من مثل گیاه پژمرده شده ام
۱۳. لیکن تو ای خد.اوند جلوس فرموده ای تا به ابد، و ذکر تو تا جمیع نسل ها است
۱۴. تو برخاسته بر صیون ترحم خواهی نمود، زیرا وقتی است که بر او رأفت کنی و زمان معین رسیده است
۱۵. چون که بندگان تو در سنگ های وی رغبت دارند، و بر خاک او شفقت می نمایند
۱۶. پس امت ها از نام خد.اوند خواهند ترسید، و جمیع پادشاهان جهان از کبریاپی تو
۱۷. زیرا خد.اوند صیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است
۱۸. به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است
۱۹. این برای نسل آینده نوشته می شود، تا قومی که آفریده خواهند شد خد.اوند را تسبیح بخوانند
۲۰. زیرا که از بلندی قدس خود نگریسته، خد.اوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است
۲۱. تا ناله اسیران را بشنود، و آنانی را که (در معرض) موت قرار گرفته اند را آزاد نماید
۲۲. تا نام خد.اوند را در صیون ذکر نمایند، و تسبیح او را در اورشلیم
۲۳. هنگامی که قوم ها با هم جمع شوند، و ممالک نیز تا خد.اوند را عبادت نمایند
۲۴. توانایی من را در راه ناتوان ساخت، و روزهای من را کوتاه گردانید

۲۵. گفتم ای خدا ای من، من را در نصف روزهایم محو نکن، سالهای تو، جمیع نسلها است
۲۶. از قدیم بنیاد زمین را نهادی، و آسمان عمل دستهای تو است
۲۷. آنها فانی می‌شوند لیکن باقی هستی، و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهند شد، و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد
۲۸. لیکن تو همان هستی، و سالهای تو تمام نخواهد گردید
۲۹. فرزندان بندگان باقی خواهند ماند، و ذریت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود

مزمور صد و سوم

۱. مزمور داوید، ای جان من، خداوند را متبارک بخوان، و هرچه در درون من است نام قدوس او را متبارک می‌خواند
۲. ای جان من خداوند را متبارک بخوان، و جمیع احسانهای او را فراموش مکن
۳. که تمام گناهان تو را می‌آمرزد، و همهٔ مرضهای تو را شفا می‌بخشد
۴. که حیات تو را از گور فدیه می‌دهد، و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد
۵. که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند، تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود
۶. خداوند عدالت را به جا می‌آورد، و انصاف را برای جمیع مظلومان
۷. طریقهای خویش را به موسی تعلی داد، و عملهای خود را به بنی اسرائیل
۸. خداوند رحمان و کریم است، دیر خشم و بسیار رحیم
۹. تا به ابد بازخواست نخواهد نمود، و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت
۱۰. با ما موافق گناهان ما عمل نموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است
۱۱. زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگان عظیم است
۱۲. به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است
۱۳. چنان که پدر بر فرزندان خود رؤوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت می‌نماید
۱۴. زیرا سرشت ما را می‌داند، و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم
۱۵. و اما انسان، ایام او مثل گیاه است، مثل گل صحرا همچنان می‌شکفتد
۱۶. زیرا که باد بر آن می‌وزد و نابود می‌گردد، و مکانش دیگر آن را نمی‌شناسد
۱۷. لیکن رحمت خداوند بر ترسندگان از ازل تا به ابد است، و عدالت او بر فرزندان فرزندان
۱۸. بر آنانی که عهد او را حفظ می‌کنند، و فرایض او را یاد می‌دارند تا آنها را به جا آورند
۱۹. خداوند تخت خود را بر آسمانها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است
۲۰. خداوند را متبارک خوانید ای فرشتگان او، که در قوت زور می‌آورید و کلام او را به جا می‌آورید، و آواز کلام او را گوش می‌گیرید
۲۱. ای جمیع لشگرهای او خداوند را متبارک خوانید، و ای خادمان او که ارادهٔ او را به جا می‌آورید

۲۲. ای همه کارهای خداوند، او را متبارک خوانید، در همه مکان‌های سلطنت او، ای جان من خداوند را متبارک بخوان

مزمور صد و چهارم

۱. ای جان من خداوند را متبارک بخوان، ای خداوند خدا، ای من تو بی‌نهایت عظیم هستی به عزت و جلال آراسته می باشی
۲. خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده‌ای، آسمان‌ها را مثل پرده پهن ساخته‌ای
۳. آن که نشانه‌های خود را بر آب‌ها بنا کرده است، و ابرها را مرکب خود نموده و بر بال‌های باد می‌خرامد
۴. فرشتگان خود را بادها می‌گرداند، و خادمان خود را آتش مشتعل
۵. که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا لغزش نخورد تا به ابد
۶. آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آب‌ها بر کوه‌ها ایستاده‌اند
۷. از عتاب تو می‌گریزند، از آواز رعد تو پراکنده می‌شوند
۸. به فراز کوه‌ها برمی‌آیند و به جلگه‌ها فرود می‌آیند، به مکانی که برای آن‌ها مهیا ساخته‌ای
۹. حدی برای آن‌ها قرار داده‌ای که از آن نگذرند، و برنگردند تا زمین را ببوشانند
۱۰. که چشمه‌ها را در وادی‌ها جاری می‌سازد، تا در میان کوه‌ها روان بشوند
۱۱. تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازند، تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند
۱۲. بر آن‌ها مرغان هوا ساکن می‌شوند، و از میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند
۱۳. او از نشانه‌های خود کوه‌ها را سیراب می‌کند، و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود
۱۴. نباتات را برای بهایم می‌رویند، و سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می‌آورد
۱۵. و شراب را که دل انسان را شادمان می‌کند، و چهره او را به روغن شاداب می‌سازد، و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند
۱۶. درختان خداوند شاداب‌اند، یعنی سرودهای آزاد لبنان که کاشته شده است
۱۷. که در آن‌ها مرغان آشیان‌های خود را می‌گیرند، و اما صنوبر خانه لک‌لک می‌باشد
۱۸. کوه‌های بلند برای بزهای کوهی، و صحرا برای یربوع پناهگاه است
۱۹. ماه را برای موسم‌ها ساخت، و آفتاب غروب‌گاه خود را می‌داند
۲۰. تاریکی می‌سازی و شب می‌شود، که در آن همه حیوانات جنگلی راه می‌روند
۲۱. شیربچگان برای شکار خود غرش می‌کنند، و خوراک خویش را از خدا می‌جویند
۲۲. چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند، و در بیشه‌های خود می‌خوابند
۲۳. انسان برای کار خود بیرون می‌آید، و به جهت شغل خویش تا شامگاه
۲۴. ای خداوند اعمال تو چه بسیار است، جمیع آنها را به حکمت کرده‌ای زمین از دولت تو پر است
۲۵. و آن دریای بزرگ و وسیع‌الاطراف نیز، که در آن جنبندگان از حد شماره زیاده‌اند و حیوانات کوچک و بزرگ

۲۶. و در آن کشتی‌ها راه می‌روند، و آن لویاتان که به جهت بازی کردن (او) را در آن آفریده‌ای
۲۷. جمیع این‌ها از تو انتظار می‌کشند، تا خوراک آن‌ها را در وقتش برسانی
۲۸. آن‌چه را که به آن‌ها می‌دهی برمی‌چینند، دست خود را باز می‌کنی پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند
۲۹. روی خود را می‌پوشانی پس نگران می‌شوند، روح آن‌ها را آن‌ها را قبض می‌کنی پس می‌میرند و به خاک برمی‌گردند
۳۰. چون روح خود را می‌فرستی آفریده می‌شوند، و روی زمین را تازه می‌گردانی
۳۱. جلال خد. اوند تا به ابد است، خد. اوند از اعمال خود راضی خواهد بود
۳۲. که به زمین نگاه می‌کند و آن می‌لرزد، کوه‌ها را لمس می‌کند پس آتش فشان می‌شوند
۳۳. خد. اوند را خواهم سرایید تا زنده می‌باشم، برای خد. ای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم
۳۴. گفتار من او را خوش آید، و من در خد. اوند شادمان خواهم بود
۳۵. گناهکاران از زمین تمام می‌شوند، و شیرین دیگر یافت نشوند، ای جان من خد. اوند را متبارک بخوان هَلِّلُوْا

مزمور صد و پنجم

۱. خد. اوند را حمد گوئید، و نام او را بخوانید، اعمال او را در میان قوم‌ها اعلام نمایید
۲. او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید، و در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید
۳. در نام قدوس او فخر کنید دل طالبان خد. اوند شادمان باشد
۴. خد. اوند و قوت او را طلب کنید، روی او را پیوسته طالب باشید
۵. کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید، آیات او و داوری‌های امر او را
۶. ای ذریت بنده او ابراهیم، ای فرزندان یعقوب برگزیده او
۷. خد. اوند خد. ای ماست، داوری‌های او در تمامی جهان است
۸. عهد خود را یاد می‌دارد تا به ابد، و کلامی را که بر هزاران نسل فرموده است
۹. آن عهدی را که با ابراهیم بسته، و قسمی را که برای اسحق خورده است
۱۰. و آن را برای یعقوب فریضه‌ای استوار ساخت، و برای (بنی) اسرائیل عهد جاودانی
۱۱. و گفت که زمین کنعان را به تو خواهم داد، تا حصه میراث شما شود
۱۲. هنگامی که تعداد کمی بودند، قلیل العدد و غریب در آن‌جا
۱۳. و از امتی تا امتی سرگردان بودند، و از یک مملکت تا قوم دیگر
۱۴. او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود
۱۵. که بر ماشیح‌های من دست مگذارید، و انبیای من را زیان نرسانید
۱۶. پس قحطی را بر آن زمین خواند، و تمامی برکت نان را شکست
۱۷. و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی می‌فروختند

۱۸. پای‌های وی را به زنجیر آزرده کردند، و جان او در آهن بسته شد
۱۹. تا وقتی که سخن او واقع شد، و کلام خداوند او را امتحان نمود
۲۰. آنگاه پادشاه فرستاده بندهای او را گشاد، و سلطان قوم‌ها او را آزاد ساخت
۲۱. او را بر خانه خود حاکم قرار داد، و مختار بر تمام مایملک خویش
۲۲. تا به اراده خود سروران او را بند نماید، و مشایخ او را حکمت آموزد
۲۳. پس (بنی) اسرائیل به مصر درآمدند، و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت
۲۴. و او قوم خود را بارور گردانید، و ایشان را از دشمنان ایشان قوی‌تر ساخت
۲۵. لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند، و بر بندگان وی حيله نمایند
۲۶. بنده خود موسی را فرستاد، و هارون را که برگزیده بود
۲۷. کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند، و عجایب او را در زمین حام
۲۸. ظلمت را فرستاد که تاریک گردید، پس به کلام او مخالفت نورزیدند
۲۹. آب‌های ایشان را به خون مبدل ساخت، و ماهیان ایشان را هلاک نمود
۳۰. زمین ایشان غوک‌ها را به ازدحام پیدا نمود، حتی در حرم‌های پادشاهان ایشان
۳۱. تگرگ را به عوض باران بارانید، و آتش مشتعل را در زمین ایشان
۳۲. موها و انجیرهای ایشان را خشک کرد، و درختان محدوده ایشان
۳۳. موها و انجیرهای ایشان را خشک کرد، و درختان محدوده ایشان را بشکست
۳۴. او گفت و ملخ پدید آمد و کرم‌ها از حد شماره افزون
۳۵. و هر سبزه را در زمین ایشان بخوردند، و میوه‌های زمین ایشان را خوردند
۳۶. و جمیع نخست‌زادگان را در زمین ایشان زد، آنگاه تمامی قوت ایشان را
۳۷. و ایشان را با طلا و نقره بیرون آورد، که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود
۳۸. مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند، زیرا که خوف ایشان بر آن‌ها مستولی گردیده بود
۳۹. ابری برای پوشش گسترانید، و آتشی که شامگاه روشنایی دهد
۴۰. سؤال کردند پس سلاو برای ایشان فرستاد، و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید
۴۱. صخره را بشکافت و آب جاری شد، در جای‌های خشک مثل نهر روان گردید
۴۲. زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد، و بنده خویش ابراهیم را
۴۳. و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد، و برگزیدگان خویش را با ترنم
۴۴. و زمین‌های امت‌ها را بدیشان داد، و دسترنج قوم‌ها را وارث شدند
۴۵. تا آن که فرایض او را نگاه دارند، و شریعت او را حفظ نمایند هَلَلویاه

مزمور صد و ششم

۱. هَلَلویاه خداوند را حمد بگویید، زیرا که او نیکو است و رحمت او تا به ابد

۲. کیست که اعمال عظیم خد.اوند را بگوید، و همه تسیحات او را بازگو نماید
۳. خوشا به حال آنانی که انصاف را نگاه دارند، و آن که عدالت را در همه وقت به عمل آورد
۴. ای خد.اوند من را یاد کن به رضامندی که با قوم خود می داری، و به نجات خود از من تفقد نما
۵. تا سعادت برگزیدگان تو را بینم، و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و به میراث تو فخر نمایم
۶. با پدران خود گناه نموده ایم، و عصیان ورزیده شرارت کرده ایم
۷. پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نبردند، بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم فتنه برانگیختند
۸. لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد، تا توانایی خود را اعلان نماید
۹. و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید، پس ایشان را در لجه‌ها مثل بیابان رهبری فرمود
۱۰. و ایشان را از دست دشمن نجات داد، و از دست خصم رهایی بخشید
۱۱. و آب دشمنان ایشان را پوشانید، که یکی از ایشان باقی نماند
۱۲. آن گاه به کلام او ایمان آوردند، و حمد او را سراییدند
۱۳. لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند، و مشورت او را انتظار نکشیدند
۱۴. بلکه شهوت پرستی نمودند در همه جا، و خد.ا را امتحان کردند در هامون
۱۵. و مسئلت ایشان را بدیشان داد، لیکن لاغری در جان‌های ایشان فرستاد
۱۶. پس به موسی درخیمه او حسد بردند و به هارون مقدس خد.اوند
۱۷. و زمین شکافته شده داتان را فرو برد، و جماعت ابیرام را پوشانید
۱۸. و آتش در جماعت ایشان افروخته شده، شعله آتش شیران را سوزانید
۱۹. گوساله‌ای در حوریب ساختند، و بتی ریخته شده را پرستش نمودند
۲۰. و جلال خود را تبدیل نمودند، به شکل گاوی که علف می خورد
۲۱. و خد.ای نجات دهنده خود را فراموش کردند، که کارهای عظیم در مصر کرده بود
۲۲. و اعمال بزرگ را در زمین حام، و کاهای ترسناک را در بحر قلزم
۲۳. آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند، اگر برگزیده او موسی در شکاف به حضور وی نمی ایستاد، تا غضب او را از هلاکت ایشان برگرداند
۲۴. و زمین مرغوب را خوار شمردند، و به کلام وی ایمان نیاوردند
۲۵. و در خیمه‌های خود همه‌همه کردند، و قول خد.اوند را استماع ننمودند
۲۶. پس دست خود را بر ایشان برافراشت، که ایشان را در زمین‌ها پراکنده کند
۲۷. و ذریت ایشان را در میان امت‌ها بیندازد، و ایشان را در زمین‌ها پراکنده کند
۲۸. پس به بعل پُور پیوستند، و قربانی‌های مردگان را خوردند
۲۹. و به کارهای خود خشم او را به هیجان آوردند، و وبا بر ایشان سخت آمد

۳۰. آنگاه فینحاس بر پا ایستاده داوری نمود، و وبا متوقف شد
۳۱. و این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلأ بعد نسل تا به ابد
۳۲. و او را نزد آب مریبا خشمناک نمودند، حتی موسی را به خاطر ایشان پریشان گردید
۳۳. زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لب‌های خود سخن (سخت) گفت
۳۴. و آن قوم‌ها را هلاک نکردند، که دربارهٔ ایشان خداوند امر فرموده بود
۳۵. بلکه خویشان را با امت‌ها آمیختند، و کارهای ایشان را آموختند
۳۶. و بت‌های ایشان را پرستش نمودند، تا آن‌که (بت‌ها) برای ایشان دام گردیدند
۳۷. و پسران و دختران خویش را، برای دیوها قربانی گذرانیدند
۳۸. و خون بی‌گناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را، که آن را برای بت‌های کنعان ذبح کردند، و زمین از خون ملوث گردید
۳۹. و از کارهای خود نجس شدند و در افعال خویش منحرف گردیدند
۴۰. پس خشم خداوند بر قوم خود افروخته شد، و میراث خویش را مکروه داشت
۴۱. و ایشان را به دست امت‌ها تسلیم نمود، تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند بر ایشان حکمرانی کردند
۴۲. و دشمنان ایشان بر ایشان مسلط شدند، و زیر دست ایشان تسلیم گردیدند
۴۳. چندین بار ایشان را خلاصی داد، لیکن به مشورت‌های خویش بر او تمرد کردند، و به سبب گناه خویش خوار گردیدند
۴۴. با وجود این بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید
۴۵. و به خاطر ایشان عهد خود را به یاد آورد، و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود
۴۶. و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان
۴۷. ای خداوند خدا. ای ما ما را نجات ده، و ما را از میان امت‌ها جمع کن، تا نام قدوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نمایم
۴۸. خداوند خدا. ای (بنی) اسرائیل متبارک باد از ازل تا به ابد، و تمامی قوم بگویند آمین هَلِّلُوْا

مزمور صد و هفتم

۱. خداوند را حمد بگوئید زیرا که او نیکو است، و رحمت او باقیست تا به ابد
۲. فدیة شدگان خداوند این را بگویند، که ایشان را از دست دشمن فدیة داده است
۳. و ایشان را از شهرها جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و از (جزایر) دریا
۴. در صحرا آواره شدند و در بادی ای بی‌انتهای، و شهری برای سکونت نیافتند
۵. گرسنه و تشنه نیز شدند، جان ایشان در ایشان ضعف نمود
۶. آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید

۷. و ایشان را به راه راست رهبری نمود، تا به شهری مسکون درآمدند
۸. پس خد.اوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند، و به سبب کارهای عجیب وی با بنی آدم
۹. زیرا که جان آرزومند را سیر گردانید، و جان نیازمند را از چیزهای نیکو پر ساخت
۱۰. آنانی که در تاریکی و سایه مرگ نشسته بودند، که در تباهی و (زنجیر) آهنی بسته شده بودند
۱۱. زیرا به کلام خد.ا مخالفت نمودند، و به نصیحت (خد.اوند) متعال اهانت کردند
۱۲. و او دل ایشان را به مشقت تسلیم ساخت، لغزیدند و مددکننده‌ای نبود
۱۳. آنگاه در تنگی خود نزد خد.اوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۱۴. ایشان را از تاریکی و سایه مرگ بیرون آورد، و بندهای ایشان را بگسست
۱۵. پس خد.اوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند، و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم
۱۶. زیرا که دروازه‌های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است
۱۷. احمقان به سبب طریق شیرانه خود، و به سبب گناهان خویش خود را ذلیل ساختند
۱۸. جان ایشان هرگونه خوراک را مکروه داشت، و به دروازه‌های مرگ نزدیک شدند
۱۹. آنگاه در تنگی خود نزد خد.اوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۲۰. کلام خود را فرستاده ایشان را شفا بخشید، و ایشان را از هلاکت‌های ایشان رهانید
۲۱. پس خد.اوند را به سبب رحمتش حمد نمایند، و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم
۲۲. و قربانی‌های تشکر را بگذرانند، و اعمال وی را به ترنم دگر کنند
۲۳. آنانی که در کشتی‌ها به دریا رفتند، و در آب‌های فراوان کار کردند
۲۴. اینان کارهای خد.اوند را دیدند، و اعمال عجیب او را در لجه‌ها
۲۵. او گفت، پس باد تند را وزانید و امواج آن را برافراشت
۲۶. به آسمان‌ها بالا رفتند و به لجه‌ها فرود شدند، و جان ایشان از سختی گذاخته گردید
۲۷. سرگردان گشته مثل مستان افتان و خیزان شدند، و عقل ایشان تماماً حیران گردید
۲۸. آنگاه در تنگی خود نزد خد.اوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌های ایشان رهایی بخشید
۲۹. طوفان را به آرامی ساکت ساخت، که موج‌هایش ساکن گردید
۳۰. پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند، و ایشان را به بندر مراد ایشان رسانید
۳۱. پس خد.اوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند، و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم
۳۲. و او را در مجمع قوم متعال بخوانند، و در مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند
۳۳. او نهرها را به بادیه مبدل کرد، و چشمه‌های آب را به زمین تشنه
۳۴. و زمین بارور را نیز به شوره‌زار، به سبب شرارت ساکنان آن
۳۵. بادیه را به دریاچه آب مبدل کرد، و زمین خشک را به چشمه‌های آب
۳۶. و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند

۳۷. و مزرعه‌ها کاشتند و تاکستان‌ها غرس نمودند، و حاصل غله به عمل آوردند
۳۸. و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند، و بهایم ایشان را نگذارد کم شوند
۳۹. و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن
۴۰. ذلت را بر بزرگان می‌ریزد، و ایشان را در بادیه‌ای که راه ندارد آواره می‌سازد
۴۱. اما مسکین را از مشقت برمی‌افزاید، و قبیله‌ها را مثل گله‌ها (افزون) می‌سازد
۴۲. صالحان این را دیده شادمان می‌شوند، و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست
۴۳. کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید، که ایشان رحمت‌های خداوند را خواهند فهمید

مزمور صد و هشتم

۱. سرود و مزمور داوید
۲. ای خدا دل من مستحکم است، من می‌خواهم سرایید و ترنم خواهم نمود و جلال من نیز
۳. ای عود و بربط بیدار شوید، من نیز صبحگاهان (را) بیدار خواهم نمود
۴. ای خداوند تو را در میان قوم‌ها حمد خواهم گفت، و در میان طایفه‌ها تو را خواهم سرایید
۵. زیرا که رحمت تو فراوان است فوق آسمان‌ها، و راستی تو تا افلاک می‌رسد
۶. ای خدا بر فوق آسمان‌ها متعال باش، و جلال تو بر تمامی زمین (باشد)
۷. تا محبوبان تو خلاصی یابند، به قدرت یمین خود نجات ده و من را اجابت فرما
۸. خدا در قدوسیت خود سخن گفته است پس وجد خواهم نمود، شخم را تقسیم می‌کنم و وادی «سوگت» را خواهم پیمود
۹. جلعاد از آن من است و منسی از آن من، و افرائیم خود سر من و یهودا عصای سلطنت من
۱۰. موآب ظرف شست‌وشوی من است، و بر اِدوم نعلین خود را خواهم انداخت، و بر پلشت فخر خواهم نمود
۱۱. کیست که من را به شهر حصین درآورد، کیست که من را به اِدوم رهبری نماید
۱۲. آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای، و تو ای خدا که با لشگرهای ما بیرون نمی‌آیی
۱۳. ما را از دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است
۱۴. با (کمک) خدا با شجاعت کار خواهیم کرد، و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود

مزمور صد و نهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید، ای خدا ای تسبیح من خاموش مباش
۲. زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشوده‌اند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته‌اند
۳. به زبان کینه من را احاطه کرده‌اند، و بی‌سبب با من جنگ نموده‌اند
۴. به عوض محبت من با من شیطنت می‌ورزند، و اما من به دعا (متوسلم)

۵. و به عوض نیکوئی به من بدی کرده‌اند، و به عوض محبت عداوت نموده (اند)
۶. مردی شریر را بر او بگمار، و دشمن به قدرت یمین او بایستد
۷. هنگامی که در محاکمه بیاید خطاکار بیرون آید، و دعای او گناه (محسوب) شود
۸. ایام عمرش کم باشند، و منصب او را دیگری ضبط نماید
۹. فرزندان او یتیم بشوند، و زوجه وی بیوه گردد
۱۰. و فرزندان او آواره شده بکنند، و از خرابه‌های خود (نان) را بجویند
۱۱. طلبکار تمامی مایملک او را با تله (ضبط) نماید، و اجنبیان دسترنج او را تاراج کنند
۱۲. کسی نباشد که بر او رحمت کند، و بر یتیمان وی احدی رأفت ننماید
۱۳. ذریت وی منقطع کردند، و در دوره بعد نام ایشان محو شود
۱۴. عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود، و گناه مادرش محو نگردد
۱۵. و آنها در مدّ نظر خداوند دائماً بمانند، تا نشانه‌های ایشان را از زمین ببرد
۱۶. زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاورد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد، و بر شکسته‌دل تا او را به قتل رساند
۱۷. چون که لعنت را دوست می‌داشت بدو رسیده، و چون که برکت را نمی‌خواست از او دور شده است
۱۸. و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت، و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوان‌های وی
۱۹. پس مثل جامه‌ای که او را می‌پوشاند، و چون کمربندی که به آن همیشه بسته خواهد بود
۲۰. این است دستمزد مخالفانم از جانب خداوند، و برای آنانی که بر جان من بدی می‌گویند
۲۱. اما تو ای خدا، خداوند به خاطر نام خود با من عمل نما، چون که رحمت تو نیکوست من را خلاصی ده
۲۲. زیرا که من فقیر و مسکین هستم، و دل من در اندرونم مجروح است
۲۳. مثل سایه‌ای که در زوال باشد رفته‌ام، و مثل ملخ رانده شده‌ام
۲۴. زانوهام از روزه داشتن می‌لرزد، و گوشتم از فربهی کاهیده می‌شود
۲۵. و من نزد ایشان خوار گردیده‌ام، و چون من را می‌بینند سر خود را می‌جنبانند
۲۶. ای خداوند، خدا ای من من را یاری فرما، و به حسب رحمت خود من را نجات ده
۲۷. تا بدانند که این است قدرت تو، و تو ای خداوند این را کرده‌ای
۲۸. ایشان لعنت بکنند اما تو برکت بده، ایشان برخیزند و خجل گردند، و اما بنده تو شادمان شود
۲۹. جفا کنندگانم به رسوایی شناخته شوند، و خجالت خویش را مثل ردا بپوشند
۳۰. خداوند را به زبان خود بسیار حمد خواهم کرد، و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت
۳۱. زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد، تا او را از آنانی که بر (ضد) جان او فتوی می‌دهند برهاند

مزمور صد و دهم

۱. زمموری برای داوید، کلام خداوند درباره آقا، به یمین من بنشین، تا دشمنانت را به پای تو اندازم

۲. خد. اوند عصای قوت تو را از صیون خواهد فرستاد، در میان دشمنان خود حکمرانی کن
۳. قوم تو در روز (تجمع) سپاهیان (برای جنگ) با شکوهی قدسی داوطلب شد. (مثل زمان) خارج شدن از رحم در (طراوت) شبنم طفولیت
۴. خد. اوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد، که تو کاهن هستی تا به ابد، به رتبهٔ ملکِ صَدَق
۵. خد. اوند که (یاری دهنده) به دست راست تو است، در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد
۶. در میان امت‌ها داورى خواهد کرد، (صحنه جنگ را) از لاش‌ها انباشته خواهد ساخت، و سر آنها را در زمین پهناور خواهد کوبید
۷. از نهر سرراه خواهد نوشید، بنابراین سر خود را بر خواهد افراشت

مزمور صد و یازدهم

۱. هَلِّلُویا خد. اوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت
۲. کارهای خد. اوند عظیم است، و کسانی که به آنها رغبت دارند در آنها تحقیق می‌کنند
۳. کار او جلال و کبریایی است، و عدالت وی پایدار تا به ابد
۴. یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است، خد. اوند کریم و رحیم است
۵. ترسندگان خود را رزقی نیکو داده است، عید خویش را ب یاد خواهد داشت تا به ابد
۶. قدرت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است، تا میراث امت‌ها را بدیشان عطا فرماید
۷. کارهای دست‌های راستی و انصاف است، و جمیع فرایض وی معتبرند
۸. آن‌ها پایدارند تا به ابد، در حقیقت و راستی استوار گشته‌اند
۹. فدیة‌ای برای قوم خود فرستاد، و عهد خویش را تا به ابد امر فرمود، نام او قدوس و مهیب است
۱۰. ترس خد. اوند ابتدای حکمت است، همهٔ عاملین آن‌ها را خردمندی نیکو است، حمد او پایدار است تا به ابد

مزمور صد و دوازدهم

۱. هَلِّلُویا خوشا به حال کسی که از خد. اوند می‌ترسد، و در وصایای او بسیار رغبت دارد
۲. ذریتش در زمین توانا خواهند بود، طبقهٔ راستان مبارک خواهند شد
۳. توانگری و دولت در خانهٔ او خواهد بود، و عدالتش تا به ابد پایدار است
۴. نور برای راستان در تاریکی طلوع می‌کند، او کریم و رحیم و عادل اس
۵. فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد، او کارهای خود را به انصاف استوار می‌دارد
۶. زیرا که تا به ابد لغزش نخواهد خورد، مرد عادل تا به ابد در یادها خواهد ماند
۷. از خَبَرِ بد نخواهد ترسید، دل او پایدار است و بر خد. اوند توکل دارد
۸. دل او استوار است و خواهد ترسید، تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند

۹. بذل نموده به فقرا بخشیده است عدالتش تا به ابد پایدار است، شاخ او با عزت افراشته خواهد شد
۱۰. شریر این را دیده غضبناک خواهد شد، دندان‌های خود را فشرده گذاخته خواهد گشت، آرزوی شیرین زایل خواهد گردید

مزمور صدور سیزدهم

۱. هَلِّلویا ای بندگان خد. اوند تسبیح بخوانید، نام خد. اوند را تسبیح بخوانید
۲. نام خد. اوند متبارک باد، از حال و تا به ابد
۳. از طلوع آفتاب تا مغرب آن، نام خد. اوند تسبیح خوانده شود
۴. خد. اوند بر جمیع امت‌ها متعال است، و جلال وی فوق آسمان‌ها
۵. کیست مانند خد. اوند خد. ای ما، که بر اعلیٰ علین نشسته است
۶. و متواضع می‌شود تا نظر نماید، و بر آسمان‌ها و بر زمین
۷. که مسکین را از خاک برمی‌دارد، و فقیر را از مزبله برمی‌افزارد
۸. تا او را با بزرگان بنشانند، یعنی با بزرگان قوم خویش
۹. زن نازا را خانه‌نشین می‌سازد، و مادر فرحناک فرزندان هَلِّلویا

مزمور صد و چهاردهم

۱. وقتی که (بنی) اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خاندان یعقوب از قوم اجنبی زبان
۲. یهودا مقدس او بود، و زمین مقدس محل سلطنت وی
۳. دریا این را بدید و گریخت، و اردن به عقب برگشت
۴. کوه‌ها مثل قوچ‌ها به جستن درآمدند، و تل‌ها مثل بره‌های گله
۵. ای دریا تو را چه شد که گریختی، و ای اردن که به عقب برگشتی
۶. ای کوه‌ها که مثل قوچ‌ها به جستن درآمدید، و ای تل‌ها که مثل بره‌های گله
۷. ای زمین از حضور خد. اوند متزلزل شو، و از حضور خد. ای یعقوب
۸. که صخره را دریاچه‌ای آب گردانید، و سنگ خارا را چشمه‌ای آب

مزمور صد و پانزدهم

۱. ما را نه خد. اوند، ما را نه بلکه خود را جلال ده، به سبب رحمت و به سبب راستی خویش
۲. امت‌ها چرا بگویند، که خد. ای ایشان الان کجاست
۳. اما خد. ای ما در آسمان‌هاست، آنچه را که اراده نمود به عمل آورده است
۴. بت‌های ایشان نقره و طلاست، از صنعت دست‌های انسان

۵. آن‌ها را دهان است و سخن نمی‌گویند، آن‌ها را چشم‌ها است و نمی‌بینند
۶. آن‌ها را گوش‌هاست و نمی‌شنوند، آن‌ها را بینی است و نمی‌بویند
۷. دست‌ها دارند و لمس نمی‌کنند، و پای‌ها و راه نمی‌روند، و به گلوی خود سخن نمی‌گویند
۸. سازندگان آن‌ها مثل آن‌ها هستند، و هر که بر آن‌ها توکل دارد
۹. ای (بنی) اسرائیل بر خدا. اوند توکل نما، او یاری‌دهنده و سپر ایشان است
۱۰. ای خاندان هارون بر خدا. اوند توکل نمایند، او همراه و سپر ایشان است
۱۱. ای ترسندگان خدا. اوند بر خدا. اوند توکل نمایند، او همراه و سپر ایشان است
۱۲. خدا. اوند ما را به یاد آورده برکت می‌دهد، خاندان (بنی) اسرائیل را برکت خواهد داد، و خاندان هارون را برکت خواهد داد
۱۳. ترسندگان خدا. اوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ
۱۴. خدا. اوند شما را ترقی خواهد داد، شما و فرزندان شما را
۱۵. شما محبوب خدا. اوند هستید، که آسمان و زمین را آفرید
۱۶. آسمان‌ها آسمان‌های خدا. اوند است، و اما زمین را به بنی آدم عطا فرمود
۱۷. مردگان نیستند که «یاه» را تسبیح می‌خوانند، و نه آنانی که به خاموشی فرو می‌روند
۱۸. لیکن ما «یاه» را مبارک خواهیم خواند، از الان و تا به ابد هَلَلُویا

مزمور صد و شانزدهم

۱. خدا. اوند را محبت می‌نمایم زیرا که، آواز من و تضرع شنیده است
۲. زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است، پس در مدت حیات خود او را خواهم خواند
۳. ریسمان‌های مرگ من را احاطه کرد، تنگی‌های کور من را دریافت، تنگی و غم پیدا کردم
۴. آنگاه نام خدا. اوند را خواندم، آه ای خدا. اوند جان من را رهایی ده
۵. خدا. اوند رثوف و عادل است، و خدا. ای ما رحیم است
۶. خدا. اوند ساده‌دلان را محافظت می‌کند، ذلیل بودم و من را نجات داد
۷. ای جان من به آسایش خود برگرد، زیرا خدا. اوند به تو احسان نموده است
۸. زیرا که جان من را از موت خلاصی دادی، و چشمانم را از اشک و پای‌هایم را از لغزیدن
۹. به حضور خدا. اوند سالک خواهم بود، در زمین زندگان
۱۰. ایمان آوردم پس سخن گفتم، من بسیار مستمند شدم
۱۱. در پریشانی خود گفتم، که جمیع آدمیان دروغ گویند
۱۲. خدا. اوند را چگونه ستایش کنم، برای همه احسان‌هایی که به من نموده است
۱۳. پیاله نجات را خواهم گرفت، و نام خدا. اوند را خواهم خواند

۱۴. نذرهای خود را برای خد.اوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او
۱۵. مرگ مقدسان خد.اوند نیز، در نظر او گرانها است
۱۶. آه ای خد.اوند من بنده تو هستم، من بنده تو و پسر کنیز تو هستم، بندهای من را گشوده‌ای
۱۷. قربانی‌های تشکر نزد تو خواهم گذرانید، و نام خد.اوند را خواهم خواند
۱۸. نذرهای خود را به خد.اوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم وی
۱۹. در صحن‌های خانه خد.اوند، در اندرون تو ای اورشلیم هلولیا

مزمور صد و هفدهم

۱. ای جمیع امت‌ها خد.اوند را تسبیح بخوانید، ای تمامی قبایل او را حمد گوید
۲. زیرا که رحمت او بر ما عظیم است، و راستی خد.اوند تا به ابد هلولیا

مزمور صد و هجدهم

۱. خد.اوند را حمد گوید زیرا که نیکوست، و رحمت او تا به ابد است
۲. (بنی) اسرائیل بگویند، که رحمت او تا به ابد است
۳. خاندان هارون بگویند، که رحمت او تا به ابد است
۴. ترسندگان خد.اوند بگویند، که رحمت او تا به ابد است
۵. در تنگی «یاه» را خواندم، «یاه» من را اجابت فرموده در جای وسیع آورد
۶. خد.اوند با من است پس نخواهم ترسید، انسان به من چه تواند کرد
۷. خد.اوند برایم از مددکاران من است، پس من بر نفرت کنندگان خود آرزوی خویش را خواهم دید
۸. به خد.اوند پناه بردن بهتر است، از توکل نمودن بر آدمیان
۹. به خد.اوند پناه بردن بهتر است، از توکل نمودن بر قدرتمندان
۱۰. جمیع امت‌ها من را احاطه کردند، لیکن به نام خد.اوند ایشان را هلاک خواهم کرد
۱۱. من را احاطه کردند و دور من را گرفتند، لیکن به نام خد.اوند ایشان را هلاک خواهم کرد
۱۲. مثل زنبورها من را احاطه کردند، و مثل آتش خارها خاموش شدند، زیرا که به نام خد.اوند ایشان را هلاک خواهم کرد
۱۳. بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خد.اوند من را یاری نمود
۱۴. خد.اوند قوت و سرود من است، و نجات من شده است
۱۵. آواز شادمانی و نجات در خیمه‌های عادلان است، یمین خد.اوند با شجاعت عمل می‌کند
۱۶. یمین خد.اوند متعال است، یمین خد.اوند با شجاعت عمل می‌کند
۱۷. نمی‌میرم بلکه زنده خواهم ماند، و کارهای «یاه» را ذکر خواهم نمود

۱۸. «یاه» من را به شدت تنبیه نموده، لیکن من را به دست مرگ نسپرده است
۱۹. دروازه‌های عدالت را برای من بگشاید، به آنها داخل شده «یاه» راه حمد گویم
۲۰. دروازهٔ خد.اوند اینست، عادلان در آن داخل خواهند شد
۲۱. تو را حمد می گویم زیرا که من را اجابت فرموده، و (باعث) نجات من شده‌ای
۲۲. سنگی را که معماران رد کردند، همان سنگ خشت اول شده است
۲۳. این از جانب خد.اوند شده، و در نظر ما عجیب است
۲۴. اینست روزی که خد.اوند ظاهر کرده است، در آن وجد و شادی خواهیم نمود
۲۵. آه ای خد.اوند نجات ببخش، آه ای خد.اوند سعادت عطا فرما
۲۶. متبارک باد او که به نام خد.اوند می آید، شما را از خانهٔ خد.اوند برکت می دهیم
۲۷. خد.اوند خد.ایی است که ما را روشن ساخته است، ذبیحه را به ریسمان‌ها بر شاخ‌های قربانگاه ببندید
۲۸. تو خد.ای من هستی تو، پس تو را حمد می گویم، خد.ای من تو را متعال خواهم خواند
۲۹. خد.اوند را حمد گوئید زیرا که نیکوست، و رحمت او تا به ابد است

مزمور صد و نوزدهم

۱. خوشا به حال کاملان طریق، که به شریعت خد.اوند سالکند
۲. خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند، و به تمامی دل او را می طلبند
۳. کج روی نیز نمی کنند، و به طریق‌های وی سلوک می نمایند
۴. تو فرمان‌ها خود را امر فرموده‌ای، تا آن‌ها را تماماً نگاه داریم
۵. کاش که راههای من هموار شود، تا فرایض تو را حفظ کنم
۶. آنگاه خجل نخواهم شد، چون تمام اوامر تو را در مدنظر خود دارم
۷. تو را به راستی دل حمد خواهم گفت، چون داوری‌های عدالت تو را آموخته شوم
۸. فرایض تو را نگاه می دارم، من را تا همیشه ترک منما
۹. به چه چیز مرد جوان راه خود را هموار می سازد، به نگاه موافق با کلام تو
۱۰. به تمامی دل تو را طلبیدم، مگذار که از اوامر تو گمراه شوم
۱۱. کلام تو را در دل مخفی داشتم، که مبادا به تو گناه ورزم
۱۲. ای خد.اوند تو متبارک هستی، فرایض خود را به من بیاموز
۱۳. به لبهای خود بیان کردم، تمامی داوری‌های دهان تو را
۱۴. در طریق گواهی‌های تو شادمانم چنان که در هر کاری توانگری
۱۵. در اوامر تو تفکر می کنم، و در طریق‌های تو تأمل خواهم کرد
۱۶. از فرایض تو لذت می برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد

۱۷. به بنده خود احسان بنما تا زنده بمانم، و کلام تو را حفظ نمایم
۱۸. چشمان من را بگشا تا از شریعت تو چیزهایی عجیب بینم
۱۹. من در زمین غریب هستم، اوامر خود را از من مخفی مدار
۲۰. جان من شکسته می شود، از اشتیاق داوری های تو در هر وقت
۲۱. ظالمان ملعون را توییح نمودی، که از اوامر تو گمراه می شوند
۲۲. ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که گواهی های تو را حفظ کرده ام
۲۳. سروران نیز نشسته به ضد من سخن گفتند، لیکن بنده تو در فرایض تو تفکر می کند
۲۴. گواهی های تو نیز شادی من، و مشورت دهندگان من بوده اند
۲۵. جان من به خاک چسبیده است، من را موافق کلام خود زنده ساز
۲۶. راه های خود را ذکر کردم و من را اجابت نمودی، پس فرایض خویش را به من بیاموز
۲۷. طریق اوامر خود را به من بفهمان، و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود
۲۸. جان من از حزن گداخته می شود، من را موافق کلام خود برپا بدار
۲۹. راه دروغ را از من دور کن، و شریعت خود را به من عنایت فرما
۳۰. طریق راستی را اختیار کردم، و داوری های تو را پیش (روی) خود گذاشتم
۳۱. به گواهی های تو پیوستم، ای خدا. اوند من را خجل مساز
۳۲. در طریق فرمان های تو دوان خواهم رفت، وقتی که دل من را وسعت دادی
۳۳. ای خدا. اوند طریق فرایض خود را به من بیاموز، پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت
۳۴. من را فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت، و ان را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود
۳۵. من را در طریق اوامر خود سالک گردان، زیرا که در آن رغبت دارم
۳۶. دل من را به گواهی های خود مایل گردان، و نه به سوی طمع
۳۷. چشمانم را از دیدن بدی ها برگردان، و از طریق خود من را زنده ساز
۳۸. کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که بترس تو سپرده شده است
۳۹. ننگ بدنامی من را که از آن می ترسم از من دور کن، زیرا که داوری های تو نیکو است
۴۰. هان به اوامر تو اشتیاق دارم، به حسب عدالت خود من را زنده ساز
۴۱. ای خدا. اوند رحمت ها تو به من برسد، و نجات تو به حسب کلام تو
۴۲. تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم، زیرا بر کلام تو توکل دارم
۴۳. و کلام راستی را از دهانم هرگز مگیر، زیرا که به داوری های تو امیدوارم
۴۴. و شریعت تو را همیشه نگاه خواهم داشت، تا به ابد
۴۵. و به آزادی راه خواهم رفت، زیرا که اوامر تو را طلبیده ام
۴۶. و در گواهی های تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت، و خجل نخواهم شد

۴۷. و از اوامر تو شادی خواهم یافت، که آن‌ها را دوست می‌دارم
۴۸. و دست‌های خود را به امر تو که دوست می‌دارم برنخواهم افراشت، و در فرایض تو تفکر خواهم نمود
۴۹. کلام خود را با بنده خویش به یاد آور، که من را بر آن امیدوار گردانیدی
۵۰. این در پریشانی تسلی من است، زیرا قول تو من را زنده ساخت
۵۱. ظالمان من را بسیار استهزاء کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیم
۵۲. ای خدا. اووند داوری‌های تو را از قدیم به یاد آوردم، و تسلی می‌یابم
۵۳. فراوانی خشم من را در گرفته است، به سبب شیرانی که شریعت تو را ترک کرده‌اند
۵۴. فرایض تو سرودهای من گردید، در خانه تنهایی من
۵۵. ای خدا. اووند نام تو را در شب به یاد آوردم، و شریعت تو را نگاه داشتم
۵۶. این بهره من گردید، زیرا که اوامر تو را نگاه داشتم
۵۷. خدا. اووند نصیب من است، گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت
۵۸. رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم، به حسب کلام خود بر من رحم فرما
۵۹. در راه‌های خود تفکر کردم، و پای‌های خود را به گواهی‌های تو مایل ساختم
۶۰. شتاب کردم و درنگ نکردم، تا اوامر تو را نگاه دارم
۶۱. ریسمان‌های شیران من را احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم
۶۲. در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم، برای داوری‌های عدالت تو
۶۳. من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که اوامر تو را نگاه می‌دارند
۶۴. ای خدا. اووند زمین از رحمت تو پر است، فرایض خود را به من بیاموز
۶۵. با بنده خود احسان نمودی، ای خدا. اووند موافق کلام خویش
۶۶. خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز، زیرا که به اوامر تو ایمان آوردم
۶۷. قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم، لیکن اینک کلام تو را نگاه داشتم
۶۸. تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی، فرایض خود را به من بیاموز
۶۹. ظالمان بر من دروغ بستند، و اما من به تمامی دل اوامر تو را نگاه داشتم
۷۰. دل ایشان مثل پیه فریه است، و اما من به تمامی دل اوامر تو را نگاه داشتم
۷۱. من را نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم
۷۲. شریعت دهان تو برای من بهتر است، از هزاران طلا و نقره
۷۳. دست‌های تو من را ساخته و آراسته است، من را فهیم گردان تا اوامر تو را بیاموزم
۷۴. ترسندگان تو چون من را بینند شادمان گردند، زیرا به کلام تو امیدوار هستم
۷۵. ای خدا. اووند دانسته‌ام که داوری‌های تو عدل است، و بر حق من را مصیبت داده‌ای
۷۶. پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بنده خویش

۷۷. رحمت‌های تو به من برسد تا زنده بمانم، زیرا که شریعت تو شادمانی من است
۷۸. شیرین خجل شوند، زیرا به عبث من را ظلم رسانیدند، و اما من در اوامر تو تفکر می‌کنم
۷۹. ترسندگان تو به من رجوع کنند، و آنانی که گواهی‌های تو را می‌دانند
۸۰. دل من در فرایض تو کامل شود، تا خجل نشوم
۸۱. جان من برای (دریافتن) نجات از تو کاهیده می‌شود، لیکن به کلام تو امیدوار هستم
۸۲. چشمان من برای کلام تو تار گردیده است، و می‌گویم کی من را تسلی خواهی داد
۸۳. زیرا که مثل مشک دود زده گردیده‌ام، لیکن فرایض تو را فراموش نکرده‌ام
۸۴. چند است ایام عمر بنده تو، و کی بر جفاکنندگانم داوری خواهی نمود
۸۵. شیرین برای من دام‌ها گسترده‌اند، زیرا که موافق شریعت تو نیستند
۸۶. تمامی اوامر تو امین است، بر من ناحق جفا کردند پس من را امداد فرما
۸۷. نزدیک بود که من را از زمین نابود سازند، اما من اوامر تو را ترک نکردم
۸۸. به حسب رحمت خود من را زنده نگاهدار، تا شهادت ندای تو را نگاه دارم
۸۹. ای خدا. اووند کلام تو، تا به ابد در آسمان‌ها پایدار است
۹۰. امانت تو نسلاً بعد نسل است، زمین را آراستی و پایدار می‌ماند
۹۱. برای داوری‌های تو تا امروز ایستاده‌اند، زیرا که همه بنده تو هستند
۹۲. اگر شریعت تو شادمانی من نمی‌بود، هر آینه در مذلت خود هلاک می‌شدم
۹۳. اوامر تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد، زیرا به آنها من را زنده ساخته‌ای
۹۴. من از آن تو هستم من را نجات ده، زیرا که اوامر تو را طلبیدم
۹۵. شیرین برای من انتظار کشیدند تا من را هلاک کنند، لیکن در پیمان‌ها تو تأمل می‌کنم
۹۶. برای هر کمالی پایانی دیدم، لیکن رحمت تو بی‌نهایت وسیع است
۹۷. شریعت تو را چه قدر دوست می‌دارم، تمامی روز تفکر من است
۹۸. اوامر تو من را از دشمنانم حکیم‌تر ساخته است، زیرا که همیشه نزد من می‌باشد
۹۹. از جمیع معلمان خود دانای‌تر شدم، زیرا که گفته‌های تو تفکر من است
۱۰۰. از مشایخ خردمندتر شدم، زیرا که اوامر تو را نگاه داشتم
۱۰۱. پای‌های خود را از هر راه بد نگاه داشتم، تا آنکه کلام تو را حفظ کنم
۱۰۲. از داوری‌های تو رو برنگردانیم، زیرا که تو من را تعلیم دادی
۱۰۳. کلام تو به مذاق من چه شیرین است، و به دهانم از عسل شیرین‌تر
۱۰۴. از احکام تو خویشتن‌داری را تحصیل کردم، بنابراین هر راه دروغ را مکروه می‌دارم
۱۰۵. کلام تو چراغ راه من، و برای راه‌های من روشنایی است
۱۰۶. قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود، که داوری‌های عدالت تو را نگاه خواهم داشت

۱۰۷. بسیار ذلیل شده‌ام، ای خدا. اووند موافق کلام خود من را احیاء ساز
۱۰۸. ای خدا. اووند هدایای بخشیدنی دهان من را منظور فرما، و داوری‌های خود را به من بیاموز
۱۰۹. جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمی‌کنم
۱۱۰. شریران برای من دام گذاشته‌اند، اما از اوامر تو گمراه نشدم
۱۱۱. گواهی‌های تو را تا به ابد میراث خود ساختم، زیرا که آن‌ها شادمانی دل من هستند
۱۱۲. دل خود را برای به‌جا آوردن فرایض تو مایل ساختم، تا به ابد و تا نهایت
۱۱۳. مردمان دورو را مکروه داشته‌ام، لیکن شریعت تو را دوست می‌دارم
۱۱۴. پناه و سپر من تو هستی، به کلام تو انتظار می‌کشم
۱۱۵. ای بدکاران از من دور شوید، اوامر خدا. ای خویش را نگاه خواهم داشت
۱۱۶. من را به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده بمانم، و از امید خود خجل نگردم
۱۱۷. من را تقویت کن تا رستگار گردم، و بر فرایض تو همیشه نظر نمایم
۱۱۸. همه کسانی را که از فرایض تو گمراه شده‌اند حقیر شمرده‌ای، زیرا که تظاهر ایشان دروغ است
۱۱۹. جمیع شریران زمین را مثل دُرد فنا می‌کنی، بنابراین گواهی‌های تو را دوست می‌دارم
۱۲۰. موی بدن من از خوف تو برخاسته است، و از داوری‌های تو ترسیدم
۱۲۱. داد و عدالت را به‌جا آوردم، من را به ظلم کنندگانم تسلیم منما
۱۲۲. برای سعادت بنده خود ضامن شو، تا شریران بر من ظلم نکنند
۱۲۳. چشمانم برای نجات تو تار شده است، و برای کلام عدالت تو
۱۲۴. با بنده خویش موافق رحمت خود عمل نما، و فرایض خود را به من بیاموز
۱۲۵. من بنده تو هستم من را فهیم گردان، تا گواهی‌های تو را دانسته باشم
۱۲۶. وقت است که خدا. اووند عمل کند، زیرا که شریعت تو را باطل نموده‌اند
۱۲۷. بنابراین اوامر تو را دوست می‌دارم، زیادتر از طلا و زر خالص
۱۲۸. بنابراین همه اوامر تو را در هر چیز راست می‌دانم، و هر راه دروغ را مکروه می‌دارم
۱۲۹. گواهی‌های تو عجیب است، ازین سبب جان من آنها را نگاه می‌دارد
۱۳۰. کشف کلام تو نور می‌بخشد، و ساده‌دلان را فهیم می‌گرداند
۱۳۱. دهان خود را به خوبی باز کرده نفس کشیدم، زیرا که مشتاق اوامر تو بودم
۱۳۲. بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند
۱۳۳. قدم‌های من را در کلام خودت بیار، تا هیچ کج رفتاری بر من تسلط نیابد
۱۳۴. من را از ظلم انسان خلاصی ده، تا اوامر تو را نگاه دارم
۱۳۵. روی خود را بر بنده خود روشن ساز، و فرایض خود را به من بیاموز
۱۳۶. نهرهای آب از چشمانم جاریست، بخاطر (آنانیکه) که شریعت تو را نگاه نمی‌دارند

۱۳۷. ای خدا. اوند تو عادل هستی، و داوری‌های تو راست است
۱۳۸. گواهی‌های خود را به راستی امر فرمودی، و به امانت تا نهایت
۱۳۹. غیرت من من را هلاک کرده است، زیرا که دشمنان من کلام تو را فراموش کرده‌اند
۱۴۰. کلام تو بی‌نهایت مصفا است، و بنده تو آن را دوست می‌دارد
۱۴۱. من کوچک و حقیر هستم، اما اوامر تو را فراموش نکردم
۱۴۲. عدالت تو عدل است تا به ابد، و شریعت تو راست است
۱۴۳. تنگی و ناتوانی من را در گرفته است، اما اوامر تو شادمانی من است
۱۴۴. گواهی‌های تو عادل است تا به ابد، من را فهیم گردان تا زنده بمانم
۱۴۵. به تمامی دل خوانده‌ام ای خدا. اوند من را جواب ده، تا فرایض تو را نگاه دارم
۱۴۶. تو را خوانده‌ام پس من را نجات ده، و پیمان‌های تو را نگاه خواهم داشت
۱۴۷. بر طلوع فجر سبقت جسته استغاثه کردم، و کلام تو را انتظار کشیدم
۱۴۸. چشمانم بر پاس‌های شب سبقت جست، تا در کلام تو تفکر بنمایم
۱۴۹. به حسب رحمت خود آواز من را بشنو، ای خدا. اوند موافق داوری‌های خود من را زنده ساز
۱۵۰. آنانی که در پی پستی می‌روند نزدیک می‌آیند، و از شریعت تو دور می‌باشند
۱۵۱. ای خدا. اوند تو نزدیک هستی، و جمیع اوامر تو راست است
۱۵۲. گواهی‌های تو را از زمان پیش دانسته‌ام، که آنها را بنیان کرده‌ای تا به ابد
۱۵۳. بر بیچارگی من نظر کن و من را خلاصی ده، زیرا که شریعت تو را فراموش نکرده‌ام
۱۵۴. در دعوی من دادرسی فرموده من را نجات ده، و به حسب کلام خویش من را زنده ساز
۱۵۵. نجات از شریران دور است، زیرا که فرایض تو را نمی‌طلبند
۱۵۶. ای خدا. اوند رحمت‌های تو بسیار است، به حسب داوری‌های خود من را زنده ساز
۱۵۷. جفا کنندگان و دشمنان من بسیارند، اما از فرامین تو روبرنگردانیدم
۱۵۸. خیانت کاران را دیدم و (با آنها) جدل کردم، زیرا کلام تو را نگاه نمی‌دارند
۱۵۹. بین که اوامر تو را دوست می‌دارم، ای خدا. اوند به حسب رحمت خود من را زنده ساز
۱۶۰. جمله کلام تو راستی است، و تمامی داوری عدالت تو تا به ابد است
۱۶۱. فرمانروایان بی‌جهت بر من جفا کردند، اما دل من از کلام تو ترسان است
۱۶۲. من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که غنیمت وافر پیدا نموده باشد
۱۶۳. از دروغ کراهت و نفرت دارم، اما شریعت تو را دوست می‌دارم
۱۶۴. هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می‌خوانم، برای داوری‌های عادلانه تو
۱۶۵. آنانی را که شریعت تو را دوست می‌دارند سلامتی عظیم است، و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد
۱۶۶. ای خدا. اوند برای نجات تو امیدوار هستم، و اوامر تو را به جا می‌آورم

۱۶۷. جان من گواهی‌های تو را نگاه داشته است، و آنها را بی‌نهایت دوست می‌دارم
۱۶۸. اوامر و پیمان‌های تو را نگاه داشته‌ام، زیرا که تمام طریق‌های من در مدّ نظر تو است
۱۶۹. ای خدا. اوند فریاد من به حضور تو برسد، به حسب کلام خود من را فهمیم گردان
۱۷۰. مناجات من به حضور تو برسد، به حسب کلام خود من را خلاصی ده
۱۷۱. لبهای من حمد تو را جاری کند، زیرا فرایض خود را به من آموخته‌ای
۱۷۲. زبان من کلام تو را بسراید، زیرا که تمام اوامر تو عدل است
۱۷۳. دست تو یاری من بشود، زیرا که وصایای تو را برگزیده‌ام
۱۷۴. ای خدا. اوند برای نجات تو مشتاق بوده‌ام، و شریعت تو شادمانی من است
۱۷۵. جان من زنده باشد تا تو را تسبیح بخواند، و داوری‌های تو مددکار من باشند
۱۷۶. مثل گوسفندِ گم شده آواره گشتم بنده خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش نکردم

مزمور صد و بیستم

۱. سرود معلوت، نزد خدا. اوند در تنگی خود فریاد کردم، و من را اجابت فرمود
۲. ای خدا. اوند جان من را خلاصی ده، از لبان دروغگو و از زبان حيله گر
۳. چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو افزوده گردد، ای زبان حيله گر
۴. تیرهای تیز جباران، با اخگرهای رتم
۵. وای بر من که در ماشک مأوا گزیده‌ام، و در خیمه‌های قیدار ساکن شده‌ام
۶. چه طویل شد آرامش جان من، با کسی که سلامتی را دشمن می‌دارد
۷. من از اهل سلامتی هستم، لیکن چون سخن می‌گویم، ایشان آماده جنگ می‌باشند

مزمور صد و بیست و یکم

۱. سرود بر معلوت، چشمان خود را به سوی کوه‌ها برمی‌افرازم، که از کجا به یاری من می‌آید
۲. یاری من از جانب خدا. اوند است، که آسمان و زمین را آفرید
۳. او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد، او که حافظ تو است نخواهد خوابید
۴. اینک او که حافظ (بنی) اسرائیل است، نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود
۵. خدا. اوند حافظ تو می‌باشد، خدا. اوند به دست راستت سایه تو است
۶. آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید، و نه ماهتاب در شب
۷. خدا. اوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد، او جان تو را حفظ خواهد کرد
۸. خدا. اوند خروج و ورودت را نگاه خواهد داشت، از حالا و تا به ابد

مزمور صد و بیست و دوم

۱. سرود معلوت از داوید، شادمان می‌شدم چون به من می‌گفتند، به خانه‌ی خد. اوند برویم
۲. پای‌های ما می‌ایستادند، به اندرون دروازه‌های تو ای اورشلیم
۳. ای اورشلیم که بنا شده‌ای، مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد
۴. که بدانجا اسباط بالا می‌رفتند، یعنی اسباط «یاه» تا شهادت باشد برای (بنی) اسرائیل، تا نام خد. اوند را تسبیح بخوانند
۵. زیرا که در آنجا کرسی‌های داوری برپا شده بود، یعنی کرسی‌های خاندان داوید
۶. برای سلامتی اورشلیم دعا کنید، آنانی که تو را دوست می‌دارند خجسته حال خواهند شد
۷. سلامتی پیشگاه تو باشد، و آسایش در قصرها تو
۸. به خاطر برادران و یاران خویش، می‌گویم که سلامتی بر تو باد
۹. به خاطر خانه‌ی خد. اوند خد. ای ما، سعادت تو را خواهم طلبید

مزمور صد و بیست و سوم

۱. سرود معلوت به سوی تو چشمان خود را برمی‌افرازم، ای که بر آسمان‌ها جلوس فرموده‌ای
۲. اینک مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون خویش، همچنان چشمان ما به سوی خد. اوند خد. ای ماست، تا بر ما کرم بفرماید
۳. ای خد. اوند بر ما کرم فرما بر ما کرم فرما، زیرا که چه بسیار از اهانت پر شده‌ایم
۴. چه بسیار جان ما انباشته شده است، از استهزای آسودگان و اهانت متکبران

مزمور صد و بیست و چهارم

۱. سرود معلوت از داوید، اگر خد. اوند با ما نمی‌بود، (بنی) اسرائیل الآن بگوید
۲. اگر خد. اوند با ما نمی‌بود، وقتی که آدمیان بر ما هجوم می‌نمودند
۳. آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می‌بردند، چون خشم ایشان بر ما فروخته بود
۴. آنگاه آب‌ها ما را غرق می‌کرد، و نهرها بر جان ما می‌گذشت
۵. آنگاه آب‌های پر زور، از جان ما می‌گذشت
۶. متبارک باد خد. اوند، که ما را شکار برای دندان‌های ایشان نساخت
۷. جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص شد، دام گسترده شد و ما خلاصی یافتیم
۸. یاری ما به نام خد. اوند است، که آسمان و زمین را آفرید

مزمور صد و بیست و پنجم

۱. سرود معلوت، آنانی که بر خد. اوند توکل دارند، مثل کوه صیون‌اند، که لغزش نمی‌خورد و پایدار است تا به ابد

۲. کوه‌ها گرداگرد اورشلیم است، و خد.اوند گرداگرد قوم خود، از اینک و تا به ابد است
۳. زیرا که عصای شریران بر پیکر عادلان قرار نخواهد گرفت، مبدا عادلان دست خود را به گناه دراز کنند
۴. ای خد.اوند به صالحان احسان فرما، و به آنانی که راست دل می‌باشند
۵. و اما آنانی که به راه‌های کج خود مایل می‌باشند، خد.اوند ایشان را با بدکاران خواهد برد، سلامتی بر (بنی) اسرائیل باد

مزمور صد و بیست و ششم

۱. سرود معلوت، چون خد.اوند اسیران صیون را باز آورد، مثل خواب‌زدگان شدیم
۲. آنگاه دهان ما از خنده پُر شد، و زبان ما از ترنم، آنگاه در میان امت‌ها گفتند، که خد.اوند با ایشان کارهای عظیم کرده است
۳. خد.اوند برای ما کارهای عظیم کرده است، که از آن‌ها شادمان هستیم
۴. ای خد.اوند اسیران ما را باز آور، مثل نه‌رها در جنوب
۵. آنانی که با اشک‌ها می‌کارند، با ترنم درو خواهند نمود
۶. آن که با گریه بیرون می‌رود و تخم برای زراعت می‌برد، هر آینه با ترنم خواهد برگشت و بافه‌های خویش را خواهد آورد

مزمور صد و بیست و هفتم

۱. سرود معلوت از سلیمان، اگر خد.اوند خانه را برپا نکند، بنیانش زحمت بی‌فایده می‌کشند، اگر خد.اوند شهر را نگهبانی نکند، پاسبانان بی‌فایده پاسبانی می‌کنند
۲. بی‌فایده است که شما صبح زود برمی‌خیزید و شب دیر می‌خوابید، و نان مشقت را می‌خورید، در حالیکه (خد.اوند) محبوب خویش را خواب راحت می‌بخشد
۳. اینک پسران میراث از جانب خد.اوند می‌باشند، و ثمره بطن، اجرتی از اوست
۴. مثل تیرها در دست مرد زور آور، همچنان هستند اولاد (دوره) جوانی
۵. خوشا به حال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است، خجل نخواهند شد بلکه با دشمنان در دروازه سخن خواهند راند

مزمور صد و بیست و هشتم

۱. سرود معلوت، خوشا به حال کسی که از خد.اوند می‌ترسد، و بر طریق‌های او سالک می‌باشد
۲. نتیجه عمل دست‌های خود را خواهی خورد، خوشا به حال تو و سعادت با تو خواهد بود
۳. زن تو مثل موی بارور به اطراف خانه تو خواهد بود، و پسرانت مثل نهال‌های زیتون گرداگرد سفره تو
۴. اینک همچنین مبارک خواهد بود، کسی که از خد.اوند می‌ترسد

۵. خد.اوند تو را از صیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید
۶. پسرانِ پسران خود را خواهی دید، سلامتی بر (بنی) اسرائیل باد

مزمور صد و بیست و نهم

۱. سرود معلوت، چه بسیار از طفولیت من را اذیت رسانیدند، (بنی) اسرائیل الآن بگویند
۲. چه بسیار از طفولیت من را اذیت رسانیدند، لیکن بر من غالب نیامدند
۳. شیارکنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را طولانی نمودند
۴. اما خد.اوند عادل است، و بندهای شیران را گسیخت
۵. خجل و برگردانیده شوند، همه کسانی که از صیون نفرت دارند
۶. مثل گیاه بر پشت بامها باشند، که پیش از آنکه آن را بچینند می خشکد
۷. که دروکننده دست خود را از آن پر نمی کند، و نه دسته بند آغوش خود را
۸. و راهگذران نمی گویند برکت خد.اوند بر شما باد، شما را به نام خد.اوند مبارک می خوانیم

مزمور صد و سی ام

۱. سرود معلوت، ای خد.اوند از نهادم نزد تو فریاد بر آوردم
۲. ای خد.اوند آواز من را بشنو، و گوش های تو به آواز ناله من آشنا شود
۳. ای «یاه» اگر گناهان را به نظر آوری، کیست ای خد.اوند که به حضور تو بایستد
۴. لیکن مغفرت نزد تو است، تا از تو بترسند
۵. منتظر خد.اوند هستم جان من منتظر است، و به کلام او امیدوارم
۶. جان من منتظر خد.اوند است، زیاده از منتظران صبح بلی زیاده از منتظران صبح
۷. (بنی) اسرائیل برای خد.اوند امیدوار باشند، زیرا که رحمت نزد خد.اوند است، و نزد اوست نجات فراوان
۸. و او (بنی) اسرائیل را فدیة خواهد داد، از جمیع گناهان وی

مزمور صد و سی و یکم

۱. سرود درجات از داوید، ای خد.اوند دل من متکبر نیست، و نه چشمانم مغرور و خویشان را به کارهای بزرگ مشغول
نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است
۲. بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بچه از شیر باز داشته شده نزد مادر خود، جانم در من بود مثل بچه از شیر
باز داشته شده
۳. (بنی) اسرائیل بر خد.اوند امیدوار باشند، از حالا و تا به ابد

مزمور صد و سی و دوم

۱. سرود معلوت، ای خدا. اوند برای داوید به یاد آور، همه مذلت‌های او را
۲. چگونه برای خدا. اوند قسم خورد، و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود
۳. که به خیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر آرام نخواهم گرفت
۴. خواب به چشمان خود نخواهم داد، و نه چرت به مژگان خویش
۵. تا مکانی برای خدا. اوند پیدا کنم، و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب
۶. اینک ذکر آن را در «افراته» شنیدیم، و آن را در صحرای جنگل یافتیم
۷. به مسکن‌های او داخل شویم، و نزد قدمگاه وی پرستش نمایم
۸. ای خدا. اوند از جایگاه خود برخیز و بیا، تو و صندوق جلال تو
۹. کاهنان تو به عدالت ملبس شوند، و مقدسات ترنم نمایند
۱۰. به خاطر بنده خود داوید، روی ماشیح خود را از ما بر مگردان
۱۱. خدا. اوند برای داوید به راستی قسم خورد، و از آن بر نخواهد گشت، که از ثمره صُلب تو را بر تخت تو خواهم گذاشت
۱۲. اگر پسران تو عهد من را نگاه دارند، و فرمان‌هایم را که بدیشان می‌آموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست
۱۳. زیرا که خدا. اوند صیون را برگزیده است، و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده
۱۴. این است جایگاه من تا به ابد، اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم
۱۵. آذوقه آن را هر آینه برکت خواهم داد، و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت
۱۶. و کاهنانش را به نجات ملبس خواهم ساخت، و مقدسانش هر آینه ترنم خواهند نمود
۱۷. در آنجا شاخ داوید را خواهم رویانید، و چراغی برای ماشیح خود آماده خواهم ساخت
۱۸. دشمنان او را به خجالت ملبس خواهم ساخت، و تاج او به روی شکوفه خواهد آورد

مزمور صد و سی و سوم

۱. سرود معلوت از داوید، اینک چه خوش و چه دلپسند است، که برادران به یک‌دلی با هم ساکن شوند
۲. مثل روغن نیکو بر سر است، که به ریش فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون، که به دامن ردایش فرود می‌آید
۳. و مثل شب‌نم حرمون است، که بر کوه‌های صیون فرود می‌آید، زیرا که در آنجا خدا. اوند برکت خود را فرموده است، یعنی حیات را تا به ابد

مزمور صد و سی و چهارم

۱. سرود معلوت، هان خدا. اوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خدا. اوند، که شبانگاه در خانه خدا. اوند می‌ایستید
۲. دست‌های خود را به قدس برافرازید، و خدا. اوند را متبارک خوانید

۳. خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صیون برکت خواهد داد

مزمور صد و سی و پنجم

۱. هلولیاه نام خداوند را تسبیح بخوانید، ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید
۲. ای شما که در خانه خداوند می‌ایستید، در صحن‌های خانه خداوند ای ما
۳. هلولیاه زیرا خداوند نیکو است، نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است
۴. زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید، و (بنی) اسرائیل را به جهت ملک خاص خویش
۵. زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است، و خداوند ما برتر است از جمیع فرشتگان
۶. هر آنچه خداوند خواست آن را انجام داد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه‌ها
۷. ابرها را از اقصای زمین بر می‌آورد و برق‌ها را برای باران می‌سازد، و باده‌ها را از مخزن‌های خویش بیرون می‌آورد
۸. که نخست زادگان مصر را گشت، هم از انسان و هم از بهایم
۹. آیات و معجزات را در میان تو ای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی
۱۰. که امت‌های بسیار را زد، و پادشاهان عظیم را نابود ساخت
۱۱. سیحون پادشاه اموریان، و عوج پادشاه باشان، و جمیع ممالک کنعان را
۱۲. و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود (بنی) اسرائیل
۱۳. ای خداوند نام تو است تا به ابد، و ای خداوند یادگاری تو است تا جمیع دوران
۱۴. زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود، و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود
۱۵. بت‌های امت‌ها طلا و نقره می‌باشند، عمل دست‌های انسان
۱۶. دهن‌ها دارند و سخن نمی‌گویند، چشمان دارند و نمی‌بینند
۱۷. گوش‌ها دارند و نمی‌شنوند بلکه در دهان ایشان هیچ نفس نیست
۱۸. سازندگان آن‌ها مثل آن‌ها می‌باشند، و هر که بر آن‌ها توکل دارد
۱۹. ای خاندان (بنی) اسرائیل خداوند را متبارک خوانید، ای خاندان هارون خداوند را متبارک خوانید
۲۰. ای خاندان لاوی خداوند را متبارک خوانید، ای ترسندگان خداوند، خداوند را متبارک خوانید

مزمور صد و سی و هشتم

۱. خداوند از صیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است هلولیاه
۲. خداوند را حمد گوئید زیرا که نیکو است، و رحمت او ابدی است
۳. خداوند فرشتگان را حمد گوئید، زیرا که رحمت او ابدی است
۴. پادشاه پادشاهان را حمد گوئید، زیرا که رحمت او ابدی است
۵. او را که تنها کارهای عجیب عظیم می‌کند، زیرا که رحمت او ابدی است
۶. او را که آسمان‌ها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او ابدی است

۷. او را که زمین را بر آب‌ها گسترانید، زیرا که رحمت او ابدی است
۸. او را که نورهای بزرگ آفرید، زیرا که رحمت او ابدی است
۹. آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۰. ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۱. که مصر را در نخست‌زادگانش زد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۲. و (بنی) اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۳. با دست قوی و بازوی برافراشته، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۴. او را که بحر قلزم را به دو بخش تقسیم کرد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۵. و (بنی) اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۶. و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۷. او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۸. او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او ابدی است
۱۹. و پادشاهان نامور را نابود کرد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۰. سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۱. و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۲. و زمین ایشان را به ارثیت داد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۳. یعنی به ارثیت بنده خویش (بنی) اسرائیل، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۴. و ما را در مذلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۵. و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۶. که همه بشر را روزی می‌دهد، زیرا که رحمت او ابدی است
۲۷. خدای آسمان‌ها را حمد گوید، زیرا که رحمت او ابدی است

مزمور صد و سی و هفتم

۱. نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم، و گریه نیز کردیم چون صیون را به یاد آوردیم
۲. بربط‌های خود را آویختیم، بر درختان بید که در میان آن بود
۳. زیرا که آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آن‌جا از ما سرود خواستند، و آنانی که ما را تاراج کرده بودند شادمانی (خواستند)، که یکی از سرودهای صیون را برای ما بسرایید
۴. چگونه سرود خدای او را، در زمین بیگانه بخوانیم
۵. اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من (مرا) فراموش کند
۶. اگر تو را به یاد نیاورم آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را در رأس شادمانی خود قرار ندهم

۷. ای خد.اوند روز (ویرانی) اورشلیم را برای بنی اِدوم به یاد آور، که می گفتند منهدم سازید تا بنیادش منهدم سازید
۸. ای دختر بابل که ویران خواهی شد، خوشا به حال آن که به تو جزا دهد، چنان که تو به ما جزا دادی
۹. خوشا به حال آن که افراد تو را بگیرد، و ایشان را به صخره‌ها بزند

مزمور صد و سی و هشتم

۱. مزمور داوید، تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت، به حضور بزرگان تو را حمد خواهم گفت
۲. به سوی محراب قدس تو عبادت خواهم کرد، و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو، زیرا (با ادای) کلامت، نامت را بیش از (انجام) تمام (عجایب) بزرگ آوازه کردی
۳. در روزی که تو را خواندم من را اجابت فرمودی، و من را با قوت در جانم شجاع ساختی
۴. ای خد.اوند تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند
۵. و طریق‌های خد.اوند را خواهند سراپید، زیرا که جلال خد.اوند عظیم است
۶. زیرا که خد.اوند متعال است لیکن بر فروتنان نظر می کند، و اما متکبران را از دور می شناسد
۷. اگر چه در تنگنا راه بروم من را زنده نگه می دارد، دست خود را بر خشم دشمنان دراز می کنی، و یمینت من را نجات خواهد داد
۸. خد.اوند کار من را به کمال خواهد رسانید، ای خد.اوند رحمت تو ابدی است، کارهای دست خویش را ترک منما

مزمور صد و سی و نهم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید، ای خد.اوند من را آزموده و شناخته‌ای
۲. تو نشستن و برخاستن من را می دانی، و فکرهای من را از دور فهمیده‌ای
۳. راه رفتن و خوابیدن من را نظاره کرده‌ای، و همه طریق‌ها من را دانسته‌ای
۴. زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای خد.اوند آن را تماماً دانسته‌ای
۵. از عقب و از پیش من را احاطه کرده‌ای، و دست خویش را بر من نهاده‌ای
۶. این گونه معرفت برایم زیاده عجیب است، و عظیم است که بدان نمی توانم رسید
۷. سوی تو کجا بروم، و از حضور تو کجا بگریزم
۸. اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی، و اگر در گور بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی
۹. اگر بال‌های سَحَر را بگیرم، و در اقصای دریا ساکن شوم
۱۰. در آنجا نیز دست تو من را رهبری خواهد نمود، و دست راست تو من را خواهد گرفت
۱۱. و گفتم یقیناً تاریکی من را خواهد پوشانید، که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید
۱۲. تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است، و تاریکی و روشنایی یکی است
۱۳. زیرا که تو بر دل من مالک هستی، من را در رَحِم مادرم نقش بستی

۱۴. تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مهیب و عجیب خلق شده‌ام، کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می‌داند
۱۵. استخوان‌هایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهران ساخته می‌شدم، و در اسفل زمین نقشبندی می‌گشتم
۱۶. چشمان تو جنین من را دیده است، و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می‌شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت
۱۷. ای خدا. فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است، و جمله آنها چه عظیم است
۱۸. اگر آنها را بشمارم از ریگ زیاد است، وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر هستم
۱۹. یقیناً ای خدا. شیران را از میان خواهی برد، پس ای مردمان خون‌ریز از من دور شوید
۲۰. زیرا سخنان مکرآمیز درباره تو می‌گویند، و دشمنانت نام تو را به باطل می‌برند
۲۱. ای خدا. اوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را مجادله نخواهم کرد
۲۲. ایشان را به نفرت تمام نفرت می‌دارم، ایشان را دشمنان خویش می‌شمارم
۲۳. ای خدا. من را نظاره کن و دل من را بشناس، من را آزمایش کن و فکرهای من را بدان
۲۴. و بین که آیا در من راه فساد است، و من را به طریق جاودانی هدایت فرما

مزمور صد و چهلم

۱. برای سالار مغنیان، مزمور داوید
۲. ای خدا. اوند من را از مرد شریر رهایی ده، و از مرد ظالم من را محفوظ فرما
۳. که در دل‌های خود در شرارت تفکر می‌کنند، و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند
۴. زبان‌های خود را مثل مار تیز می‌کنند، و زهر افعی زیر لب ایشان است سلاه
۵. ای خدا. اوند من را از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم من را محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا پای‌های من را بلغزانند
۶. متکبران برای من تله و ریسمان‌ها پنهان کرده و دام به سر راه گسترده، و کمندها برای من نهاده‌اند سلاه
۷. به خدا. اوند گفتم تو خدا. ای من هستی، ای خدا. اوند آواز تضرع من را بشنو
۸. ای خدا. اوند، خدا. که قوت نجات من هستی، تو سر من را در روز جنگ پوشانیده‌ای
۹. ای خدا. اوند آرزوهای شریر را برایش برآورده نکن، و تدابیر او را به انجام مرسا مبادا (شریران) سرافراشته شوند سلاه
۱۰. و اما سرهای آنانی که من را احاطه می‌کنند، شرارت لب‌های ایشان آنها را در آتش خواهند پوشانید
۱۱. اخگرهای سوزنده را برایشان خواهند ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت، و در ژرفی‌ها که دیگر نخواهند برخاست
۱۲. مرد بدگو زمین پایدار نخواهد شد، مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را به پرتگاه افکند

۱۳. می دانم که خد.اوند دادرسی فقیر را خواهد کرد، و داوری مسکینان را خواهد نمود
 ۱۴. هر آینه عادلان نام تو را حمد خواهند گفت، و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد

مزمور صد و چهل و یکم

۱. مزمور داوید، ای خد.اوند تو را می خوانم نزد من بشتاب، و چون تو را بخوانم آواز من را بشنو
 ۲. دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دست هایم مثل هدیه شام
 ۳. ای خد.اوند بر دهان من نگاهبانی قرار ده، و در لب هایم را نگاه دار
 ۴. دل من را به عمل بد مایل مگردان، تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم، و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم
 ۵. مرد عادل چون من را بزند لطف خواهد بود، و من را تأدیب نماید روغن برای سر خواهد بود، و سر من آن را ابا نخواهد نمود، زیرا که در بدی های ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود
 ۶. چون داوران ایشان از بلندی صخره ها انداخته شوند، آنگاه سخنان من را خواهند شنید زیرا که شیرین است
 ۷. مثل کسی که زمین را شخم و شیار بکند، استخوان های ما بر سر قبرها پراکنده می شوند
 ۸. زیرا که ای خد.اوند، خد.ا چشمان من به سوی تو است، و بر تو توکل دارم پس جان من را تلف منما
 ۹. من را از دامی که برای من نهاده اند نگاه دار، و از کمندهای گناه کاران
 ۱۰. شریران به دامهای خود با هم بیفتند، و من به سلامتی در بگذرم

مزمور صد و چهل و دوم

۱. قصیده داوید و دعا وقتی که در مغاره بود
 ۲. به آواز خود نزد خد.اوند فریاد برمی آورم، به آواز خود نزد خد.اوند تضرع می نمایم
 ۳. ناله خود را در حضور او خواهم گفت، تنگی های خود را نزد او بیان خواهم کرد
 ۴. وقتی که روح من در من مدهوش می شود، پس تو طریقت من را دانسته ای، در راهی که می روم دام برای من پنهان کرده اند
 ۵. به طرف راست بنگر و ببین که آشنایی ندارم، ملجا برای من نابود شد، کسی که در فکر جان من باشد
 ۶. نزد تو ای خد.اوند فریاد کردم و گفتم، که تو پناه و حصه من در زمین زندگان هستی
 ۷. به ناله من توجه کن زیرا که بسیار ذلیلیم، من را از جفا کنندگانم برهان زیرا که از من زور آورترند
 ۸. جان من را از زندان در آور تا نام تو را حمد گویم، عادلان گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده ای

مزمور صد و چهل و سوم

۱. مزمور داوید، ای خد.اوند دعای من را بشنو و به ناله من گوش بده، در امانت و عدالت خویش من را اجابت فرما
 ۲. و بنده خود محاکمه نفرما زیرا زنده ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود

۳. زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده حیات من را به زمین کوبیده است، و من را در ظلمت ساکن گردانیده مثل آنانی که مدتی مرده باشند
۴. پس روح من در من مدهوش شده و دلم در اندرونم پریشان گردیده است
۵. ایام قدیم را به یاد می آورم، در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تأمل می کنم
۶. دست های خود را به سوی تو دراز می کنم، جان من مثل زمین خشک تشنه تو است سلاه
۷. ای خدا. اوند به زودی من را اجابت فرما زیرا که روح من کاهیده شده است، روی خود را از من می پوشان مبادا مثل فرو روندگان به گور بشوم
۸. بامدادان رحمت خود را به من ارزانی فرما زیرا که بر تو توکل دارم، طریقی که بر آن بروم من را بیاموز زیرا نزد تو جان خود را بر می افرازم
۹. ای خدا. اوند من را از دشمنانم برهان، زیرا که نزد تو پناه برده ام
۱۰. من را تعلیم ده تا اراده تو را به جا آورم زیرا خدا. ای من تو هستی، اراده مهربان تو من را در زمین هموار هدایت بنماید
۱۱. به خاطر نام خود ای خدا. اوند من را احیا ساز، به خاطر عدالت خویش جان من را از تنگی برهان
۱۲. و به خاطر رحمت خود دشمنانم را منقطع ساز، و همه مخالفان جان من را هلاک کن زیرا که من بنده تو هستم

مزمور صد و چهل و چهارم

۱. مزمور داوید، خدا. اوند که صخره من است متبارک باد، که دست های من را به جنگ و انگشت های من را به حرب تعلیم داد
۲. رحمت من اوست و ملجای من و قلعه بلند من و رهاننده من، و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم من را در زیر اطاعت من می دارد
۳. ای خدا. اوند آدمی چیست که او را بشناسی، و پسر انسان که او را به حساب بیاوری
۴. انسان مثل نفسی است، و روزهایش مثل سایه ایست که می گذرد
۵. ای خدا. اوند آسمان های خود را خم ساخته نزول اجلال فرما، و کوه ها را لمس کن تا دود شوند
۶. برق را بتابان آن ها را پراکنده ساز، تیرهای خود را بفرست و آن ها را منهزم نما
۷. دست خود را از اعلی بفرست، و من را رهانیده از آب های بسیار خلاصی ده، یعنی از دست بیگانگان
۸. که دهان ایشان به باطل سخن می گوید، و دست راست ایشان دست دروغ است
۹. ای خدا. تو را با سرودی تازه می سرایم، با بربط ذات ده تار تو را ترنم خواهم نمود
۱۰. که پادشاهان را نجات می بخشی، و بنده خود داوید را از شمشیر مهلک می رهانی
۱۱. من را از دست بیگانگان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می گوید، و دست راست ایشان دست دروغ است
۱۲. تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده مثل نهال ها باشند، و دختران ما مثل سنگ های زاویه تراشیده شده به مثال قصر

۱۳. و انبارهای ما پر شده به انواع نعمت ریزان شوند، و گله‌های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزایند
 ۱۴. و گاوان ما باربردار شوند، و هیچ رخنه و خروج و ناله‌ای در کوجه‌های ما نباشد

مزمور صد و چهل و پنجم

۱. خوشا به حال قومی که نصیب ایشان این است، خوشا به حال آن قوم که خداوند خدا.ای ایشان است
۲. تسبیح داوید، ای خدا.ای من ای پادشاه تو را متعال می‌خوانم، و نام تو را متبارک می‌گویم تا به ابد
۳. تمامی روز تو را متبارک می‌خوانم، و نام تو را حمد می‌گویم تا به ابد
۴. خداوند عظیم است و بی‌نهایت بزرگوار، و عظمت او را کتمان نتوان کرد
۵. نسل به نسل اعمال تو را تسبیح می‌خوانند، و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود
۶. در مجد جلیل کبریایی تو، و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود
۷. در اهمیت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت، و من عظمت تو را بیان خواهم نمود
۸. و یادآوری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد، و عدالت تو را خواهند سراپید
۹. خداوند کریم و رحیم است، و دیرغضب و کثیرالاحسان
۱۰. خداوند برای همگان نیکو است، و رحمت‌های او بر همه مخلوقات است
۱۱. ای خداوند جمیع مخلوقات تو تو را حمد می‌گویند، و توانایی تو را حکایت می‌کنند
۱۲. تا کارهای عظیم او را به بنی آدم تعلیم دهند، و کبریایی مجید ملکوت او را
۱۳. تا کارهای عظیم او را به بنی آدم تعلیم دهند، و کبریایی مجید ملکوت او را
۱۴. ملکوت تو ملکوتیست تا جمیع افلاک، و سلطنت تو باقی تا تمام دوره‌ها
۱۵. خداوند جمیع افتادگان را تأیید می‌کند، و خم‌شدگان را بر می‌خیزاند
۱۶. چشمان همگان منتظر تو می‌باشد، و تو طعام ایشان را در موسمش می‌دهی
۱۷. دست خویش را باز می‌گشایی، و آرزوی همه زندگان را برآورده می‌نمایی
۱۸. خداوند عادل است در جمیع طریق‌های خود، و رحیم در کل اعمال خویش
۱۹. خداوند نزدیک است به آنانی که او را می‌خوانند، به آنانی که او را به راستی می‌خوانند
۲۰. آرزوی ترسندگان خود را به جا می‌آورد، و تضرع ایشان را شنیده ایشان را نجات می‌دهد
۲۱. خداوند همه محبان خود را نگاه می‌دارد، و همه شیران را هلاک خواهد ساخت

مزمور صد و چهل و ششم

۱. دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت، و همه بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا به ابد
۲. هلولیاه ای جان من خداوند را تسبیح بخوان

۳. تا زنده هستم خد. اوند را حمد خواهم گفت، مادامی که وجود دارم خد. ای خود را خواهم سرایید
۴. بر قدرتمندان توکل مکنید، و نه بر این آدم که نزد او یاری نیست
۵. روح او بیرون می‌رود و او به خاک خود برمی‌گردد، و در همان روز فکرهايش نابود می‌شود
۶. خوشا به حال آن که خد. ای یعقوب مدد کار اوست، که امید او بر خد. اوند خد. ای وی می‌باشد
۷. که آسمان و زمین را آفرید، و دریا و آنچه را که در آن‌هاست، که راستی را نگاه دارد تا به ابد
۸. که مظلومان را دادرسی می‌کند، و گرسنگان را نان می‌بخشد، خد. اوند اسیران را آزاد می‌سازد
۹. خد. اوند چشمان کوران را باز می‌کند، خد. اوند خم‌شدگان را برمی‌افزاد، خد. اوند عادلان را دوست می‌دارد
۱۰. خد. اوند غریبان را محافظت می‌کند، و یتیمان و بیوه‌زنان را پایدار می‌نماید، لیکن طریق شریران را کج می‌سازد
۱۱. خد. اوند سلطنت خواهد کرد تا به ابد، خد. ای تو ای صیون نسلاً بعد نسل هملویاه

مزمور صد و چهل و هفتم

۱. هملویاه زیرا خد. ای ما را سراییدن نیکوست، و دل‌پسند و تسبیح خواندن شایسته است
۲. خد. اوند اورشلیم را بنا می‌کند، و پراکنندگان (بنی) اسرائیل را جمع می‌نماید
۳. شکسته‌دلان را شفا می‌دهد، و جراحت‌های ایشان را می‌بندد
۴. عدد ستارگان را می‌شمارد، و جمیع آن‌ها را به نام می‌خواند
۵. خد. اوند ما بزرگ است و قوت او عظیم، و حکمت وی لایتناهی
۶. خد. اوند مسکینان را برمی‌افزاد، شریران را به زمین می‌اندازد
۷. خد. اوند را با حمد بسرایید، خد. ای ما را با بربط سرود بخوانید
۸. که آسمان‌ها را با ابرها می‌پوشاند، و باران را برای زمین مهیا می‌نماید، و گیاه را بر کوه‌ها می‌رویاند
۹. که بهایم را آذوقه می‌دهد، و بچه‌های غراب را که او را می‌خوانند
۱۰. در قوت اسب رغبت ندارد، و به ساق‌های انسان مایل نیست
۱۱. رضامندی خد. اوند از ترسندگان وی است، و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند
۱۲. ای اورشلیم خد. اوند را تسبیح بخوان، ای صیون خد. ای خود را حمد بگو
۱۳. زیرا که پشت بندهای دروازه‌هایت را مستحکم کرده، و فرزندان تو را در اندوهت مبارک فرموده است
۱۴. که حدود تو را سلامتی می‌دهد، و تو را از چربی گندم سیر می‌گرداند
۱۵. که کلام خود را بر زمین فرستاده است، و قول او به زودی هرچه تمام‌تر پیش خواهد رفت
۱۶. که برف را مثل پشم می‌باراند، و ژاله را مثل خاکستر می‌پاشد
۱۷. که تگرگ خود را در قلعه‌ها می‌اندازد، و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد
۱۸. کلام خود را می‌فرستد و آن‌ها را می‌گدازد، باد خویش را می‌وزاند پس آب‌ها جاری می‌شود
۱۹. کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فرایض و داوری‌های خویش را به (بنی) اسرائیل

۲۰. با هیچ امتی چنین نکرده است، و داوری‌های او ندانسته‌اند هلولیاه

مزمور صد و چهل و هشتم

۱. هلولیاه خد. اوند را از آسمان تسبیح بخوانید، در اعلی‌علیین او را تسبیح بخوانید
۲. ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید، ای همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید
۳. ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید، ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید
۴. ای فلک‌الافلاک او را تسبیح بخوانند، و ای آب‌هایی که فوق آسمان‌ها یید
۵. نام خد. اوند را تسبیح بخوانید، زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند
۶. و آن‌ها را پایدار نمود تا به ابد، و قانونی قرار داد که از آن در نگذرند
۷. خد. اوند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجه‌ها
۸. ای آتش و تگرگ و برف و مه، و باد تند که فرمان او را به جا می‌آورید
۹. ای کوه‌ها و تمام تل‌ها، و درختان میوه‌دار و همه سروهای آزاد
۱۰. ای وحوش و جمیع بهایم، و حشرات و مرغان بالدار
۱۱. ای پادشاهان زمین و جمیع امت‌ها، و سروران و همه داوران جهان
۱۲. ای جوانان و دوشیزگان نیز، و پیران و اطفال
۱۳. نام خد. اوند را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنها متعال است، و جلال او فوق زمین و آسمان
۱۴. و او شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا فخر باشد برای همه مقدسان او، یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او می‌باشند هلولیاه

مزمور صد و چهل و نهم

۱. هلولیاه خد. اوند را با سرود تازه بسرایید، و تسبیح او را در جماعت مقدسان
۲. (بنی) اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند، و پسران صیون در پادشاه خویش وجد نمایند
۳. نام او را با رقص تسبیح بخوانند، با بریط و عود او را بسرایند
۴. زیرا خد. اوند از قوم خویش رضامندی دارد، مسکینان را به نجات خرسند می‌سازد
۵. مقدسان از جلال فخر بنمایند، و بر بسترهای خود ترنم بکنند
۶. ستایش بلند خد. ا در دهان ایشان باشد، و شمشیر دودمه در دست ایشان
۷. تا از امت‌ها انتقام بکشند، و تأدیب‌ها بر طوایف بنمایند
۸. و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند، و سروران ایشان را به پابندهای آهنین
۹. و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند، این کرامت است برای همه مقدسان او هلولیاه

مزمور صد و پنجاهم

۱. هلولیاه خدا را در قدس او تسبیح بخوانید، در فلک قوت او او را تسبیح بخوانید
۲. او را به سبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید، او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید
۳. او را به آواز شوفار تسبیح بخوانید، او را با بربط و عود تسبیح بخوانید
۴. او را با دف و رقص تسبیح بخوانید، او را با ذوات اوتار و نی تسبیح بخوانید
۵. او را با سنج‌های بلند آواز تسبیح بخوانید، او را با سنج‌های خوش صدا تسبیح بخوانید
۶. هر که روح دارد خدا او را تسبیح بخواند، هلولیاه